

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۵ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

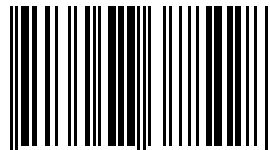
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۵/۵/۱۳۹۳

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۳) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۴) طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال
- ۵) اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت
- ۶) اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای علیزاده - بسم الله الرحمن الرحيم. با آرزوی قبولی طاعات حضرات آقایان و عرض تبریک به مناسبت عید سعید فطر و آرزوی سلامت و توفیق برای همه‌ی آقایان، ان‌شاءالله سال‌های سال به سلامت باشید. همچنین عرض تسلیت خدمت حضرت حاج‌آقای شب‌زنده‌دار به مناسبت رحلت ابوی معظّمشان حضرت آیت‌الله شب‌زنده‌دار و آرزوی علوّ درجات برای آن عزیز سفرکرده و سلامتی برای بازماندگان از جمله حضرت حاج‌آقای شب‌زنده‌دار خودمان. اگر اجازه بفرمایید دستور را شروع کنیم.

آقای شب‌زنده‌دار - بسم الله الرحمن الرحيم. از اظهار محبت و همدردی که اعضای محترم، فقهای معظّم و حقوقدانان محترم و ارجمند شورا فرمودند و به خصوص از حضرت آیت‌الله یزدی که اظهار لطف فرمودند خیلی تشکر می‌کنم. همین الطاف آقایان موجب کاهش آلام بازماندگان و عرض تشکر و امتنان ما است. جزاکم الله خیراً.

طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)

آقای منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم. دستور اول «طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور

(اعاده شده از شورای نگهبان)»^۱ است. ایراد اول شورا [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۵] به تبصره‌ی الحاقی به ماده (۱)^۲ بوده است: «۱- با توجه به اینکه وظیفه سازمان بازرسی نظارت بر حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری است، از آنجا که روشن نیست در تبصره الحاقی به ماده (۱) منظور از مراحل قبل چه اموری است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» که الآن مجلس، این ماده را به این ترتیب اصلاح کرده است: «در سطر سوم تبصره الحاقی به ماده (۱) کلمه «قبل»، حذف و عبارت زیر به انتهای تبصره اضافه شد:

«سازمان بازرسی همچنین می‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور نیز اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.»
آقای علیزاده - اگر واضح است و آقایان فرمایشی ندارند و به نظرشان همین درست است، بگذریم.

۱. طرح «اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» که ابتدا با عنوان «طرح دائمی شدن قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۸۷» توسط عده‌ای از نمایندگان به مجلس تقدیم شده بود، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ با تغییر عنوان و اصلاحاتی در متن، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۲/۱۰۵۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۲ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۵ و ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. ماده (۱) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- در ماده (۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ و اصلاحیه مورخ ۱۳۷۵/۵/۷ آن، کلمه «رئیس» قبل از عبارت «قوه قضائیه» اضافه و یک تبصره به شرح زیر به آن الحاق می‌شود:

تبصره- نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر و منظم و هدفدار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول ماده (۲) این قانون، تجزیه و تحلیل آنها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت حُسن جریان امور.»

آقای رهپیک - خب، بحث این بود که این عبارت، مفهوم‌دار است.

آقای علیزاده - نه، الآن عبارت تبصره فرق کرده است. مفهوم مصوبه‌ی قبلی این بود که نظارت و بازرسی شامل مراحل قبل از اقدامات دستگاه‌ها هم می‌شود، اما حالا شامل مراحل قبل نمی‌شود. تنها کاری که سازمان بازرسی می‌تواند بکند این است که اگر قبل از اقدام دستگاه‌ها در آن مورد، اطلاعاتی وجود دارد، می‌تواند این اطلاعات را جمع‌آوری کند که این اطلاعات ممکن است برای نظارت بر مرحله‌ی بعد از عمل دستگاه‌ها به دردتش بخورد. الآن موضوع این اصلاحیه، این است. حالا با این همه، اگر آقایان می‌فرمایند ایراد دارد، بفرمایند.

آقای سوادکوهی - ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر فقط لفظ «قبل» حذف می‌شد، خیلی خوب بود و مخصوصاً که گفته بود: «در مراحل حین و بعد از اقدامات دستگاه‌ها...»؛ اما اینکه در انتها یک جمله اضافه کرده، خراب شده است.

آقای علیزاده - آن جمله‌ی اضافه‌شده در انتهای تبصره که برای نظارت و بازرسی نیست.

آقای مدرسی یزدی - اینکه سازمان بازرسی قبل از اقدامات، تا چه حد اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند، یک مقداری ابهام دارد.

آقای رهپیک - خب ببینید، به هر حال آیا این جمع‌آوری اطلاعات قبل از اقدام دستگاه‌ها جزء وظیفه‌ی نظارت سازمان بازرسی است یا از لوازم آن است و یا از مقدماتش است؟ این حدش، چه مقدار است؟

آقای مدرسی یزدی - بله، جزء مقدمات نظارت است.

آقای علیزاده - جزء مقدمات آن است.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً اینکه قبل از اقدام، اطلاعات لازم در مورد اینکه چه مقدار بودجه برای آن اقدام دستگاه تخصیص داده شده است و یا در خصوص چه پروژه‌هایی قرار است، قرارداد ببندند را جمع‌آوری کنند. این چه عیبی دارد؟

آقای رهپیک - خب، الآن دستگاه‌ها مکلف به دادن اطلاعات لازم هستند، در حالی که هنوز کاری نکرده‌اند. این به این معنی است که بر طبق قانون، سازمان بازرسی صلاحیت دارد که قبل از اقدام دستگاه، از دستگاه اطلاعات بگیرد و دستگاه‌ها هم باید همکاری کنند. سازمان این اطلاعات را چگونه جمع‌آوری کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - الآن کلمه‌ی «قبل» حذف شده، ولی در ادامه‌ی تبصره تصریح شده است که سازمان بازرسی، «قبل» از اقدامات دستگاه‌ها هم می‌تواند اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند. این به نوعی همان است دیگر.

آقای رهپیک - در واقع مصوبه‌ی قبلی این بود که «به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌ها...»

آقای علیزاده - مصوبه‌ی قبلی، «بازرسی» [قبل از اقدام دستگاه‌ها] بود.

آقای رهپیک - بله دیگر، مصوبه‌ی قبلی می‌گفت به منظور جمع‌آوری اطلاعات، در مراحل قبل از اقدامات دستگاه‌های اجرایی هم نظارت کنند. الآن کلمه‌ی «قبل» از تبصره حذف شده است؛ منتها ذیل آن این مطلب اضافه شده که «سازمان بازرسی همچنین می‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور نیز اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند». این کلمه‌ی «می‌تواند» به معنای تخییر که نیست، بلکه به معنای صلاحیت [سازمان بازرسی در جمع‌آوری اطلاعات لازم، قبل از اقدامات دستگاه‌ها] است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله دیگر، [با این عبارت اضافه‌شده به مصوبه‌ی فعلی، یعنی سازمان بازرسی] حق بازرسی [قبل از اقدامات دستگاه‌ها را] دارد.

آقای رهپیک - یعنی در واقع سازمان بازرسی می‌تواند به منظور نظارت و بازرسی، قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور، اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهراً پیشاپیش اینها را تصریح کرده‌اند.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی قبلی این بود که سازمان قبل از شروع فعالیت دستگاه، می‌توانست برود نظارت و بازرسی کند، اما الآن قبل از اقدامات دستگاه‌ها نمی‌تواند بازرسی بکند، نظارتی هم ندارد، فقط می‌تواند اطلاعاتی که در این مورد هست را بگیرد و جمع‌آوری کند. الآن با این اصلاح، سازمان بازرسی نمی‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌ها، به دستگاه‌ها برود و بازرسی کند و گزارش بدهد و بگوید که اقداماتشان خلاف است. هدف از نظارت و بازرسی سازمان بازرسی این است که اقدامات خلاف دستگاه‌ها را شناسایی کند و جلوی اقدامات خلاف قانون را بگیرد، ولی در این حد که اطلاعات را جمع‌آوری کند، به معنای نظارت و بازرسی نیست. الآن موضوع تغییر کرده است.

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - تبصره می‌گوید که هر چند دستگاه هنوز کاری نکرده است، ولی اگر مثلاً می‌خواهد پروژه‌ای اجرا کنید، باید اطلاعات آن پروژه را به سازمان بازرسی بدهد. اولاً این کار، جزء نظارت است یا از لوازم آن؟ ثانیاً حد آن چه مقدار است؟ یعنی دستگاه‌ها هر اقدامی در هر حدی [انجام می‌دهند، اطلاعاتش را باید در اختیار سازمان قرار دهند؟]

آقای مدرسی یزدی - نه، انتهای تبصره گفته: «اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند».

آقای رهپیک - «لازم» بودن اطلاعات را چه کسی تشخیص می‌دهد؟ خود سازمان بازرسی تشخیص می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - هر دستگاهی نسبت به وظایف و صلاحیت خودش، قانون را تفسیر می‌کند [و «لازم» را تشخیص می‌دهد].

آقای رهپیک - این عبارت تبصره، یعنی دستگاه باید با سازمان بازرسی همکاری کند.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر قبول کردیم که نظارت، بعد از وقوع کار است، جمع‌آوری اطلاعات هم باید بعد از وقوع کار باشد، نه قبل از آن. تازه این ملازمه را هم ندارد.

آقای ابراهیمیان - بسم الله الرحمن الرحیم. اگر پذیرفتیم که نظارت، حین و بعد از اقدام قابل تصور است، یک‌سری اطلاعات برای دو نظارت حین و بعد لازم است که باید قبل از اقدام، تحصیل بشود؛ یعنی سازمان بازرسی باید بتواند قبل از عمل، اطلاعات مربوط به مراحل کار و پروسه و فرایند کار را جمع‌آوری کند تا بتواند خودش را مهیای نظارت و بازرسی حین و بعد از انجام عملیات کند. یعنی این‌گونه نیست که بدون خبر یک کاری انجام شود و بعد سازمان بازرسی سرزده حین و یا بعد از آن وارد شود. این اصلاح و تغییر عبارت، این احتمال را تقویت می‌کند که مراد از «اطلاعات لازم»، اطلاعات لازم برای انجام بازرسی‌های حین و بعد است. این‌گونه با این تفسیر، به نظرم مشکل حل می‌شود.

آقای رهپیک - نمی‌توانست بگوید: «اطلاعات غیر لازم»؛ چون اطلاعات باید لازم باشد.

آقای علیزاده - اگر آقایان فرمایش دیگری ندارند، رأی‌گیری کنیم. کلمه «قبل» که حذف شده است؛ حالا اگر آقایان جمعاً اضافه شدن این عبارت به انتهای تبصره را خلاف قانون اساسی می‌دانند و یا آقایان فقها آن را خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند.

آقای سوادکوهی - من این مصوبه را خلاف اصل (۱۷۴) قانون اساسی می‌دانم.

آقای علیزاده - خیلی خب. ایراد بعدی را بفرمایید.

آقای شب‌زنده‌دار - این مراحل یا هر مرتبه‌ای که در این تبصره ذکر شده، برای خودش مراحل دارد.

آقای ابراهیمیان - اگر هر مرحله مرکب از چند اقدام باشد، هر کدام به تنهایی یک اقدام است.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر ملاحظه کنید هر مرحله‌ای باز مرحله‌ای دارد و در تبصره هم گفته‌اند «مراحل»؛ کلمه «قبل» را حذف کرده‌اند و گفتند «مراحل».

آقای مدرسی یزدی - عبارت قانون اساسی هم این‌طوری است؛ اصل (۱۷۴) گفته است: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حُسن جریان ...»؛ عبارت «حسن جریان»، یعنی نظارت و بازرسی، حین اقدام را هم شامل می‌شود.

آقای سوادکوهی - شامل مرحله‌ی قبل از اقدام نمی‌شود.

آقای رهپیک - بله، شامل مرحله‌ی حین اقدام می‌شود.

آقای سوادکوهی - شامل مرحله‌ی قبل نمی‌شود.

آقای اسماعیلی - عبارت قانون اساسی می‌گوید: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد». خُب، وقتی که سازمان بازرسی وظیفه‌ی نظارت بر حُسن جریان امور را دارد، این تبصره هم می‌گوید اقدامات دستگاه‌ها می‌تواند تحت نظر او باشد و او نسبت به اقدامات دستگاه‌ها نظر بدهد. لذا چاره‌ای ندارد که بگوید «می‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور نیز اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند».

آقای رهپیک - در حین اقدام، بله؛ ولی مرحله‌ی قبل از عمل که هنوز کاری انجام نشده است.

آقای اسماعیلی - بر کاری که هنوز انجام نشده که نمی‌تواند نظارت کند، ولی در مورد مرحله‌ی حین اقدام، سازمان باید بداند مثلاً بر چه پایه‌ای اقدام شده است.

آقای ابراهیمیان - سازمان بازرسی باید بداند که فلان دستگاه چه برنامه‌ای دارد تا خود را مهیای بازرسی کند.

آقای هاشمی شاهرودی - شاید بعداً اصلاً اقدامی صورت نگیرد و سازمان بازرسی هم بازرسی نکند.

آقای رهپیک - بله، مشکلات اجرایی پیش می‌آید. از این به بعد یک مدیر باید هر کاری را هم که نکرده است، بگوید.

اصلاح کرده‌اند، الآن کل آن ماده، اصلاح شده‌ی سال ۱۳۹۳ تلقی می‌شود یا فقط آن یک کلمه؟

آقای علیزاده - همان یک کلمه.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که همان یک کلمه، اصلاح شده‌ی فعلی تلقی می‌شود.

آقای ره‌پیک - [در مرحله‌ی قبلی بررسی این مصوبه در جلسه‌ی ۱۳۹۳/۲/۳۱ شورای نگهبان] بحث همین بود که علت اینکه ما الآن داریم ایراد می‌گیریم، این است که چون با تبدیل شدن قانون آزمایشی به دائمی، تحولی دارد در این مصوبه ایجاد می‌شود، این یک مصوبه‌ی جدید است. یک چنین بحثی را ما [در جلسه‌ی قبلی] داشتیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این دومی‌اش است [و تنها اصلاح همان یک کلمه، اصلاحیه‌ی سال ۱۳۹۳ محسوب می‌شود].

آقای علیزاده - آن اصلاحیه‌ی سال ۱۳۸۷، قانونی موقت و آزمایشی بود که الآن مهلتش دیگر تمام شده است. وقتی مهلت قانون آزمایشی تمام شود، قانون اصلی به سر جای خودش برمی‌گردد. این که اشکالی ندارد. ما که الآن نمی‌توانیم ایراد بگیریم و بگوییم که قانون سابق خلاف قانون اساسی است. این را همیشه گفته‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - بله، فعلاً بحث آن نیست، باید یک جلسه‌ی خاصی برای این بحث برگزار کنیم.

آقای ره‌پیک - بله، منتها [با بازگشت قانون به وضعیت سابق]، آن غرض شورا از ایراد که رئیس جمهور و دیگران بود [که بیان شد آنها نمی‌توانند سازمان بازرسی را به انجام بازرسی فوق‌العاده الزام کنند]، تأمین نمی‌شود؛ چون قانون به وضعیت اصلی خود برگشته است.

آقای مدرسی یزدی - چون هر غرضی دارد، می‌تواند محقق بشود.

آقای علیزاده - تا الآن هم، همین طور عمل کرده‌ایم.

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی شورا به بند (ج) ماده (۲) ^۳ بود:

۳. بند (ج) ماده (۲) موضوع بند (۴) ماده (۲) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۴- در بند (ج): عبارت «وزارت امور اقتصادی و دارایی» حذف و عبارت «وزیر ذی‌ربط» جایگزین می‌گردد و عبارت «اصول هشتاد و هشتم (۸۸) و نودم (۹۰)» به «اصل نودم (۹۰)» تغییر می‌یابد.»

آقای اسماعیلی - اگر دستگامی احتمال تغییر در تصمیمش بدهد، لازم نیست اطلاعاتی به سازمان بازرسی بدهد.

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی به بند (ب) ماده (۲) اصلاحی موضوع بند (۳) ماده (۲) بوده است. ایراد شورا این بود که: «۲- در بند (ب) ماده (۲) اصلاحی موضوع بند (۳) ماده (۲)، انجام بازرسی‌های فوق‌العاده به درخواست نماینده مجلس، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی و اصول مربوط به وظایف و اختیارات نماینده شناخته شد. همچنین در خصوص رئیس جمهور و کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی حتی در مواردی که درخواست مربوط به حیطه اختیارات آنها باشد، در صورتی که به معنای الزام سازمان بازرسی به انجام بازرسی باشد، اشکال دارد و این درخواست با این وصف باید از طریق رئیس قوه قضائیه و حسب دستور ایشان صورت پذیرد.» که بر اساس این ایراد شورا، الآن مجلس بند (۳) ماده (۲) را حذف کرده است.

آقای علیزاده - با حذف این بند، قانون به وضعیت سابق خودش برگشت.

آقای ره‌پیک - منتها در قانون سابق هم، انجام بازرسی‌های فوق‌العاده به درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصل نود (۹۰) و اینها بوده است.^۲

آقای علیزاده - ما که نمی‌توانیم به قانون سابق ایراد بگیریم و بگوییم خلاف است.

آقای ره‌پیک - اینجا تکلیف یک چیزی باید روشن شود. اینکه الآن نمایندگان مجلس آمده‌اند و یک بخشی از این ماده را

۱. بند (ب) ماده (۲) موضوع بند (۳) ماده (۲) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- ماده (۲) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۳- در بند (ب): عبارت «کمیسیون اصول هشتاد و هشتم (۸۸) و نودم (۹۰) قانون اساسی» به عبارت «کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و یا نماینده» تغییر می‌یابد.

۴- ...

۲. بند (ب) ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۷) مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- وظایف سازمان به شرح زیر می‌باشد:

الف- ...

ب- انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصول (۸۸) و (۹۰) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

ج- ...

بود: «۴- در بند (ه) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، عضویت یک نفر قاضی منصوب رئیس قوه قضائیه، با توجه به ماهیت غیرقضایی کار این هیئت، مغایر اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.» همچنین یک تذکر هم به این صورت داده بودیم: «در بند (ه) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، عنوان قانون نیازمند اصلاح است.»

الآن مجلس این مصوبه را به این ترتیب اصلاح کرده است؛ گفته‌اند: «در سطر سوم بند (ه) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، عبارت «رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» جایگزین عبارت «تخلفات اداری» و در سطر هفتم بعد از کلمه «قانون»، کلمه «هیئت‌های» حذف و از انتهای پاراگراف اول، عبارت «جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد» حذف شد.» دو تا اصلاح اول، مربوط به تذکر شورا و اصلاح آخر مربوط به ایراد شورا بوده است.

آقای یزدی - در مورد ایراد شورا به این بند، بعضی‌ها گفته‌اند که حضور یک قاضی در برخی از هیئت‌ها، اگر واقعاً در بهبود کار نقش داشته باشد، بدون اینکه بخواهد حکم صادر کند یا محکمه داشته باشد یا حکم قضایی صادر کند، بلا اشکال است؛ یعنی اصل اشکال شورا را وارد نمی‌دانند. مثلاً حالا آن مقداری که من الآن به ذهنم می‌رسد، مگر قضات در هیئت‌های مرتبط با امور مالی و اداری عضو نیستند؟

آقای ره‌پیک - در بعضی هیئت‌ها قاضی حضور دارد.

آقای ابراهیمیان - در هیئت‌های زیادی قاضی حضور دارد.

آقای علیزاده - آقایان یک لیستی به ما دادند که در هیئت‌های زیادی قضات عضو هستند.

آقای یزدی - می‌دانم، بالاخره در هیئت‌های زیادی قاضی هست، اما قضاوت نمی‌کند. حضور قاضی بدون اینکه بخواهد قضاوت کند، نباید اشکالی داشته باشد.

آقای ره‌پیک - بله، در بعضی از مصوبات هم [به حضور قاضی در هیئت‌های حل اختلاف] ایراد گرفته نشده است.

→

نوبت طبق قانون هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری به موضوع رسیدگی می‌کند. جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد. رئیس هیئت موظف است ضمن نظارت بر ثبت پرونده و تعیین اوقات رسیدگی، مراتب را به عضو قضایی و نماینده سازمان جهت حضور اعلام نماید.

تبصره- رسیدگی به تخلفات مقامات و کارکنان قوای قضائیه و مقننه، نیروهای مسلح، شورای نگهبان و دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری از شمول این بند مستثنی است.»

«۳- در بند (ج) ماده (۲) اصلاحی موضوع بند (۴) ماده (۲)، الزام ارسال گزارش به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی، مغایر اصول (۵۷) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.» الآن مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی، بند (۴) ماده (۲) را حذف کرده است.

آقای علیزاده - بله، این بند هم حذف شده است.

آقای ره‌پیک - ولی در اینجا هم باز محتوایش حذف نمی‌شود؛ چون [مجدداً به قانون اصلی یعنی قانون مصوب ۱۳۶۰ (اصلاحی ۱۳۷۵) بازگشت می‌کند و] در مصوبه‌ی اصلی، کمیسیون اصل (۸۸) و (۹۰) آمده است [که بدین معنا است که سازمان بازرسی ملزم به ارائه‌ی گزارش به این کمیسیون‌ها است].^۱ اصول مورد اشاره در مصوبه فرق کرده است، اما محتوای آن [که ایراد شورا ناظر به آن بود] تغییر نکرده است.

آقای علیزاده - محتوای این قانون، فعلاً حاکم نیست.

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی به بند (ه) الحاقی به ماده (۲)^۲

۱. بند (ج) ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۷) مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- وظایف سازمان به شرح زیر می‌باشد:
الف- ...

ج- اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک‌گیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی و در خصوص سوء جریانات اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصول (۸۸) و (۹۰) قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.

د- ...»

۲. بند (ه) ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۷- متن زیر به عنوان بند (ه) و تبصره آن اضافه می‌شود:

ه- در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزرا و هم‌تراز آنان است که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری هستند، سازمان گزارش را برای رسیدگی به هیئت تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری ارسال و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند. در خصوص پرونده‌های مطروحه در رابطه با مقامات فوق، هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر مزبور با عضویت یک نفر از قضات منصوب رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود و خارج از

←

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم. اشکال ما، مغایرت بند (ه) ماده (۲) با اصل (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی، یعنی مداخله‌ی قوه‌ی مجریه در قوه‌ی قضائیه بوده است. اگر در این بند می‌گفتند قاضی توسط رئیس قوه‌ی مجریه انتخاب و منصوب می‌شود، دخالت محسوب می‌شد و اشکال داشت؛ اما در این بند گفته‌اند که برای رسیدگی به تخلفات اداری در هیئت‌های تخلفات، یک قاضی به دلیل اینکه با مسائل حقوقی آشناست، در جلسات این هیئت شرکت کند.

آقای یزدی - بله، همین‌طور است.

آقای سلیمی - پس الآن رئیس جمهور قاضی نصب نمی‌کند؛ قاضی را رئیس قوه‌ی قضائیه نصب می‌کند.

آقای علیزاده - حضور قاضی در این هیئت، مثل حضور یک حقوقدان است.

آقای سلیمی - رئیس قوه‌ی قضائیه نامه می‌نویسد و او را مأمور می‌کند تا بر آنجا نظارت کند و کارشان طبق قانون انجام بگیرد. یا از یک قاضی درخواست می‌کنند تا خارج از وقت اداری در جلسات هیئت‌های تخلفات اداری حضور پیدا کند تا تصمیمات این هیئت، در چارچوب مقررات حقوقی و قانونی باشد. پس به نظر می‌رسد الآن آن اشکال وارد نیست؛ یعنی آنچه موجب تداخل دو قوه و یا بر هم زنده‌ی استقلال قوا باشد، الآن دیگر وجود ندارد. بنابراین این بند اصلاحی، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - قبل از اصلاح این بند، به این صورت بود که بدون حضور قاضی، جلسات این هیئت رسمیت پیدا نمی‌کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - الآن حضور قاضی در این هیئت، ماهیت غیر رسمی دارد.

آقای علیزاده - الآن این هیئت را مثل همه‌ی هیئت‌ها کرده است. در شورای عالی ثبت دو تا قاضی حضور دارند^۱ و در جاهای مختلف دیگر مثل کمیسیون ماده (۱۰۰) قانون

آقای یزدی - حقیقت این است که این آقایان [= نمایندگان مجلس] هم اصرار دارند که حضور قاضی در بهبود کار واقعاً نقش دارد.

آقای علیزاده - ظاهراً شورا در موارد متعدد، حضور قاضی در این هیئت‌ها را قبول کرده است.

آقای رهپیک - حالا به هر حال ایراد شورا در مرحله‌ی قبل این بوده است.

آقای علیزاده - بله، الآن مجلس یک قسمت آن را اصلاح کرده است.

آقای رهپیک - البته آن موضوع تذکر هم درست نشده است، ناقص است؛ باز هم عنوان قانون ایراد دارد.

آقای علیزاده - اگر تذکر را اصلاح نکرده‌اند، دیگر به ما ارتباطی ندارد.

آقای رهپیک - آن تذکر را درست می‌کنند، ولی اصل اشکال رفع نشده است. قسمت اخیر بند (ه) الحاقی را حذف کرده‌اند؛ گفته‌اند: «... و از انتهای پاراگراف اول عبارت «جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد» حذف شد».

آقای علیزاده - حالا یک مقدار رقیق شده است.

آقای رهپیک - رقیق شده است، ولی ایراد شورا این بود که عضویت قاضی در این هیئت اشکال دارد. این ایراد که هنوز سر جایش باقی است.

آقای ابراهیمیان - اشکال ما رفع نشده است، مگر اینکه با این سابقه‌ای که وجود دارد، از اشکالمان برگردیم.

آقای هاشمی شاهرودی - ایراد ما به قسمت اخیر بند (ه) بود؛ چون ایشان [= آقای علیزاده] می‌گفت که حضور قاضی بدون حکم قضایی معنی ندارد؛ کأنه حضور قاضی در این هیئت، قضایی است و هیئت تخلفات اداری هم مثل محکمه است.

آقای علیزاده - ما در زمینه‌ی رسیدگی به تخلفات اداری که محکمه نداریم [که نیاز به قاضی باشد].

آقای هاشمی شاهرودی - حضور قاضی به عنوان یک عضو در این هیئت، چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - نه، اشکال ما این است که عضویت قاضی با ابلاغ قضایی [در رسیدگی اداری، با تفکیک قوا تعارض دارد].

آقای هاشمی شاهرودی - این اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - الآن در این مصوبه‌ی اصلاحی، آن را از قضایی بودن خارج کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، از قضایی بودن هم خارج شده است.

۱. ماده (۲۵) مکرر) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱): «ماده ۲۵ مکرر- مرجع تجدیدنظر نسبت به آراء هیئت نظارت شورای عالی ثبت خواهد بود که دارای دو شعبه به شرح زیر است:

الف- شعبه مربوط به املاک

ب- شعبه مربوط به اسناد

هر یک از شعب مذکور از سه نفر که دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری و مسئول قسمت املاک در شعبه املاک و مسئول قسمت اسناد در شعبه اسناد تشکیل می‌گردد.»

آقای ابراهیمیان - ولی معرفی او کماکان از سوی رئیس قوه قضائیه است. یعنی به موجب قانون ...

آقای هاشمی شاهرودی - در این زمینه قانونی وجود ندارد؛ چون قاضی را رئیس قوه قضائیه باید معرفی کند.

آقای ابراهیمیان - آیا رئیس قوه قضائیه مجبور به انجام این کار است؟ ظاهراً مجبور است که به هر حال، این قضات را معرفی کند. این مسئله، مهم است، چون بعداً دوباره همین سؤال پیش می‌آید.

آقای هاشمی شاهرودی - عیبی ندارد. قانون [اساسی] می‌گوید طبق وظیفه [رئیس قوه قضائیه باید قضات را نصب کند].^۲

آقای علیزاده - الآن در این لیستی که سازمان بازرسی کل کشور در تاریخ پنجم مردادماه فرستاده، گفته است که در کمیسیون ماده (۳۸) آیین‌نامه‌ی معاملات شهرداری تهران هم یک قاضی دادگستری [با انتخاب رئیس قوه قضائیه] حضور دارد.^۳

آقای ابراهیمیان - تعداد هیئت‌هایی که قضات در آن عضو هستند که زیاد است.

آقای مدرسی بزدی - واقعیت این است وقتی که تصریح کرده رئیس قوه قضائیه باید برای این هیئت، قاضی منصوب کند، با اصل استقلال قوا تعارض دارد. شاید در آن قوانین این تصریح وجود نداشته است.

آقای علیزاده - همه‌ی قضات آن هیئت‌ها هم منصوب رئیس قوه قضائیه هستند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، همه منصوب رئیس قوه قضائیه هستند. یعنی در همه‌جا رئیس قوه قضائیه [قاضی را منصوب و معرفی می‌کند].

۲. بند (۳) اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی: «وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱- ...

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.»

۳. ماده (۳۸) آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران، اصلاحی ۱۳۹۰/۲/۴: «ماده ۳۸- اختلاف ناشی از معاملات موضوع این آیین‌نامه در هیئت حل اختلافی با عضویت یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه، یک نفر از اعضای شورای اسلامی شهر با انتخاب شورای مربوطه، نماینده شهرداری به انتخاب شهرداری یا نماینده بخشدار یا فرماندار حسب مورد و نماینده قانونی طرف قرارداد قابل رسیدگی و حکم صادره از طرف قاضی جلسه برای طرفین لازم‌الاجرا است.»

شهرداری‌ها هم قاضی شرکت دارد.^۱

آقای هاشمی شاهرودی - اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - یعنی الآن وقتی حضور قاضی در هیئت الزامی نیست، در واقع قاضی نه به عنوان قاضی بلکه به عنوان یک عضو حقوقدان دارد شرکت می‌کند. به نظر من اشکال رفع شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال رفع شده است.

آقای ابراهیمیان - اشکالی که ما گرفتیم چه بود؟

آقای ره‌پیک - اشکال ما چه بود؟

آقای بزدی - طبیعتاً با این اصلاح، نتیجه چه می‌شود؟

آقای علیزاده - اشکال ما، حل شده است.

آقای بزدی - وقتی عبارت‌ها عوض شد ...

آقای هاشمی شاهرودی - قاضی در این هیئت رأی می‌دهد ولی [به عنوان یک حقوقدان].

آقای علیزاده - بله، قاضی رأی می‌دهد ولی به عنوان [یک حقوقدان] و رأی قاضی در این هیئت مؤثر نیست.

آقای بزدی - قاضی در وقت اداری [در جلسات هیئت شرکت می‌کند]؟

آقای ابراهیمیان - ما در این ایرادمان یک حرف جدیدی زدیم که [تاکنون در نظرات شورای نگهبان] سابقه نداشت. گفتیم اگر این مصوبه، به قوه قضائیه تکلیف کند که یکی از افراد تحت امرت را به قوه مجریه بفرستد تا مأموریتی انجام بدهد، این با استقلال و اختیارات قوه قضائیه در تنافی است. ما این را گفتیم.

آقای علیزاده - اشکال ما این نبود، بلکه ما به مداخله‌ی الزامی [قاضی منصوب رئیس قوه قضائیه] در این هیئت، ایراد داشتیم.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر [مداخله و حضور قاضی در این هیئت] الزامی بود، بدون حضور او اصلاً جلسات این هیئت معتبر نبود.

آقای بزدی - بله، حضور قاضی در این هیئت‌ها خیلی مؤثر است.

۱. بند (۳) ماده واحده قانون الحاق دو تبصره به ماده (۵۵) و اصلاح تبصره یک ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها: «۳- تبصره (۱) ماده (۱۰۰) به ترتیب زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۱- در موارد مذکور فوق که از لحاظ اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی قلع تأسیسات و بناهای خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد یا بدون پروانه شهرداری ساختمان احداث یا شروع به احداث شده باشد به تقاضای شهرداری موضوع در کمیسیون‌هایی مرکب از نماینده وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یکی از اعضای انجمن شهر به انتخاب انجمن مطرح می‌شود...»

آقای مدرس یزدی - اگر قاضی در اوقات آزادش، در جلسات این هیئت شرکت می‌کند؛ این اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - حضور در این هیئت که کار آزاد نیست؛ این، کار دولتی است.

آقای علیزاده - مگر قاضی که وقت آزاد دارد، می‌تواند در اوقات آزادش برود و در جای دولتی کار بکند؟! نمی‌تواند.

آقای مدرس یزدی - چرا؟

آقای علیزاده - حتماً باید مأمور [از طرف رئیس قوه قضائیه] باشد و گرنه نمی‌تواند. این که اشکال دارد. قاضی نمی‌تواند چنین کاری بکند. این که حتماً اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، قاضی نمی‌تواند.

آقای اسماعیلی - قاضی که نمی‌تواند در وقت آزادش برود و مدیر اداره شود.

آقای علیزاده - بله، نمی‌تواند.

آقای مدرس یزدی - چه عیبی دارد؟

آقای علیزاده - عیبش این است که نمی‌تواند چنین کاری بکند. شغل او قضاوت است و باید قاضی باشد.

آقای مدرس یزدی - خوب، جزء شغل او محسوب نشود [تا مغایرتی با اصل (۱۴۱) قانون اساسی نداشته باشد].

آقای علیزاده - اگر به عنوان مأمور باشد، شغل دوم او حساب نمی‌شود.

آقای مدرس یزدی - اگر شغل محسوب نشود، عیبی ندارد.

آقای ابراهیمیان - الآن تنها مانع، رویه‌ی گذشته نیست. به نظر من ...

آقای هاشمی شاهرودی - در تمام موارد، رئیس قوه قضائیه یک ابلاغ به قاضی می‌دهد تا در جلسات این هیئت‌ها حاضر شود.

آقای مدرس یزدی - ما می‌گوییم این اشکال، به رویه وارد است.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال وارد نیست. این اشکال، مربوط به عبارت ذیل بند (ه) الحاقی بود: «جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد»؛ یعنی جلسات بدون حضور عضو قضایی معتبر نبود.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرس یزدی - چه فرقی می‌کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - فرقی این است که در آن صورت، ماهیت کار، قضایی می‌شود.

آقای علیزاده - در کمیسیون ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور هم به همین ترتیب است.^۱

آقای هاشمی شاهرودی - همه جا همین‌طور است.

آقای ابراهیمیان - اگر این ایراد را بگیریم، این ایراد به همه‌ی هیئت‌ها و کمیسیون‌ها وارد است.

آقای علیزاده - اگر نصب قاضی با ابلاغ رئیس قوه قضائیه نباشد، ایراد می‌گیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، عکس آن را ایراد می‌گیریم.

آقای علیزاده - مأموریت قاضی باید از طرف رئیس قوه قضائیه باشد و گرنه ایراد می‌گیریم.

آقای مدرس یزدی - حضور قاضی در این هیئت، به عنوان قاضی نیست؛ بلکه شغل اصلی‌اش قضاوت است و در اوقات اضافی خود، در این هیئت شرکت می‌کند. این اشکالی ندارد.

آقای یزدی - بله، نظر بنده هم یک چنین چیزی است.

آقای مدرس یزدی - اگر این‌طور باشد، ما می‌گوییم اشکالی ندارد و الاً اگر غیر از این باشد، اشکال دارد.

آقای علیزاده - اگر قرار باشد به قاضی مأموریتی داده شود، باید از طریق رئیس قوه قضائیه باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ابراهیمیان - باز شما مأموریت اجباری [را از طرف رئیس قوه قضائیه برای قاضی در نظر می‌گیرید].

آقای هاشمی شاهرودی - چون قاضی زیر مجموعه‌ی اوست.

۱. ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی (با اصلاحات و الحاقات بعدی): «ماده واحده- زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی که به اجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن اعتراض داشته باشند می‌توانند به هیئت مرکب از: ۱- مسئول اداره کشاورزی ۲- مسئول اداره جنگلداری ۳- عضو جهاد سازندگی ۴- عضو هیئت واگذاری زمین ۵- یک نفر قاضی دادگستری ۶- بر حسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی روستا یا عشایر محل مربوطه، مراجعه نمایند. این هیئت در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی و با حضور حداقل پنج نفر از هفت نفر رسمیت یافته و پس از اعلام نظر کارشناسی هیئت، رأی قاضی هیئت، قابل اعتراض در شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر می‌باشد. هیئت می‌تواند از خبرگان محلی و غیر رسمی به عنوان کارشناس استفاده نماید.
تبصره ۱- ...»

است: «۵- در تبصره ماده (۶) اصلاحی موضوع ماده (۵)، با توجه به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری اختیار رئیس قوه قضائیه مربوط به مواردی است که آراء صادره خلاف بین شرع باشد، منظور از خلاف قانون در این تبصره روشن نیست.» که مجلس برای رفع این ایراد، گفته است: «در سطر دوم تبصره ماده (۶) اصلاحی موضوع ماده (۵)، عبارت «یا قانون» حذف شد.»

آقای علیزاده - با این اصلاح به عمل آمده، ظاهراً دیگر اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - بله، اشکالی نیست.

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی شورا به تبصره (۱) ماده (۸)^۳ بوده است: «۶- در تبصره یک ماده (۸) اصلاحی موضوع ماده (۶)، با توجه به اینکه تخلف از تکلیف ماده (۸) قانون به عنوان جرم تلقی شده است، جرم‌انگاری نسبت به «عدم همکاری لازم» با توجه به مشخص نبودن حدود و نوع همکاری اشکال دارد.» که این ایراد را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «در سطر اول تبصره (۱) ماده (۸) اصلاحی موضوع ماده (۶)، بعد از عبارت «در این ماده»، عبارت «در خصوص عدم همکاری در ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز» اضافه شد.»

یعنی الآن تبصره به این ترتیب می‌شود: «تخلف از تکلیف مندرج در این ماده در خصوص عدم همکاری در ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز، موجب حبس از سه ماه و یک روز تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از سه ماه تا یک سال خواهد بود.»

آقای علیزاده - چون آقایان اعضای شورا فرمودند که معلوم نیست این «عدم همکاری لازم» که جرم محسوب شده است، یعنی چه، حالا مجلس آن را مشخص کرده است و گفته که «عدم همکاری در ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز»، جرم است.

آقای ابراهیمیان - ایراد ما روی عبارت «همکاری» بود. به نظر همچنان کمی ابهام دارد.



تبصره - هرگاه بازرس دارای پایه قضایی، ضمن بازرسی در حدود مقررات قانونی، به حکمی برخورد کند که آن را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهد، گزارش مستدل آن را از طریق رئیس سازمان برای رئیس قوه قضائیه ارسال می‌کند تا رئیس قوه طبق قانون، اقدام قانونی را به عمل آورد.»

۳. تبصره (۱) ماده (۸) موضوع ماده (۶) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- تبصره (۱) ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره ۱- تخلف از تکلیف مندرج در این ماده موجب حبس از سه ماه و یک روز تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از سه ماه تا یک سال خواهد بود.»

آقای مدرس یزدی - نه، قضایی نمی‌شود. حضور قاضی در این هیئت، به عنوان یک حقوقدان است و عبارت انتهایی بند (ه) گفته بود که جلسات هیئت بدون حضور عضو حقوقدان اعتباری ندارد.

آقای رهپیک - عبارتی که ما در ایراد شورا نوشتیم این بود که عضویت یک نفر قاضی در این هیئت اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - در نوشتن عبارت، مسامحه شده است.

آقای رهپیک - ایراد ما این نبود که حضور قاضی، به جلسات هیئت اعتبار می‌بخشد.

آقای علیزاده - خیلی خوب، حالا دیگر موضوع برای طرفین روشن است؛ اگر اجازه بدهید رأی‌گیری کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهراً این بند اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که با اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق را کماکان به قوت خود باقی می‌دانند، رأی دهند.

آقای رهپیک - امروز در هر حال اشکالات رأی نمی‌آورد. حالا لااقل یک بار دیگر تذکر بدهیم که عنوانش را درست کنند.

آقای علیزاده - اینکه به تذکر عمل نمی‌کنند، دیگر به ما ارتباطی پیدا نمی‌کند.

آقای رهپیک - نه، عنوان «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» غلط است که باید آن را اصلاح کنند.

آقای علیزاده - خیلی خوب، غلط باشد. ما تذکر دادیم، عمل نکردند. اگر دفعه‌ی دوم [= در مصوبه‌ی اصلاحی] به تذکر عمل نکردند، دیگر توجه نمی‌کنیم. اگر به مصوبه‌ی اصلاحی دوباره ایرادی گرفتیم، تذکر را هم می‌نویسیم؛ اگر نگرفتیم، دیگر نمی‌نویسیم.^۱

آقای ابراهیمیان - چون این صحبت‌ها و بحث‌ها ضبط می‌شود و صورت جلسه می‌شود، خواهش من این است که هر بار رأی‌گیری می‌فرمایید، تعداد رأی را اعلام بفرمایید.

آقای علیزاده - در مورد این بند، پنج تا رأی داشتیم که اشکال باقی است.

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی شورا به تبصره‌ی ماده (۶)^۲ بوده

۱. تذکر مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان: «در بند (ه) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، از آنجا که عنوان این هیئت‌ها «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری» است نه «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان»، نیازمند اصلاح عبارتی است

۲. تبصره ماده (۶) موضوع ماده (۵) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- ...»



آقای رهپیک - بله، گفتیم که مفهوم و معنای همکاری، موسّع است.

آقای ابراهیمیان - گفتیم این «همکاری» یعنی چه؟ مثلاً چه مقدار اسناد و مدارک مورد نیاز سازمان بازرسی را دیر بدهد [که عدم همکاری محسوب شود]؟ اگر زمان معینی مثلاً یک هفته، ده روز یا بیست روز را مشخص می‌کردند و می‌گفتند که مثلاً عدم ارسال پاسخ کتبی در این زمان معین، جرم محسوب می‌شود، [ایراد برطرف شده بود]. یعنی این ترک فعل باید یک ترک فعل مشخص و معینی باشد. الآن «عدم همکاری» ممکن است یک تأخیر مختصر در ارائه‌ی اسناد و مدارک را هم شامل بشود که این خودش، محل نزاع می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - معنی عرفی این عبارت این است که یعنی اسناد و مدارک مورد نیاز را ارائه نداده است.

آقای علیزاده - بله، در اینجا یعنی اسناد و مدارک مورد نیاز را ارائه نداده است.

آقای رهپیک - الآن عبارت تبصره، نسبت به گذشته یک مقداری بهتر شده است، ولی کار برای مدیران اجرایی بسیار سخت می‌شود. از آن طرف [براساس ماده (۶) این مصوبه] موظفند اطلاعات را قبل از اقدام به انجام کار در اختیار سازمان بازرسی قرار بدهند و اگر همکاری نکنند، مجازات می‌شوند. از طرف دیگر بر اساس ماده (۸) این مصوبه [= تبصره‌ی الحاقی به ماده (۱۰) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور]، اگر پیشنهادهای سازمان بازرسی را عمل نکنند، مشمول مجازات همین تبصره‌ی ماده (۸) می‌شوند. در این صورت دیگر هیچ کس کار نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، مربوط به اصل ماده (۸) است. نباید این مجازات را برای ماده (۱۰) هم می‌نوشتند.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - آن، کار را خراب کرده است.

آقای علیزاده - خود قانون تشکیل سازمان بازرسی را باید بیاورید تا ببینیم.

آقای هاشمی شاهرودی - این عبارت «در خصوص عدم همکاری در ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز» به نوعی تفسیر عبارت «عدم همکاری» است؛ یعنی مقصود ما از «عدم همکاری» یعنی ندادن اسناد و مدارک لازم.

آقای علیزاده - بله، یعنی ندادن اطلاعات؛ این که اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - «عدم همکاری» یک امر خیلی وسیعی است.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا می‌خواهید چه کار کنید؟

آقای علیزاده - ظاهراً این بند اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - ایراد مغایرت با قانون اساسی که رأی نمی‌آورد. **آقای علیزاده -** آقایانی که می‌گویند تبصره (۱) ماده (۸)، با این اصلاح به عمل آمده، اشکال جدیدی دارد و یا اشکال سابق، کماکان به قوت خودش باقی است، رأی بدهند. خیلی خوب، یک رأی آورد.

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی شورا به تبصره‌ی الحاقی به ماده (۱۰) ^۱ بوده است: «۷- با توجه به جرم‌انگاری و تعیین مجازات در تبصره الحاقی به ماده (۱۰) موضوع ماده (۸)، عنوان پیشنهادها قانونی دارای ابهام است و لازم است عنوان مجرمانه دقیقاً معین شود تا اظهار نظر گردد. به علاوه اطلاق تبصره نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.» مجلس الآن این تبصره را به این نحو اصلاح کرده است: «تبصره الحاقی به ماده (۱۰) موضوع ماده (۸) به شرح زیر اصلاح شد:

تبصره- در مواردی که پیشنهادها سازمان برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان امور باشد و مسئول مربوطه بدون عذر موجه از انجام آن استنکاف نماید، با رسیدگی و احراز در دادگاه صالح، مشمول مجازات مقرر در تبصره (۱) ماده (۸) این قانون می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهراً که ایراد ما اصلاح شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای رهپیک - نه، با توجه به قسمت اول ایراد شورا، یک مقدار در مورد «پیشنهاد قانونی» توضیح داده‌اند و گفته‌اند که پیشنهاد برای چه چیزی مورد نظر است، ولی آن قسمت دوم ایراد که گفته بودیم اطلاق تبصره، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است، هنوز درست نشده است. بحث ما این بود که در ماده (۸) گفته شده که سازمان، می‌تواند به دستگاه‌ها پیشنهادها قانونی بدهد و اگر دستگاه مربوطه به این پیشنهادها توجه نکند، مسئول مربوطه مجازات می‌شود. ما ایراد گرفتیم و گفتیم که

۱. تبصره الحاقی به ماده (۱۰) موضوع ماده (۸) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸- تبصره زیر به ماده (۱۰) قانون الحاق می‌شود: تبصره- عدم اجرای پیشنهادها قانونی سازمان بدون عذر موجه با رسیدگی و احراز در دادگاه صالح، مشمول مجازات مقرر در تبصره (۱) ماده (۸) قانون می‌باشد.»

«پیشنهاد‌های قانونی» یعنی چه؟ اصلاً خود این مفهوم «پیشنهاد‌های قانونی» یعنی چه؟ ثانیاً اگر یک کسی به پیشنهادی که الزام قانونی دارد، توجه نکند، [حرفی نیست؛ اما اگر پیشنهادی باشد که انجام آن، هیچ الزام قانونی برای دستگاه‌ها ندارد، عدم توجه به این پیشنهاد سازمان بازرسی نباید موجب مجازات مسئول دستگاه باشد].

آقای هاشمی شاهرودی - خب، آن شقّ دوم، مشمول عذر است؛ خود تبصره دارد می‌گوید: اگر بدون عذر موجه از انجام آن پیشنهاد استنکاف کند، مجازات می‌شود. آن شقّ دوم، خودش عذر موجه است. یکی از عذرهای موجه، وجود قانون و بر خلاف قانون بودن یک پیشنهاد است. تبصره‌ی اصلاحی گفته است که اگر «مسئول مربوطه بدون عذر موجه از انجام آن استنکاف نماید»، مشمول مجازات می‌شود.

آقای ره‌پیک - نه، سؤال اصلی این است که اصلاً چه چیز جرم است؟ و منظور از «پیشنهاد» چیست؟ آیا منظور، پیشنهاد کارشناسی است؟

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره هر چه که باشد. اگر پیشنهاد سازمان، خلاف قانون باشد، عذر موجهی برای عدم انجام آن پیشنهاد است.

آقای ره‌پیک - اصلاً فرض کنید پیشنهاد سازمان بازرسی، خلاف قانون نیست. اشکال شورا این بوده که چه زمانی می‌توان گفت که این استنکاف از انجام پیشنهاد سازمان، جرم است و باید مجازات بشود؟ وقتی یک فردی از یک الزام قانونی تخلف کرد، بگوئید که مرتکب جرم شده است، نه استنکاف از پیشنهادی که پیشنهاد کارشناسی سازمان بازرسی است. مثلاً ممکن است سازمان در پیشنهادش به دستگاه مربوطه بگوید که به نظر من اگر این پروژه اجرا بشود، سوء جریان امور پیش می‌آید. اگر دستگاه از این پیشنهاد، استنکاف کند، مرتکب جرم شده است؟ ما گفتیم «اطلاق تبصره نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای یزدی - از آنجایی که سازمان بازرسی رسیدگی کرده و تخلف دستگاه برای سازمان بازرسی ثابت شده است، عدم انجام پیشنهاد سازمان بازرسی، جرم دانسته شده است.

آقای ره‌پیک - این پیشنهاد سازمان مربوط به قبل از تخلف است.

آقای ابراهیمیان - این مربوط به قبل از تخلف است.

آقای یزدی - مثلاً سازمان بازرسی، پیشنهاد توقف کار و یا دستور دیگری می‌کند که این دستور، قانونی است؛ یعنی سازمان بازرسی حق دارد که بعد از رسیدگی و اثبات تخلف، پیشنهاد و دستور بدهد؛ و الا سازمان بازرسی که قانون‌گذار نیست. بازرسی می‌بیند که آیا دستگاه مربوطه بر اساس قانون عمل می‌کند یا بر خلاف آن کار کرده است؛ یا مثلاً این پولی را که باید در محل معینی خرج می‌کرده، در آنجا خرج کرده یا نکرده است؛ یا مثلاً این ساختمان را بر اساس اصول استاندارد ساخته است یا نه. در اینجاها سازمان با ارائه‌ی پیشنهاد می‌خواهد جلوی عمل خلاف قانون دستگاه را بگیرد؛ مثلاً پیشنهاد توقف نسبت به اصل کار می‌دهد. حالا این تبصره می‌گوید که اگر آن دستگاه اعتنایی به این پیشنهاد‌های سازمان بازرسی نکرد، مجازات می‌شود.

آقای ره‌پیک - یعنی می‌گوید اگر کسی به این پیشنهاد سازمان توجه نکرد، مجازات بشود؛ خب، این درست است؟
آقای یزدی - بله، وقتی که دستگاه بازرسی دارد از کار می‌افتد که.

آقای ره‌پیک - این مسئول دستگاه که نباید [در این مرحله] مجازات شود، بلکه سازمان باید پیگیری کند تا پیشنهادهايش را اجرا کنند. چون پیشنهاد سازمان، پیشنهاد کارشناسی است [و جنبه‌ی مشورتی دارد]. مثلاً سازمان می‌گوید که به نظر من این پروژه را این‌گونه ادامه ندهید.

آقای هاشمی شاهرودی - [فرض این است که] سوء جریان هم واقع شده است.

آقای ره‌پیک - واقع نشده است.

آقای یزدی - اصل این است که سوء جریان واقع شده است.

آقای ره‌پیک - عمل مجرمانه [باید واقع شود نه سوء جریان].

آقای مدرسی یزدی - مقصود این است که یک سوء جریانی واقع شده است و سازمان بازرسی هم بررسی می‌کند و می‌گوید که این روشی که تا به حال انجام شده، غلط بوده است. بعد برای رفع این سوء جریان، یک پیشنهادهایی می‌دهد. این تبصره می‌گوید چون پیشنهاد سازمان بازرسی برای رفع سوء جریان است، دستگاه باید به آن عمل کند. ممکن است مأمور بگوید که من با افراد دیگری مشورت کردم و راه دیگری غیر از پیشنهاد شما انتخاب کرده‌ام.

آقای ره‌پیک - اصلاً در اینجا بحثی از رفع سوء جریان نیست.

آقای مدرسی یزدی - چه لزومی دارد که مسئول دستگاه حتماً

نکرد، نباید جرم تلقی شود و جرم‌انگاری گردد؛ زیرا این دخالت در امر اجرا است. یعنی در حیطه‌ی اینجایی که دستگاه‌های اجرایی رخصت دارند، نباید جرم تلقی شود. فرمایش حاج‌آقای یزدی درست است، منتها فرمایش ایشان ناظر به جاهایی است که از استانداردها، قوانین و مقررات تخلف می‌شود. در آن موارد همه‌ی ما قبول داریم [که این عدم توجه به پیشنهاد سازمان بازرسی، باید جرم تلقی شود]. اما این ماده جلوی جاهایی را می‌گیرد که مسئول اجرایی می‌خواهد از اختیار اجرایی‌اش در انتخاب راه‌حل‌های کارشناسی استفاده کند، ولی سازمان بازرسی می‌گوید که باید حتماً این راه حل را انتخاب کنی. این، دست مدیران اجرایی را می‌بندد. این [عدم اعتنا به پیشنهاد سازمان در این‌گونه موارد]، نباید جرم‌انگاری شود. اطلاق و عموم این تبصره این مورد را هم شامل می‌شود که اشکال دارد.

آقای علیزاده - تنها اشکالی که هست در مورد «سوء جریان امور» است. در مورد «تکرار تخلف» و «جلوگیری از وقوع جرم» که حرفی ندارید؟

آقای مدرسی یزدی - من دقیقاً فرمایش حضرت آیت‌الله یزدی را عرض بکنم. در همان مثال احداث ساختمان که ایشان فرمودند، یک وقت سازمان بازرسی پیشنهادی می‌دهد که مثلاً قطرش به این اندازه نباید باشد و کم است ...

آقای یزدی - خب، سازمان بازرسی دستور توقف ساخت می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - این عیبی ندارد؛ این مشکلی ندارد. یا مثلاً می‌گوید محل احداث این ساختمان نباید روی لوله گاز باشد. در این موارد قبول می‌کنیم [که باید به پیشنهاد سازمان بازرسی حتماً عمل بشود]. اما این عبارت بیش از این را می‌گوید. مثلاً سازمان می‌گوید که با فاصله‌ی (۵۰) متر یا (۱۰۰) متر از طرف چپ بساز، اما خود صاحب کار مسئول پروژه می‌گوید که من می‌خواهم با فاصله‌ی (۵۰) متر از طرف دست راست بسازم.

آقای یزدی - این اصلاً وظیفه‌ی سازمان نیست که بخواهد در این موارد پیشنهاد بدهد و بگوید کجا بساز و کجا نساز.

آقای مدرسی یزدی - بله، اما این عبارت می‌گوید که مسئول اجرایی باید پیشنهاد سازمان را بپذیرد. ما می‌خواهیم بگوییم این مقدار [نباید سازمان بازرسی حق دخالت در امور اجرایی داشته باشد].

به پیشنهاد سازمان بازرسی عمل کند. وظیفه‌ی بازرسی، پیشنهاد دادن نیست، بلکه ارائه‌ی پیشنهاد یک تفضلی است که بازرسی می‌کند. وظیفه‌ی بازرسی این است که بگوید کجا سوء جریان وجود دارد و چگونه باید آن را رفع کرد. خب، بازرسی می‌تواند یک پیشنهاد بدهد، یک فرد دیگری هم می‌تواند پیشنهاد دیگری بدهد. قانون اساسی نگفته است که دستگاه حتماً باید پیشنهاد بازرسی را انتخاب کند، بلکه دستگاه باید از میان پیشنهادها متعدد، یک پیشنهاد را جهت رفع سوء جریان انتخاب کند. این انتخاب ممکن است پیشنهاد ثالثی غیر از پیشنهاد سازمان بازرسی و یا پیشنهاد خودش باشد و مشکل هم حل شود. بنابراین نمی‌شود گفت که عمل نکردن به پیشنهاد سازمان بازرسی، مجازات دارد.

آقای ره‌پیک - اصلاً در اینجا نگفته است که سازمان بعد از وقوع سوء جریان امور پیشنهاد بدهد، بلکه گفته است «برای جلوگیری از وقوع جرم» پیشنهاد بکند؛ یعنی سازمان برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان امور، پیشنهاد ارائه کند. حالا عنوان مجرمانه‌ای که برای آن مجازات قرار داده شده، چیست؟ اگر عنوان مجرمانه، تخلف قانونی باشد، بله اشکالی ندارد، ولی در اینجا عنوان مجرمانه، تخلف از پیشنهاد است.

آقای یزدی - سازمان بازرسی، یک سازمان قانونی است؛ هر کس که حق ندارد پیشنهاد بدهد.

آقای مدرسی یزدی - البته هر کسی به اندازه‌ای که قانون به او اجازه داده است، حق دارد. وظیفه‌ی سازمان بازرسی هم نظارت است، نه بیشتر.

آقای یزدی - اتفاقاً این واقعیت الآن رخ داده است و کس دیگری [به جز سازمان بازرسی] از نظر قانونی حق ندارد که بتواند پیشنهاد بدهد. فرض این است که سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان یکی از ابزارهای دستگاه‌های قضایی برای اصلاح امور و حُسن اجرای قوانین تأسیس شده است.

آقای ابراهیمیان - مشکلی که به نظرم همه‌ی ما هم روی آن اتفاق نظر داریم، این است که اگر دستگاه اجرایی در مواردی رخصت داشته باشد که در امور مربوط به حیطه‌ی وظایف و صلاحیتش از بین چند راه، یک راه را انتخاب کند، اما سازمان بازرسی بگوید برای جلوگیری از سوء جریان‌های بعدی یا تکرار جرم، دستگاه باید راه اول یا دوم را انتخاب کند، در این صورت اگر دستگاه اجرایی به راهکار پیشنهادی سازمان اعتنا

اجرای پیشنهادهای قانونی». این قسمت دوم اشکال شورا این است که: «به علاوه، اطلاق تبصره نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست...»؛ یعنی یک بحثی در سابق بوده که اگر این پیشنهادهای قانونی متضمن تخلف نباشد، آیا می‌توان گفت تخلف از آن جرم است یا نه؟ که به نظر من نمایندگان با اصلاح صدر این تبصره، اساس مشکل را برطرف کرده‌اند. چون الان پیشنهادهای سازمان فقط ناظر به تخلفات شده است. بعد تخلفات هم یک ...

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای علیزاده - این الان فقط ناظر به تخلفات نیست؛ برای سوء جریان امور هم سازمان می‌تواند پیشنهاد دهد. صدر تبصره گفته است که سازمان برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان امور، می‌تواند پیشنهاد دهد.

آقای سلیمی - خیلی خب، تخلف است.

آقای هاشمی شاهرودی - دارد «سوء جریان» را می‌گوید.

آقای سوادکوهی - خب سوء جریان هم تخلف است.

آقای علیزاده - مثلاً می‌گوید اگر این کار را بکنید، به نظر من سوء جریان است.

آقای مدرسی یزدی - پیشنهاد برای جلوگیری از تکرار تخلف هم همین‌طور است. مثلاً سازمان برای اینکه تخلفی نشود، پیشنهاد می‌دهد و دستگاه اجرایی نمی‌خواهد پیشنهاد سازمان را انجام دهد.

آقای رهپیک - بله، آن هم باز پیشنهاد است.

آقای اسماعیلی - بعد هم اگر عذر موجه داشته باشد، در دادگاه به آن استناد می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - باشد، سازمان برای جلوگیری از تکرار تخلف، به آن دستگاه پیشنهاد می‌دهد که برو این کار را بکن، اما دستگاه اجرایی می‌رود و یک کار دیگری انجام می‌دهد [که از تکرار تخلف جلوگیری می‌شود]. اطلاق این عبارات، اشکال دارد.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند اشکال بند (۷) سابق ما هنوز رفع نشده است، رأی دهند.

آقای یزدی - اگر تبصره، اطلاق داشته باشد، رأی دارد.

آقای منشی جلسه - (۷) تا رأی آورد.

آقای یزدی - اگر اطلاع داشتیم که شامل آن موارد هم می‌شود، بله اطلاق این عبارت، ایراد دارد.

آقای یزدی - [منظور، دخالت سازمان بازرسی] بر اساس معیارهای قانونی است.

آقای مدرسی یزدی - حرف شما درست است، ولی عبارت در اینجا بیش از این را می‌گوید. ما می‌گوییم بیش از این نباید باشد. سازمان بازرسی به همان اندازه که در ذهن شما حق دخالت دارد، باید حق ارائه‌ی پیشنهاد داشته باشد.

آقای یزدی - چون پیشنهادی که سازمان می‌کند، برای توقف اصل کار و یا برای برکناری و عزل رئیس و مانند آن است، نه برای نحوه‌ی اجرا.

آقای مدرسی یزدی - آن درست است.

آقای هاشمی شاهرودی - رأی بگیرید.

آقای علیزاده - رأی دارد. ما می‌گوییم قسمت دوم اشکالمان که گفته بودیم «به علاوه، اطلاق تبصره نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد»، هنوز رفع نشده است.

آقای رهپیک - معنای اشکال ما این بود که اگر این پیشنهاد متضمن یک امر قانونی باشد، در اینجا تخلف از آن جرم است، ولی اگر پیشنهاد سازمان بازرسی به عنوان یک امر کارشناسی باشد، تخلف از آن جرم نیست.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - رأی بگیرید.

آقای یزدی - منظور از این عدم اجرای پیشنهاد، پیشنهاد اجرایی نیست. اگر پیشنهاد اجرایی باشد که تداخل قوه‌ی قضائیه در قوه‌ی مجریه پیش می‌آید و قطعاً اشکال دارد. اصلاً سازمان بازرسی درباره‌ی اجرا نظر نمی‌دهد؛ فقط درباره‌ی تخلف و متوقف کردن آن نظر می‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - چون عبارت تبصره مطلق است و اطلاق دارد، ممکن است چنان برداشت کلی هم از آن بشود.

آقای مدرسی یزدی - مطلب شما درست است.

آقای یزدی - سازمان بازرسی کار را متوقف می‌کند یا اگر دستگاه اجرایی به پیشنهاد سازمان بی‌اعتنایی کرد، دستور تعویض مدیر را می‌دهد.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم اطلاق تبصره اشکال دارد.

آقای یزدی - این که اطلاق ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اطلاق دارد.

آقای سوادکوهی - به نظرم اشکال شورا با توجه به متن سابق [مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۷] بوده است. متن سابق گفته بود: «عدم

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی شورا به بند (ج) ماده (۱۱) و تبصره ی آن^۴ بوده است: «۹- در بند (ج) ماده (۱۱) اصلاحی و تبصره آن موضوع ماده (۹)، معرفی نماینده به مجامع، شوراهای و کمیسیونها و کمیتههای مالی، معاملاتی و اعتباری به عنوان ناظر، مغایر اصل (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.» که نمایندگان الآن این مصوبه را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «بند (ج) ماده (۱۱) اصلاحی موضوع ماده (۹) به شرح زیر اصلاح شد:

ج- با بهره‌گیری از فناوری‌های روز و هرگونه ابزار مناسب دیگر بر عملکرد شوراهای و کمیسیونهای مالی، معاملاتی و اعتباری دستگاههای مشمول بازرسی و انجام مناقصات و مزایده‌ها نظارت کند.»

آقای مدرسی یزدی - آن «ابزار نظارتی» باید قانونی باشد.

آقای رهپیک - می‌گوید: «هر ابزار مناسب دیگر»؛ در اینجا «مناسب» یعنی چه؟

آقای ابراهیمیان - چون اینجا گفته «فناوری‌های روز»، ابزار مناسب هم ناظر به آن است.

آقای علیزاده - ما در مرحله‌ی قبل گفتیم که نماینده‌ی سازمان بازرسی نمی‌تواند برود و در جلسات دستگاهها شرکت کند؛ اما نمی‌توانیم بگوییم که سازمان بازرسی نظارت هم نکند.

آقای ابراهیمیان - جلسات را ضبط کنند یا از آن فیلم بگیرند.

آقای یزدی - بله، گفته است «ابزار مناسب» دیگر.

آقای علیزاده - آقایان اگر با اصلاح به عمل آمده، اشکال را باقی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای رهپیک - اشکال کماکان باقی است.

آقای هاشمی شاهرودی - این نوع نظارت سازمان اشکال دارد.

اگر مثلاً بگوییم جمع معلومات کنند، این عیبی ندارد.

آقای علیزاده - چرا؟ نظارت در حین عمل که اشکال ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا می‌گویید اشکال دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - در معنای این نظارت، دخالت هم

۴. بند (ج) ماده (۱۱) و تبصره آن موضوع ماده (۹) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- ماده (۱۱) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۱- سازمان می‌تواند در موارد زیر نیز اقدام کند:

الف- ...

ج- معرفی نماینده به مجامع، شوراهای و کمیسیونها و کمیتههای مالی، معاملاتی و اعتباری دستگاههای مشمول بازرسی، به عنوان ناظر بدون حق رأی برای انجام وظیفه نظارتی.

تبصره- مسئولان ذی‌ربط موظفند زمان تشکیل جلسات مجامع و شوراهای مورد نظر را به اطلاع سازمان برسانند.»

آقای علیزاده - ما قبلاً در جلسه‌ای که با حضور آقای خیره^۱ و همکارانشان داشتیم، قرار شد این قسمت را که ما نوشتیم، در مصوبه بیاورند که نیاورده‌اند. ما گفتیم که نمایندگان [فقط پیشنهادهایی که حاوی] تخلف از مقررات قانونی است را مورد توجه قرار بدهند و این اطلاق تبصره را رفع کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - اما این قسمت را نیاورده‌اند.

آقای علیزاده - بله. ایراد بند (۸) شورا را بخوانید.

آقای منشی جلسه - ایراد بعدی شورا به بند (ب) ماده (۱۱)^۳ بوده است: «۸- در بند (ب) ماده (۱۱) اصلاحی موضوع ماده (۹)، واگذاری ایجاد هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم به سازمان بازرسی کل کشور، همان‌طور که قبلاً در موارد مشابه از جمله در خصوص ماده (۷) طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراهای مجامع و سایر هیئت‌ها و ماده (۱۹۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اعلام گردیده، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷) و (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.» برای رفع این ایراد، گفته‌اند: «بند (ب) ماده (۱۱) اصلاحی موضوع ماده (۹)، حذف شد.»

آقای علیزاده - یک مصوبه‌ای در خصوص هماهنگ‌سازی نهادهای نظارتی در قانون برنامه پنجم بود که برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است؛ آنجا دارند این موضوع را حل می‌کنند، به ما ارتباطی ندارد.

آقای رهپیک - بله، الآن بند (ب) را از ماده (۱۱) حذف کرده‌اند.

۱. ولی‌الله خیره، قائم‌مقام سازمان بازرسی کل کشور.

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان: «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در تبصره الحاقی به ماده (۱۰) موضوع ماده (۸)، ایراد قبلی این شورا در خصوص فراز اخیر بند (۷) رفع نشده و کماکان به قوت خود باقی است.»

۳. بند (ب) ماده (۱۱) موضوع ماده (۹) طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- ماده (۱۱) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۱- سازمان می‌تواند در موارد زیر نیز اقدام کند:

الف- ...

ب- ایجاد هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم با مسئولان دستگاههای نظارتی کشور با حفظ استقلال و اختیارات قانونی و ذاتی هر دستگاه، به‌منظور ارتقای کیفی و کمی و افزایش اثربخشی اقدامات نظارتی و پرهیز از کارهای موازی و غیرضرور و تقویت مدیریت کشور و ارائه گزارش نتایج حاصله به رؤسای قوای سه‌گانه

ج- ...

آقای عزیززاده - حضرات آقایان این را استحضار داشته باشند که نمایندگان مجلس از کمیسیون در یک جلسه‌ای به محضر حاج آقای مدرسی و حاج آقای شب‌زنده‌دار آمدند. در این جلسه‌ای که با آنها داشتیم، به اصطلاح، یک استمراجی از آقایان اعضای شورای نگهبان شد و نمایندگان هم نظرات ما را گرفتند. بعداً بنده به جلسات کمیسیون داخلی مجلس هم رفتم. نمایندگان مجلس آن چیزهایی را که در این لایحه اصلاح کرده بودند، به ما دادند. ما هم آن اصلاحات را به مجمع مشورتی فقهی قم دادیم. آقایان اعضای این مجمع هم مصوبه‌ی مجلس را دیدند. البته ممکن است مجلس بعضی از قسمت‌های مصوبه را آن‌طور که لازم بود، اصلاح نکرده باشد. به هر حال، این کارها مقدماً انجام شده است. حتی‌الامکان در اصلاح مصوبه در کمیسیون، سعی شد که مطابق نظری که آقایان فقها خدمت نمایندگان مجلس ارائه دادند و همچنین با توجه به نظرات مجمع مشورتی فقهی عمل شود. البته ممکن است مجلس در اصلاحیه‌ی خود، به بعضی از موارد مد نظر شورای نگهبان عمل نکرده باشد. حالا اگر اعضای محترم محبت بفرمایند این مصوبه را بررسی کنند تا اگر همچنان در جاهایی اشکال دارد، مجدداً به مجلس بنویسیم که این اشکالات وجود دارد. اشکالات مصوبه هم عمدتاً اشکالات فقهی است. امروز، تعداد آقایان فقها در جلسه هم کم است. خب، ببینیم چه می‌شود.

منشی جلسه - ایراد اول شورا را بخوانم؟ مجلس بر مصوبه‌ی خود [در مورد صدر ماده (۳)]^۳ اصرار کرده است.^۴

هست؛ یعنی سازمان می‌تواند دخالت هم بکند.
آقای عزیززاده - نه، نظارت و بازرسی به معنای دخالت نیست؛ فقط در حد گزارش دادن است.

آقای ره‌پیک - خب، بررسی این مصوبه تمام شد.^۱

لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
(اعاده‌شده از شورای نگهبان)»^۲

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۲/۲۹۴۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳۱ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶، طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و نهم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در تبصره الحاقی به ماده (۱۰) موضوع ماده (۸)، ایراد قبلی این شورا در خصوص فراز اخیر بند (۷) رفع نشده و کماکان به قوت خود باقی است.

تذکر:

- در بند (ه) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، از آنجا که عنوان این هیئت‌ها «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری» است نه «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان»، نیازمند اصلاح عبارتی است.»

۲. لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، بنا به پیشنهاد قوه قضائیه، در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱ به تصویب هیئت وزیران رسید و طی نامه‌ی شماره ۳۲۸۶۹/۷۷۹۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲ برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. این لایحه، پس از بررسی در کمیسیون‌های داخلی مجلس، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ به تصویب نمایندگان در صحن علنی مجلس رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۹۵/۷۲۴۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۹ و ۱۳۹۲/۱۱/۲۰ (جلسات صبح و عصر)، در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴، ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ و ۹۳/۱۰۲/۲۳۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصرار مجلس شورای اسلامی بر ماده (۳) مصوبه‌ی خود، این مصوبه بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی برای حل اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد. بررسی این

→
مصوبه در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۳ در دستور بررسی مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و پس از اصلاح بخشی از عبارت ماده (۳)، نظر مجلس شورای اسلامی مورد تأیید قرار گرفت و طی نامه‌ی شماره ۸۶۰۱۹/۱۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۳. ماده (۳) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد، محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا ده روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد، حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

تبصره ۱- ...»

۴. اصلاحیه‌ی ماده (۳) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مصوب ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی: «در صدر ماده (۳)، کمیسیون بر مصوبه قبلی خود اصرار دارد.»

آقای یزدی - تا کنون رسم نبوده است که مجلس درباره‌ی ماده‌ای، این‌گونه بنویسد [که «کمیسیون» بر آن ماده، اصرار دارد!]

آقای مدرس‌ی یزدی - چرا؟

آقای علیزاده - نمایندگان، اشکال ماده (۳) را در کمیسیون پذیرفته بودند.

آقای یزدی - یعنی چه در ماده (۳) اصلاحی به عمل نیامده است؟

آقای شب‌زنده‌دار - کمیسیون نباید این ماده را اصلاح کند؛ اصرار کمیسیون داخلی مجلس یعنی چه؟

آقای یزدی - معنی اینکه نمایندگان مجلس بر مصوبه‌ی خود اصرار دارند، این است که این مصوبه باید به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود.

آقای علیزاده - البته نظر بنده این است که با توجه به آنچه در اصل (۱۱۲) قانون اساسی آمده است، اصرار کمیسیون مجلس برای رفتن این مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام، خلاف این اصل است. کمیسیون نمی‌تواند بر این مصوبه اصرار کند.

آقای یزدی - بله، درست است.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، اشکال ما هم همین است.

آقای علیزاده - اشکال مد نظر من هم، همین است. ما باید این موضوع را به مجلس بگوییم که اختیاراتی که به کمیسیون‌های داخلی مجلس داده شده است، فقط در حد اصل (۸۵) قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اصرار بر مصوبه‌ی صحن علنی، از اختیارات خود مجلس است، نه کمیسیون داخلی مجلس.

آقای علیزاده - آن اصراری که در اصل (۱۱۲) قانون اساسی هست و من قبلاً هم آن را گفته‌ام، باید توسط خود مجلس انجام بگیرد، نه کمیسیون‌های داخلی مجلس.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این از اختیارات مجلس است.

آقای علیزاده - اگر مجلس [طبق اصل (۸۵) قانون اساسی] تصویب اساسنامه‌ای را به دولت سپرده بود و دولت بر آن اصرار کند، آیا دولت می‌تواند آن را به مجمع تشخیص مصلحت نظام بفرستد؟! مصوبات کمیسیون‌های داخلی مجلس هم عین همین است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - اگر مجلس طبق اصل (۸۵) تصویب برخی اساسنامه‌ها را به کمیسیون‌های داخلی خود بدهد، [آیا این

آقای علیزاده - بله، ماده (۳) ایراد داشته است.^۱

آقای مدرس‌ی یزدی - از این ایراد، نمی‌شود صرف نظر کرد.

آقای علیزاده - مجلس بر مصوبه‌ی خود اصرار کرده است؟

آقای ره‌پیک - بله، اصرار کرده است.

منشی جلسه - البته مجلس تذکری را که ما نسبت به ماده (۳) داده بودیم، اصلاح کرده است؛^۲ ولی ایراد مد نظر ما را برطرف نکرده است.

آقای ره‌پیک - حالا آن تذکر، چیز خاصی نیست، ولی مجلس به اصل ماده اصرار دارد.

منشی جلسه - بله، به اصل ماده (۳) اصرار دارند.

آقای شب‌زنده‌دار - دوستان اعضای مجمع مشورتی فقهی قم هم یک مطلبی درباره‌ی اصرار مجلس نوشته‌اند: «اولاً با توجه به عدم اصلاح، اشکال شورای محترم شورای نگهبان به قوت خود باقی است. ثانیاً اگر اصرار کمیسیون، مقدمه عمل به اصل (۱۱۲) قانون اساسی و ارسال به مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد، اصرار کمیسیون وجهی نداشته و مجوز ارسال به مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست؛ زیرا ظاهر اصل (۱۱۲) اصرار مجلس بر مصوبه قبلی خود است نه اصرار کمیسیون بر مصوبه خود، مگر اینکه نظر تفسیری شورای محترم نگهبان از این اصل، شامل اصرار کمیسیون نیز گردد.»^۳

آقای علیزاده - مجلس اشکال ماده (۳) را قبول کرده بود. چطور دوباره بر مصوبه‌ی خود اصرار کرده است؟! مثل اینکه مجلس دوباره نظرش را عوض کرده است. نمایندگان در جلسه‌ی کمیسیون، اشکال این ماده را قبول کرده بودند. پس بگوییم که چون اصلاحی در مورد ماده (۳) به عمل نیامده است، اشکال این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ شورای نگهبان: «۱- در ماده (۳)، اطلاق حبس شدن در مواردی که بدون ادعای اعسار از سوی محکوم‌علیه، اعسار وی نزد قاضی محرز باشد، خلاف موازین شرع است. همچنین در این ماده در خصوص مرضی که حبس برایش ضرر یا محکوم‌علیه اجیر شخص یا شخصیت دیگری قبل از صدور دستور حبس از سوی قاضی بوده، چون در مقررات دیگر هم حکم این قضیه نیامده است و نیز در خصوص سفر واجب که از قبل وجوب آن ثابت شده باشد و نیز سفر استعلاجی ضروری، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

۲. بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ شورای نگهبان: «۱- در ذیل تبصره یک ماده (۳)، بعد از عبارت «در این مورد دستور»، واژه «دادستان» اضافه شود.»

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/۱۶۳/ف مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/guBs1

آقای رهپیک - نه، مجلس راجع به کل قانون مصوب هر کمیسیون نظر می‌دهد.

آقای علیزاده - نه، این طور نظر نمی‌دهد.

آقای رهپیک - چرا؛ مجلس فقط وارد محتوای این مصوبات نمی‌شود.

آقای علیزاده - مجلس می‌آید و فقط می‌گوید من مثلاً دوره‌ی پنج‌ساله اجرای آزمایشی مصوبه‌ی کمیسیون را تصویب می‌کنم. پس ما باید این را از مجلس بپرسیم که آیا این اصلاحیه، مصوبه‌ی خود مجلس است یا خیر؟

آقای رهپیک - این اصلاحیه، مصوبه‌ی مجلس است. رئیس مجلس آن را برای ما فرستاده است.

آقای سوادکوهی - این مصوبات در صحن مجلس قرائت می‌شود.

آقای ابراهیمیان - اگر مصوبه‌ای مربوط به کمیسیون‌های داخلی مجلس باشد، مجلس که نمی‌تواند در محتوای آن دخالت کند؛ چرا که کمیسیون آن را تصویب کرده است.

آقای علیزاده - آنچه مجلس طبق اصل (۸۵) قانون اساسی نسبت به مصوبات کمیسیون‌های خود انجام می‌دهد این است که اجرای آزمایشی آنها را تصویب می‌کند؛ مجلس مواد آن را تصویب نمی‌کند. در مصوبه‌ی فعلی هم نوشته شده است که کمیسیون بر مصوبه‌ی خود اصرار دارد.

آقای سوادکوهی - مصوبه‌ی فعلی در مجلس هم تصویب شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - شاید اصلاحات مد نظر شورای نگهبان، به مجلس هم رفته است و در آنجا هم به همین نحو [=عدم اصلاح و اصرار بر مصوبه‌ی قبلی] تصویب شده است.

آقای علیزاده - من هم همین را می‌گویم.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر این موضوع در مجلس هم تصویب شده باشد، این هم در واقع اصرار مجلس است.

آقای یزدی - صلاحیت کمیسیون‌های داخلی مجلس در اصل (۸۵)، برای تصویب قوانین آزمایشی است. آن حرف در جای خودش حرف درستی است، اما بحث جناب آقای شب‌زنده‌دار این است که اصلاحاتی که انجام گرفته است، این طور بوده است که بعد از ارسال اشکالات شورای نگهبان به مصوبه‌ی مجلس، این مصوبه به کمیسیون رفته است و شما هم به جلسه‌ی آنها رفته‌اید و سپس اصلاحاتی در آنجا انجام شده است. حالا آیا این اصلاحات به پارلمان هم آمده است یا نه؟ اگر این اصلاحات به پارلمان هم آمده باشد، اشکالی ندارد.

کمیسیون‌ها می‌توانند بر مصوبه‌ی خود اصرار کنند؟] به نظرم، ما باید این ایراد را به این مصوبه بگیریم؛ ما به مجلس بگوییم که کمیسیون‌ها نمی‌توانند با توجه به اصل (۱۱۲) قانون اساسی که استثنایی بر اصول (۹۱) به بعد قانون اساسی است، بر مصوبه‌ی خود اصرار کنند.

آقای رهپیک - به هر حال، الآن مجلس اصلاحیه‌ی این مصوبه را برای ما فرستاده است.

آقای علیزاده - نه، مجلس نفرستاده است.

آقای سوادکوهی - شما عبارتی را که ذیل ماده (۳) نوشته شده است، بخوانید.

آقای رهپیک - شما کاری به این عبارت نداشته باشید که نوشته است کمیسیون بر مصوبه‌ی خود اصرار دارد. به هر حال، مجلس این اصلاحیه را تصویب کرده است.

آقای علیزاده - نه، مجلس تنها چیزی را که اصلاح کرده است ...

آقای رهپیک - نامه‌ی مجلس که نمی‌گوید تنها فلان مورد را در صحن علنی تصویب کرده‌ایم.

آقای شب‌زنده‌دار - متن نامه‌ی آقای لاریجانی^۱ را نگاه کنید: «... لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که به منظور رفع ایرادات آن شورا در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.»^۲

آقای علیزاده - یعنی می‌فرمایید مجلس، اصلاحیه‌ی ماده (۳) را انجام داده است؟

آقای شب‌زنده‌دار - آقای لاریجانی این نامه را نوشته است.

آقای رهپیک - در مواردی که هر یک از کمیسیون‌های داخلی مجلس، اختیار اصلاح و تصویب طرح یا لایحه‌ای را داشته باشد، در نهایت باید کل مصوبه‌ی کمیسیون در مجلس تأیید شود.

آقای علیزاده - نه، [طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، در مورد مصوبات آزمایشی] مجلس فقط مدت اجرای آزمایشی مصوبات کمیسیون‌های داخلی را تصویب می‌کند؛ مثلاً می‌گوید اجرای آزمایشی مصوبه را برای مدت پنج سال تصویب کردم. در این موارد، مجلس فقط دوره‌ی اجرای آزمایشی مصوبات کمیسیون‌ها را تصویب می‌کند؛ مجلس مصوبات کمیسیون‌هایش را تصویب نمی‌کند.

۱. علی اردشیر لاریجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی.

۲. نامه‌ی شماره ۹۵/۳۰۶۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۵ رئیس مجلس شورای اسلامی به دبیر شورای نگهبان.

لاریجانی در نامه‌ی خودشان نوشته‌اند: «... لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که به منظور رفع ایرادات آن شورا در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است...»؛ بنابراین، این مصوبه، دائمی است.

آقای علیزاده - بله، این مصوبه اصلاً آزمایشی نیست. اگر آزمایشی بود درباره‌ی آن بحث داشتیم، اما آزمایشی نیست و دائمی است. پس باید در نظرمان بگوییم که چون در ماده (۳) اصلاحی به عمل نیامده است، اشکال سابق شورا کماکان به قوت خود باقی است. [اگر مجلس بر مصوبه‌ی خود اصرار دارد،] به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود.

آقای ابراهیمیان - این نظر به اتفاق آرا تصویب شد.^۲

آقای رهپیک - خود مجلس، این عبارت اصلاحی را نوشته است. بله، اصلاحیه این ماده (۳) را خودش نوشته است.

منشی جلسه - تذکر (۱) [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ

۱۳۹۲/۱۱/۲۴ شورای نگهبان]: «۱- در ذیل تبصره یک ماده

(۳)، بعد از عبارت «در این مورد دستور»، واژه «دادستان» اضافه

۲. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان:

«۱- نظر به اینکه در ماده (۳)، اصلاحی به عمل نیامده است، بنابراین اشکال قبلی این شورا کماکان به قوت خود باقی است.»

۳. ماده (۳) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد، محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا ده روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد، حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

تبصره ۱- چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم‌له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم‌به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در صورت رد دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی، نسبت به تسلیم محکوم‌علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود، نسبت به استیفای محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی از محل وثیقه یا وجه‌الکفاله اقدام می‌شود. در این مورد، دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر

معنای این مطلب، این است که مجلس هم نظرات کمیسیون را قبول دارد.

آقای علیزاده - بله، در این صورت، این مصوبه اشکال ندارد؛ مجلس هم مصوبه‌ی کمیسیون را قبول دارد.

آقای یزدی - نتیجه اینکه، این اشکال شما که می‌گویید کمیسیون حق ندارد بر مصوبه‌ی خود اصرار کند، درست است؛ ولی کمیسیون نمی‌آید که بگوید من بر مصوبه‌ی خود اصرار دارم، بلکه وقتی مجلس نظر کمیسیون را قبول کرده است، معنایش این است که در واقع مجلس بر مصوبه‌ی خود اصرار دارد.

آقای رهپیک - آقای لاریجانی در نامه‌ی خود نوشته‌اند: «... لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که به منظور رفع ایرادات آن شورا در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.»

آقای علیزاده - نه، این قانون، قانون دائمی است؛ تاریخ تصویب آن، مربوط به روز چهارشنبه نیست.

آقای رهپیک - روز چهارشنبه، روز تصویب این اصلاحیه است.

آقای علیزاده - بله، این مصوبه، قانون دائمی است و از مصادیق اصل (۸۵) قانون اساسی نیست. آن دفعه هم که اصل مصوبه به

شورای نگهبان آمده بود، در نامه‌ی مجلس نوشته شده بود: «...

لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ

۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسیده است...»^۱.

بنابراین این مصوبه، قانون آزمایشی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال مجمع مشورتی فقهی وارد نیست.

آقای علیزاده - تازه بعضی آقایان می‌گویند این مصوبه، آزمایشی است، در حالی که آزمایشی نیست. اگر این مصوبه، آزمایشی بود، اشکال ما وارد بود.

آقای رهپیک - اگر مصوبه‌ای، آزمایشی هم باشد، وقتی مجلس آن را بررسی و تصویب می‌کند، کل آن را تصویب می‌کند.

آقای علیزاده - نه، مجلس قوانین آزمایشی را تصویب نمی‌کند.

آقای یزدی - در مورد همین اشکالاتی که ما الان داریم آنها را بررسی می‌کنیم که رفع شده است یا رفع نشده است، آقای

۱. نامه‌ی شماره ۹۵/۷۲۴۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ رئیس مجلس شورای اسلامی به دبیر شورای نگهبان.

آقای مدرسی یزدی - در ماده (۵) فعلی هم، ایجاد همان مرکز هست، منتها مجلس عنوان آن را برداشته است.

آقای علیزاده - نه، طبق این اصلاح، محکومین مالی در داخل زندان جابه‌جا می‌شوند؛ اینها را در همان داخل زندان، از بقیه‌ی محکومین جدا می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - صرف این عنوان که پولی نمی‌خواست و هزینه‌ای نداشت.

آقای علیزاده - نه، طبق ماده (۵) قبلی، قوه‌ی قضائیه باید یک مرکزی ایجاد می‌کرد؛ اما الان مرکزی ایجاد نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - یعنی الان با این اصلاحیه، فقط محکومان مالی را جدای از سایر محکومان نگهداری می‌کنند؟

آقای یزدی - بله، آنها را جدای از محکومان کیفری نگهداری می‌کنند.

آقای علیزاده - قوه‌ی قضائیه، می‌تواند به آنها بند جدایی اختصاص بدهد.

آقای مدرسی یزدی - اگر بند اختصاصی نداشت، چه می‌شود؟

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۵) اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - بله، اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - با این حساب، این ماده قبلاً هم اشکالی نداشته است.

آقای علیزاده - چرا، قبلاً در مصوبه‌ی سابق، دستور ایجاد یک مرکز برای نگهداری محکومان مالی آمده بود.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۵) گفته بود: «... در مراکز با عنوان «مرکز نگهداری محکومان مالی» که برای این منظور ایجاد می‌کند...».

آقای علیزاده - یعنی قوه‌ی قضائیه می‌آید و در بیرون زندان این مرکز را درست می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - خب قوه‌ی قضائیه می‌توانست با گذاشتن یک عنوان، یک قسمت از زندان را با عنوان جایگاه نگهداری محکومان مالی از بقیه جدا کند.

آقای هاشمی شاهرودی - ذیل ماده (۵) را بخوانید: «... که برای این منظور ایجاد می‌کند...».

آقای مدرسی یزدی - الان هم ایجاد این مرکز در ماده (۵) هست.

آقای علیزاده - نه، نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - شما ایجاد مرکز نگهداری محکومان مالی را در این ماده نخواندید.

شود.» مجلس در این اصلاحیه گفته است: «در سطر مقابل آخر تبصره (۱) ماده (۳)، عبارت «دادگاه و یا» حذف و بعد از عبارت «مقررات مربوط» عبارت «به این دستورها» اضافه شد.»

آقای ره‌پیک - مجلس به جای اینکه واژه‌ی «دادستان» را به تبصره (۱) ماده (۳) اضافه کند، واژه‌ی «دادگاه» را هم از متن آن حذف کرده است و کلاً به جای آنها، عبارت «به این دستورها» را نوشته است. عیبی ندارد.

آقای علیزاده - بله.

منشی جلسه - [بند (۲) ایرادهای مندرج در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ شورای نگهبان:] «۲- صدر ماده (۵) در خصوص ایجاد «مرکز نگهداری محکومان مالی»، از آنجا که در لایحه دولت نبوده و مستلزم افزایش هزینه عمومی است و طریق جبران آن نیز معلوم نشده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.» مجلس برای اصلاح ایراد این ماده گفته است: «از سطر دوم و سوم ماده (۵)، عبارت «و در مراکز با عنوان مرکز نگهداری محکومان مالی که برای این منظور ایجاد می‌کند» حذف شد.»

آقای علیزاده - اشکال این ماده، رفع شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اشکال ما حل نشده است؛ مجلس فقط عنوان «مرکز نگهداری محکومان مالی» را از این ماده برداشته است. مجلس قبلاً گفته بود که قوه‌ی قضائیه مرکزی تحت این عنوان ایجاد می‌کند، ولی الان فقط این عنوان را برداشته است.

آقای علیزاده - الان مجلس چه گفته است؟ مصوبه‌ی اصلاحی چه گفته است؟

→

است. نحوه صدور قرارهای تأمین مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادگاه و یا دادستان و سایر مقررات مربوط، تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

تبصره ۲- «...»

۱. ماده (۵) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- قوه قضائیه مکلف است افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می‌شوند، جدای از محکومان کیفری و در مراکز با عنوان «مرکز نگهداری محکومان مالی» که برای این منظور ایجاد می‌کند، نگهداری و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسین متقاضی کار فراهم کند. شیوه نگهداری، به‌کارگیری، پرداخت و هزینه‌کرد اجرت این اشخاص مطابق آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

دفعه، ایراد بار مالی گرفتیم.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً بحث طبقه‌بندی زندان‌ها، در قوانین دیگر هم آمده است.

آقای مدرسی یزدی - من درباره‌ی ایجاد این مرکز فکر کردم.

آقای ره‌پیک - همین الآن هم تا حدی جداسازی محکومان مالی دارد انجام می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - بله، درست است.

منشی جلسه - ایرادهای بعدی شورا: «۳- اطلاق صدر ماده (۷)،^۱ از جهت شمول نسبت به فرضی که مدعی اعسار، مالی را دریافت نموده و آن را هزینه نموده است و حالت سابقه وضعیت مالی وی عسر می‌باشد خلاف موازین شرع شناخته شد.

۴- اطلاق قبول ادعای اعسار در ذیل ماده (۷)، (مستثنی) از جهت شمول نسبت به فرضی که حالت سابقه وضعیت مالی شخص مدعی اعسار، یسر باشد خلاف موازین شرع شناخته شد.» البته ما درباره‌ی ماده (۷) یک تذکر هم داشتیم: «تذکر ۲- در تبصره ماده (۷)، قبل از عبارت «حدوث اعسار»، واژه «اثبات» اضافه شود». الآن ماده (۷)، اصلاح شده و تبصره‌ی آن هم حذف شده است: «ماده (۷) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف شد:

ماده ۷- در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد، اثبات اعسار بر عهده اوست، مگر اینکه ثابت کند آن مال، تلف حقیقی یا حکمی شده است. در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد، هرگاه خواننده دعوی اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.»

آقای علیزاده - عده‌ای از نمایندگان که خدمت برخی آقایان [فقهای شورای نگهبان] رسیدند، آقایان فقها مطالبی که در خصوص ایراد این ماده لازم بود را به آنها گفتند. ما این مصوبه‌ی اصلاحی را به مجمع مشورتی فقهی هم داده‌ایم که

آقای ره‌پیک - چون در ماده (۵) قبلی، استثنا این بود که قوه‌ی قضائیه باید مرکز جدیدی ایجاد کند، اشکال داشت.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این طور نیست. ایجاد این مرکز در این اصلاحیه نیامده است.

آقای ره‌پیک - الآن این ماده می‌گوید که شما به هر نحوی که می‌خواهید، محکومان مالی را جداسازی کنید.

آقای علیزاده - یعنی شما می‌توانید در همان زندان، یک اتاق جدا به این محکومان بدهید.

آقای هاشمی شاهرودی - در ماده (۵) فعلی، بحث جابه‌جایی محکومان مالی نیست. بحث تنظیم [جای محکومان مالی است].

آقای مدرسی یزدی - ماده (۵) قبلی هم جابه‌جایی این محکومان را نگفته بود، بلکه گفته بود قوه‌ی قضائیه مرکز نگهداری محکومان مالی ایجاد کند. پس فقط باید این عنوان ایجاد می‌شد.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس باید عبارت «ایجاد می‌کند» را از متن این ماده حذف کند.

آقای علیزاده - مجلس، عبارت «ایجاد می‌کند» را حذف کرده است.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، «ایجاد می‌کند» را حذف نکرده است.

آقای علیزاده - چرا؛ حذف کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ متن این ماده را بخوانید.

آقای مدرسی یزدی - شما این عبارت را بخوانید.

آقای هاشمی شاهرودی - در اصلاحیه‌ی این ماده آمده است که عبارت «ایجاد می‌کند» حذف می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نخیر.

آقای هاشمی شاهرودی - در اصلاحیه گفته است که «از سطر دوم و سوم ماده (۵)، عبارت «و در مراکز با عنوان مرکز نگهداری محکومان مالی که برای این منظور ایجاد می‌کند» حذف می‌شود.

آقای ره‌پیک - بله، گفته است تا پایان عبارت «ایجاد می‌کند» از متن ماده (۵) حذف می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، عبارت «ایجاد می‌کند» حذف شده است.

آقای علیزاده - ماده (۵) فعلی هم بار معنایی دارد، ولی آن باری [= بار مالی] که ما درباره‌ی ماده (۵) قبلی گفتیم، ندارد. ما آن

۱. ماده (۷) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- مدعی اعسار باید اعسار خود را ثابت نماید، مگر اینکه در ازای دین، مالی دریافت یا تحصیل نکرده باشد که در این صورت هر گاه خواننده دعوی اعسار نتواند ملائت مدیون را ثابت کند، ادعای اعسار با ادای سوگند به وسیله مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.»

برده است دیگر. قاضی هم اعسار او را احراز کرده است. **آقای شب‌زنده‌دار** - نه، این ماده دارد می‌گوید که [محکوم‌علیه فقط باید خودش اعسارش را ثابت کند]. **آقای هاشمی شاهرودی** - ماده (۷) فعلی می‌گوید: «... یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد». **آقای شب‌زنده‌دار** - نه، قبل این عبارت را بخوانید. **آقای هاشمی شاهرودی** - بین دو عبارت، کلمه‌ی «یا» آمده است.

آقای شب‌زنده‌دار - اشکال آقایان مجمع مشورتی فقهی به ماده (۷) است. من عبارت آنها را می‌خوانم: «هر چند ایراد شورای محترم نگهبان در ظاهر رفع شده است، الا اینکه مورد دیگری از خلاف شرع پدید آمده است و آن اینکه اگر وضعیت سابق آن است که مدیون پولی گرفته و تلف نموده است و مدعی اعسار نمی‌تواند این مطلب را ثابت کند و قاضی از این مطلب اطلاع دارد و تلف شدن نزد قاضی ثابت است، بنابراین قاضی باید بر اساس احراز خود حکم نماید و ثابت کردن تلف مال بر مدیون لازم نیست.»^۲

آقای ابراهیمیان - آن که علم قاضی است.

آقای علیزاده - بله، علم قاضی است.

آقای هاشمی شاهرودی - علم قاضی اثبات است؛ معلوم است که این اثبات است.

آقای ابراهیمیان - حالا در ادله‌ی اثبات، گفته شده که علم قاضی یا علم او به اعسار محکوم‌علیه باید با قرائن باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بالاخره، برای قاضی با قرائن، اعسار محکوم‌علیه ثابت می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - در این اصلاحیه گفته است که محکوم‌علیه باید اعسار خود را ثابت کند.

آقای ابراهیمیان - منظور از ثابت کند این است که در نزد قاضی اثبات شود.

آقای شب‌زنده‌دار - مجمع در اشکالش می‌خواهد بگوید که در جایی که قاضی به اعسار محکوم‌علیه علم دارد، ولی او راهی برای اثبات اعسار خود ندارد، یعنی نه بینه دارد، نه شاهدهی دارد، [قاضی باید بتواند بر اساس علم خود حکم کند].

آقای هاشمی شاهرودی - در این حالت، اعسار را با سوگند ثابت می‌کند. اعسار محکوم‌علیه با سوگند ثابت می‌شود. اینکه

آنها هم ظاهراً این اصلاحیه را دیده‌اند. فعلاً آقایان نمایندگان مجلس ماده (۷) را این‌طور اصلاح کرده‌اند. البته تا ما نمایندگان مجلس را حالی کردیم که تلف حقیقی چیست و تلف حکمی چیست،^۱ طول کشید.

آقای ابراهیمیان - اینها اصطلاحات مدرسه‌ای است و نباید در قانون بیاید. این اصطلاحات باید در این مصوبه بسط داده می‌شد.

آقای علیزاده - چرا؟ حکم تلف حقیقی، هم در فقه هست و هم در حقوق هست.

آقای هاشمی شاهرودی - در «قانون مدنی» هم هست.

آقای علیزاده - بله، در قانون آمده است، در حقوق مدنی هم هست.

آقای ابراهیمیان - نه، می‌گویند یک چیزی در یک وضعیتی در حکم تلف است. این را می‌گویند، ولی به مال اشاره نمی‌کنند.

آقای علیزاده - خب بله، در مورد هبه هم داریم که اگر تلف بشود، تلف حقیقی است یا حکمی. در حقوق مدنی هم در این‌باره بحث می‌شود.

آقای ره‌پیک - بله، در بحث ضمانات.

آقای علیزاده - یکی از مواردی که تلف در آن مطرح است، همین موضوع است.

آقای شب‌زنده‌دار - این اشکال مجمع مشورتی فقهی به ماده (۷) را هم لطف بفرمایید بخوانید.

آقای علیزاده - ماده (۷) الآن خیلی چیز خوبی شده است.

آقای شب‌زنده‌دار - این اصلاح جدید، اشکال قبلی این ماده را رفع کرده است، اما در عین حال، این ماده یک اطلاق دارد که واجد ایراد است. آن ایراد، اینجا است که پذیرش اعسار محکوم‌علیه را معلق کرده است به اینکه او بتواند اعسارش را ثابت کند. الآن این سؤال مطرح است که اگر محکوم‌علیه نتواند اعسارش را ثابت کند، اما قاضی آن را احراز کرده باشد، تکلیف چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - محکوم‌علیه مدارکش را نزد قاضی

۱. «تلف عین مال، یا حقیقی است و یا حکمی. حقیقی یعنی از بین رفتن مال در خارج و حکمی یعنی زوال سلطنت مالک بدون آنکه عین مال در خارج از بین برود...». مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، زیر نظر هاشمی شاهرودی، محمود، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۱۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/q3iSh

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/oEIQe

آقای ره‌پیک - ماده (۷) در مقام بیان این است که محکوم‌علیه باید اعسار خود را اثبات کند. این ماده بقیه‌ی مواردی که اعسار محکوم‌علیه را ثابت می‌کند، نفی نکرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس اشکال این ماده را برطرف کرده است.

آقای ره‌پیک - ایراد بعدی را بخوانید.

منشی جلسه - «۵- در مواد (۸) و (۹)،^۱ مقید نمودن به اینکه شاهدان حداقل یک سال با مدعی اعسار معاشرت داشته باشند، خلاف موازین شرع شناخته شد.» مجلس برای اصلاح ماده (۸) گفته است: «در سطر دهم ماده (۸)، عبارت «که با او حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند» حذف و عبارت «به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند» جایگزین شد.» مجلس همین اصلاح را در ماده (۹) هم انجام داده است.^۲

آقای شب‌زنده‌دار - معاشرت داشتن شاهد با مدیون، که در خود اصل ماده (۸) هم هست. الآن نکته‌ای که در این ماده‌ی

۱. مواد (۸) و (۹) لایحه نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند. در مواردی که بار اثبات اعسار بر عهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملائت او اثبات شده باشد، هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند، باید شهادت‌نامه کتبی حداقل دو شاهد را که با او حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید. شهادت‌نامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.

ماده ۹- شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضعیت معیشت او آگاه است و او افزون بر مستثنیات دین، هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.»

۲. اصلاحیه‌ی ماده (۹) لایحه نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی: «در سطر دوم و سوم ماده (۹)، عبارت «که با او حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضع معیشت او آگاه است» حذف و عبارت «به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته» جایگزین شد.»

قاضی هم به اعسار او علم دارد، خب چه بهتر. این موضوع چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - محکوم‌علیه اعسار خود را با ادله [در نزد قاضی] ثابت می‌کند دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا محکوم‌علیه نمی‌خواهد قسم بخورد؟

آقای ابراهیمیان - محکوم‌علیه باید اعسارش را ثابت کند. اعسار او این‌گونه هم ثابت می‌شود که به علم قاضی استناد کند.

آقای شب‌زنده‌دار - [اثبات اعسار توسط محکوم‌علیه] اصلاً ربطی به علم قاضی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - علم قاضی؟! این ماده (۷)، اصلاً ناظر به علم قاضی نیست. علم قاضی، اصلاً یک بحث دیگری است.

آقای ابراهیمیان - قاضی خودش می‌داند که محکوم‌علیه معسر است.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً این ماده به آن معنایی که شما [= آقای ابراهیمیان] می‌گویید، ناظر به علم قاضی نیست.

آقای ره‌پیک - این ماده که نمی‌خواهد علم قاضی را نفی کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، نمی‌خواهد قاضی را از علم خود منع کند؛ نمی‌خواهد ادله‌ی اثبات اعسار را تقیید بزند. این اشکال، وارد نیست.

آقای علیزاده - بله، معنای عبارت «اثبات کند»، همان «ثابت شود» است. معنای اثبات کردن همین است.

آقای مدرسی یزدی - منظور این است که آنجایی که اعسار احتیاج به اثبات دارد، باید ثابت شود.

آقای علیزاده - بله، حضرات آقایانی که علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در ماده (۷)، اشکال را باقی می‌دانند، رأی بدهند. حضرات آقایانی هم که به این ماده اشکال جدید دارند، رأی بدهند. فقط حضرت آیت‌الله شب‌زنده‌دار رأی دادند. بنابراین، اشکال این ماده رفع شده است.

آقای مدرسی یزدی - البته ما در پی ابهام گرفتن از این مصوبه نیستیم، اما اگر ابهام این ماده رأی کافی می‌آورد، من هم حرفی ندارم که به ابهام رأی دهم.

آقای علیزاده - آخر ماده (۷) ابهامی ندارد. در دستگاه قضایی اثبات کند، یعنی ثابت شود.

آقای مدرسی یزدی - یعنی آنجایی که اعسار نیاز به اثبات دارد، محکوم‌علیه باید آن را اثبات کند.

آقای علیزاده - بله.

است: «در سطر هشتم ...»؛ ولی این ماده که هشت سطر ندارد. قید «حداقل یک سال» در این ماده‌ی اصلاحی، کجا بوده است؟ عبارت «که با او حداقل یک سال معاشرت داشته ...» حذف شده است؛ اما عبارت «هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند، باید شهادت‌نامه کتبی حداقل دو شاهد را ...»

آقای رهپیک - به مدتی ...

آقای ابراهیمیان - به مدتی که ...

آقای رهپیک - نه، کلمه‌ی «که» هم از متن ماده (۸) حذف شده است.

آقای علیزاده - «... به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند، به دادخواست اعسار خود ضمیمه نمایند. ...»

آقای رهپیک - عبارت «به دادخواست اعسار خود ضمیمه نمایند» معنی می‌دهد، ولی خوب خیلی روان نیست.

آقای ابراهیمیان - نه دیگر، به نظر من متن ماده (۸) از نظر دستوری اشکال دارد.

آقای علیزاده - اگر می‌خواهید تذکر دهیم که مجلس این عبارت را درست کند.

آقای رهپیک - اگر مجلس این ایراد را برطرف کند، خوب است.

آقای علیزاده - پس اگر به این مصوبه اشکال دیگری گرفتیم، این اشکال عبارتی را هم تذکر می‌دهیم.

آقای رهپیک - خیلی خوب.

آقای علیزاده - پس اگر به این مصوبه، اشکال دیگری گرفتیم، آن وقت به مجلس می‌گوییم که این عبارت «معاشرت» را هم حذف کنند. قبول دارید که بگوییم واژه‌ی «معاشرت» را از متن این ماده حذف کنند؟

آقای هاشمی شاهرودی - چرا حذف کنند؟

آقای سلیمی - مجلس، عبارت «معاشرت داشته» را باید اضافه کند.

آقای رهپیک - بله، باید اضافه کند. مجلس این عبارت را حذف کرده است دیگر.

آقای سلیمی - مجلس واژه‌ی «معاشرت» را حذف کرده است؛ حالا باید آن را اضافه کند.

آقای علیزاده - اشکال عبارتی این ماده همان کلمه‌ی «معاشرت» است دیگر.

اصلاحی آمده است عبارت «به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند» است.

آقای علیزاده - بالاخره شاهد باید بگوید که منشأ اعسار محکوم‌علیه چیست. همین‌طور که نمی‌تواند بگوید از آسمان بر من وحی شده است که محکوم‌علیه پول ندارد.

آقای شب‌زنده‌دار - اینکه شاهد با محکوم‌علیه معاشرت داشته باشد، در مصوبه‌ی سابق مجلس هم بوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - آن [معاشرت] هم لازم نیست.

آقای رهپیک - خوب، آخر اشکال شما به ماده (۸) راجع به قید یک سال بود؛ چون گفته بود آشنایی شاهد با مدیون حداقل باید یک سال باشد.

آقای علیزاده - بله، شما فرمودید که قید یک سال اشکال دارد. مجلس هم گفته است: «مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشند». ظاهراً مجلس با شما درباره‌ی این عبارت توافق کرده بودند.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره منظور بینه‌ای است که به وضع زندگی مدیون علم دارد.

آقای علیزاده - بله، منظور این است که علم دارد.

آقای یزدی - [معاشرت شاهد با مدیون باید طوری باشد که] عرفاً قبول کنند که او می‌تواند درباره‌ی اعسار مدیون نظر بدهد.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، در خود تحریرالوسیله و کتب فقهی دیگر هم صرفاً بیان شده که سخن شاهد باید از روی علم باشد.

آقای یزدی - اینکه در ماده (۸) سابق برای معاشرت، زمان معین کرده بودند اشتباه بود.

آقای رهپیک - البته، الآن عبارت این ماده خراب شده است. عبارتش غیر روان شده و خراب شده است.

آقای سلیمی - آقای علیزاده، نسبت به بحث معاشرت، یک تذکر بدهید.

آقای ابراهیمیان - حداقل مجلس باید این اشکال عبارتی را که ما به ماده (۸) گرفتیم، درست کند.

آقای علیزاده - اشکال عبارتی را که هست، بفرمایید؛ ببینیم چطور شده است؟

آقای ابراهیمیان - عبارت ذیل ماده (۸) از نظر دستوری درست نیست.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ در اصلاحیه‌ی این ماده گفته شده

آقای شبزنده‌دار - نه، حرف شما درست است؛ ولی جمله معترضه‌ی وسط هم ناقص است.

آقای ره‌پیک - بله دیگر، آن ناقص است.

آقای علیزاده - ما باید به مجلس بگوییم اگر شد، این عبارت را سلیس‌تر کنند.

آقای مدرسی یزدی - آن وقت ممکن است که این عبارت دوباره خراب‌تر شود. به عبارت دست نزنید.

آقای ره‌پیک - ایراد ماده (۱۱) را بخوانید.

منشی جلسه - تذکر سوم شورا: «۳- در ماده (۱۱)، عبارت

«پذیرش ادعای اعسار» به عبارت «ثبوت اعسار» اصلاح شود.»

همین اقدام در اصلاحیه‌ی این ماده انجام شده است.^۲

آقای علیزاده - خیلی خوب.

منشی جلسه - بند (۶) ایرادهای شورا: «۶- اطلاق بند یک ماده

(۱۲)،^۳ در مواردی که درخواست وکالت معاضدتی به صورت

مجانی باشد، اشکال شرعی دارد.» مجلس الآن این ماده را به این

صورت اصلاح کرده است: «ماده (۱۲) ضمن حذف بند (۱) به

شرح زیر اصلاح شد:

ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به رد

دعوا، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده

دعوی اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می‌کند.»

آقای ابراهیمیان - اطلاق جواز دریافت «خسارت» در این ماده

۱. ماده (۱۱) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- در صورت پذیرش ادعای اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می‌دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می‌کند. در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

تبصره ۱- ...»

۲. اصلاحیه‌ی ماده (۱۱) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی: «در سطر اول ماده (۱۱)، عبارت

«پذیرش ادعای» حذف و کلمه «ثبوت» جایگزین شد.»

۳. ماده (۱۲) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به رد دعوا، مدعی اعسار را به پرداخت وجوه زیر محکوم می‌کند:

۱- حق الوکاله وکیل معاضدتی در صورت استفاده از وکیل معاضدتی در حق دولت

۲- خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی.»

آقای هاشمی شاهرودی - منظور این ماده‌ی اصلاحی، همان معاشرت است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - همین که دلالت بر حال معسر کند، کافی است.

آقای ره‌پیک - معاشرت با مدیون برای اطلاع از وضعیت او است.

آقای هاشمی شاهرودی - آگاهی از وضعیت مدیون سابقاً از راه معاشرت بوده است، ولی حالا ممکن است از راه غیر

معاشرت باشد. حالا اگر آن عبارت را به این ماده، اضافه کردند، بهتر می‌شود.

آقای علیزاده - اصلاً همین خوب است؛ اشکالی ندارد.

آقای یزدی - همین اصلاح فعلی برای ماده (۸) بهتر است.

منشی جلسه - حاج آقا، این ماده اشکالی ندارد؟

آقای علیزاده - نه.

آقای مدرسی یزدی - ممکن است اعسار مدیون با واسطه و به نحو دیگری مشخص شود.

آقای علیزاده - ان شاء الله موقع تدوین نظر شورا، این موضوع را درستش می‌کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - از راه اینترنت یا از راه‌های مختلف دیگر [نیز ممکن است که حال معسر مشخص شود].

منشی جلسه - ماده (۹) هم که دارای همین ایراد ماده (۸) بود.

آقای ره‌پیک - ماده (۱۱) را بخوانید.

آقای شبزنده‌دار - نه، صحبت سر این است که عبارت الحاقی به ماده (۸) مبتدا و خبر می‌خواهد. جمله‌ی «به مدتی که بتوانند

نسبت به ...»، همین‌طوری درست نیست.

آقای ره‌پیک - نه، مبتدا و خبر هم دارد؛ ولی [تشخیص آنها]

خیلی سخت است. جمله، این‌طور است: «... باید شهادت‌نامه‌ی کتبی حداقل دو شاهد را ... به ادعای اعسار خود ضمیمه کند.»

آقای شبزنده‌دار - نمی‌شود که جمله، خبر نداشته باشد! الآن جمله‌ی «به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد،

اطلاع کافی داشته باشند» جایگزین خبر شده است.

آقای ره‌پیک - مبتدای جمله، عبارت «شهادت‌نامه‌ی کتبی»

است؛ مدیون باید شهادت‌نامه‌ی کتبی را ضمیمه‌ی دعوای اعسار خود نماید.

آقای شبزنده‌دار - بله، آن درست است.

آقای ره‌پیک - وسط جمله‌ی ذیل این ماده، یک جمله‌ی

معترضه آمده است که خوب تنظیم نشده است و آلاً این جمله هم مبتدا و هم خبر دارد.

خصوصی است و هم عمومی. اگر شامل مؤسسات خصوصی باشد، ورشکستگی هم شامل آن می‌شود؛ چون مؤسسات عام‌المنفعه‌ی خیریه‌ی خصوصی هم ورشکستگی دارند.

آقای علیزاده - قبلاً قرار شد مجلس این قید «عام‌المنفعه» را به طور کلی حذف کند؛ چون گفته شد که آن مؤسسات، قانون خاص دارند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - خب حذف کنند، ولی الآن قید «عام‌المنفعه» اشکال دارد؛ چون در تبصره (۲) نوشته است که درخواست ورشکستگی شامل مؤسسات عام‌المنفعه نمی‌شود؛ در حالی که قوانین دیگر می‌گویند، می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - حالا می‌گوییم که ما به ماده (۱۵) از لحاظ شرعی شبهه داریم؛ چرا دولت نمی‌تواند ادعای اعسار بکند؟

آقای یزدی - برای اینکه همه‌ی مملکت در اختیار دولت است.

آقای مدرسی یزدی - حالا یک وقتی ممکن است که الآن بنده ورشکسته باشم، ولی در جایی دیگر اموالی داشته باشم.

آقای یزدی - ورشکسته نمی‌تواند چنین چیزی بگوید.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای علیزاده - نمی‌تواند درخواست اعسار بدهد، ولی می‌تواند بدهی‌اش را تقسیط کند و بگوید آنها را در آینده می‌دهم.

آقای مدرسی یزدی - معنای ورشکسته همین است.

آقای یزدی - نه، ورشکسته معنایش این نیست.

آقای علیزاده - نه، ورشکستگی این‌طور است که به طلبکاران می‌گویند بدهکار را دیگر رها کنید؛ معنای ورشکسته این است که همین اموالی را که دارد، به نسبت از او بگیرید. به چنین فردی، ورشکسته می‌گویند. ورشکسته، یعنی من الآن نمی‌توانم بدهی‌ام را بدهم، ولی سال بعد آن را می‌دهم.

آقای مدرسی یزدی - مؤسسات عمومی قانون انحلال دارند.

آنها را منحل می‌کنند یا نمی‌کنند. حالا فرضاً دولت را هم کنار بگذاریم، ولی مؤسسات عمومی ورشکستگی دارند.

آقای یزدی - تبصره (۲) نباید این‌طوری در قانون بیاید.

آقای مدرسی یزدی - من الآن یادم نیست اگر دیون مؤسسات بیش از اصل سرمایه‌شان بود تکلیف آنها طبق قانون چیست. گاهی معلوم است که مؤسسه‌ای نمی‌تواند در آینده هم دیونش را بپردازد.

آقای یزدی - بالاخره مؤسسات یا تعاونی هستند و یا خصوصی.

(۱۲)، هر خسارتی را شامل می‌شود؛ مثلاً حق‌الوکاله‌ی وکیل که پول دارد را هم شامل می‌شود.

آقای رهپیک - خب، اشکال وکالت معاضدتی مربوط به بند (۱) این ماده بود که مجلس آن را برداشته است و حذف کرده است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - ما به بند (۲) این ماده که درباره‌ی خسارت واردشده بر خواننده‌ی دعوای اعسار بود ایراد نگرفتیم؟

آقای مدرسی یزدی - قبلاً به بند (۲) اشکالی نگرفتیم.

آقای یزدی - نه، [دریافت خسارت واردشده به خواننده‌ی دعوای اعسار که در بند (۲) ذکر شده است،] به درخواست خواننده است؛ یعنی اگر او خواست خسارت بگیرد، خسارتش را دریافت می‌کند.

آقای علیزاده - شما به عبارت بند (۲) که اشکالی نگرفته‌اید. پس اشکال بعدی را بخوانید.

منشی جلسه - «۷- نظر به اینکه در ماده (۱۵) و تبصره آن^۱ به

قانون تجارت ارجاع داده شده است و از آنجا که بعضی از مواد قانون مزبور برخلاف موازین شرع می‌باشد، مواد مورد استناد

مشخص تا اظهار نظر گردد.» همچنین، ما در مورد این ماده تذکر داشتیم: «۴- در ماده (۱۵)، در مورد دولت و شهرداری‌ها

که مقررات خاص دارند، تکلیف روشن نشد.» مجلس در اصلاحیه‌ی این ماده گفته است: «در ماده (۱۵)، عبارت «مطابق

مقررات قانون تجارت» حذف شد و متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱۵) الحاق و شماره تبصره قبلی به (۱) تغییر یافت.

تبصره ۲- دولت، شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی و عام‌المنفعه نمی‌توانند درخواست اعسار و ورشکستگی نمایند.»

آقای علیزاده - یعنی این مراکز عمومی، قوانین خاص خودشان را دارند.

آقای رهپیک - قید «عام‌المنفعه» در این تبصره (۲) مبهم است؛ چون «عام‌المنفعه» تعریف خاصی ندارد و هم شامل مؤسسات

۱. ماده (۱۵) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند، باید مطابق مقررات قانون تجارت رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره- اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواست وی را صادر می‌کند.»

آقای مدرس یزدی - نه، حالا اگر خصوصی هم باشد فرقی نمی‌کند.
آقای رهپیک - نه، اگر مؤسسه‌ی خصوصی باشد، ورشکستگی شامل آن می‌شود.

آقای مدرس یزدی - نخیر، وقتی شخصیت حقوقی شد، عمومی و خصوصی آن فرقی نمی‌کند.

آقای رهپیک - چرا؛ فرق می‌کند.

آقای مدرس یزدی - هیچ فرقی نمی‌کند.

آقای رهپیک - از این جهتی که ما داریم بحث می‌کنیم، فرق می‌کند.
آقای مدرس یزدی - من دارم از نظر شرعی می‌گویم. وقتی شخصیت حقوقی شد، عمومی و خصوصی آن فرقی نمی‌کند. به هر حال، حکم تبصره (۲) ماده (۱۵) برای من مبهم است.

آقای رهپیک - نه، بحث ما در اینجا بحث اعسار و ورشکستگی است.

آقای مدرس یزدی - خب، باشد.

آقای رهپیک - این ماده، به جهات دیگر شخصیت حقوقی کاری ندارد. در مورد اعسار و ورشکستگی دارد می‌گوید که حکم این ماده شامل مؤسسات دولتی و عمومی و عام‌المنفعه نمی‌شود.

آقای مدرس یزدی - چرا نشود؟

آقای علیزاده - چون عام‌المنفعه هستند.

آقای مدرس یزدی - ما در ایرادمان به این ماده بگوییم که مؤسسه‌ی عمومی با مؤسسه‌ی خصوصی فرقی نمی‌کند.

آقای رهپیک - مؤسسه‌ی عمومی هم در این موضوع، تابع اساسنامه‌اش می‌باشد.

آقای مدرس یزدی - خب، اساسنامه‌ی آن مؤسسه، موضوع انحلال را پیش‌بینی نکرده است.

آقای علیزاده - در مورد مؤسسات عام‌المنفعه چه می‌فرمایید؟

آقای رهپیک - ذکر قید «عام‌المنفعه» در تبصره (۲) ماده (۱۵) اشکال دارد؛ چون معنای «عام‌المنفعه» عام است. اولاً ما در قانون گشتیم؛ هیچ تعریف قانونی از «عام‌المنفعه» نداریم. ثانیاً به طور کلی تعبیر «عام‌المنفعه» شامل مؤسسات خصوصی خیریه و امثال آنها هم می‌شود؛ در حالی که اینها هم تابع قانون ورشکستگی و اعسار هستند. این مؤسسات مشمول حکم مؤسسات دولتی و عمومی نیستند. قید «عام‌المنفعه» که مجلس به این ماده اضافه کرده است، اشکال دارد، ولی قسمت اول این ماده ایرادی ندارد.

آقای مدرس یزدی - اشکال آن چیست؟ شما می‌فرمایید که اشکال قانون اساسی دارد یا اشکال شرعی؟

آقای رهپیک - مؤسسات عمومی غیردولتی و امثال آنها اساسنامه دارند که اساسنامه‌ی آنها مصوب می‌شود. آنها قانون خاص خودشان را دارند، ولی این‌گونه مؤسسات عنوان ورشکستگی ندارند.

آقای مدرس یزدی - خب، بحث انحلال در مورد این مؤسسات مطرح است. به هر حال، این حقیقتی است که مؤسسه‌ای که الآن دیونش بیشتر از اصل سرمایه‌اش است، می‌داند که دیگر نمی‌تواند دیونش را جبران کند. مؤسسه‌ای که دینش از سرمایه‌اش بیشتر است، قانوناً منحل می‌شود یا منحل نمی‌شود؟ خلاصه، وضعیت آن چطور می‌شود؟

آقای رهپیک - این‌گونه مؤسسات در بعضی از موارد منحل می‌شوند. برخی از این مؤسسات هم متعلق به دولت است.

آقای مدرس یزدی - نه، به هر حال تکلیفی برای مؤسسات ورشکسته پیش‌بینی نشده است. برای شما (۱۰۰) تا مؤسسه بیاورم که تکلیفشان در اساسنامه مشخص نشده است.

آقای رهپیک - نه، هر کدام از این مؤسساتی که ایجاد می‌شود اساسنامه دارد.

آقای مدرس یزدی - خب در برخی از اساسنامه‌های این مؤسسات، قضیه‌ی انحلال را پیش‌بینی نکرده‌اند.

آقای رهپیک - این‌طور که نمی‌شود؛ این موضوع باید در اساسنامه پیش‌بینی شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بحث انحلال باید در اساسنامه پیش‌بینی شود و الا آن مؤسسه ثبت نمی‌شود.

آقای مدرس یزدی - بحث انحلال مؤسسه باید فی‌الجمله در اساسنامه بیاید، ولی می‌خواهید که الآن لیست چندین مؤسسه را برای شما بیاورم که این مورد را در اساسنامه‌شان پیش‌بینی نکرده‌اند.

آقای سلیمی - اساسنامه‌ی مؤسسات به صورت فرم است.

آقای مدرس یزدی - شما دارید یک چیزی را به صورت تصویری می‌گویید؛ ولی من این را انجام داده‌ام. مؤسساتی داریم که بحث انحلال را در اساسنامه‌شان پیش‌بینی نکرده‌اند. حالا وضعیت انحلال این مؤسسات چطوری است؟

آقای سلیمی - ما هم انجام داده‌ایم.

آقای مدرس یزدی - چنین مؤسسه‌ای هم طبق قانون باید منحل بشود.

آقای رهپیک - مؤسسه‌ای که شما می‌فرمایید حتماً عمومی نبوده است؛ مؤسسه‌ی خصوصی بوده است.

آقای ابراهیمیان - اشکال شرعی.

آقای مدرسی یزدی - این بحث که در قانون اساسی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای ره‌پیک می‌گوید قید «عام‌المنفعه» شامل مؤسسات خصوصی هم می‌شود.

آقای ره‌پیک - مَقْنُن، باید قید «عام‌المنفعه» را توضیح بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - وقتی مؤسسه‌ای خصوصی شد، [دیگر عام‌المنفعه نیست].

آقای مدرسی یزدی - شخصیت حقوقی که دیگر خصوصی و عمومی ندارد؛ این شخصیت است که مالک است.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ آن شخصیت، مملوک مؤسسه‌ی خصوصی است.

آقای علیزاده - بالاخره درباره‌ی مؤسسات عام‌المنفعه یا باید بگوییم اینها دارای ورشکستگی و اعسار هستند یا نیستند.

آقای هاشمی شاهرودی - بعضی از مؤسسات عام‌المنفعه، عمومی هستند و بعضی از آنها خصوصی.

آقای علیزاده - بله، کدام درست است؟

آقای مدرسی یزدی - شخصیت حقوقی از این نظر خصوصی یا عمومی بودن، فرقی نمی‌کند.

آقای ره‌پیک - نه، مجلس باید قید «عام‌المنفعه» را توضیح بدهد. ما می‌گوییم که این قید ابهام دارد؛ یا آن قید را توضیح بدهید یا آن را حذف کنید یا مؤسسات خصوصی عام‌المنفعه و عمومی عام‌المنفعه را از هم تفکیک کنید.

آقای مدرسی یزدی - خب، مجلس این قید را حذف می‌کند. به هر حال، این ابهام باید حل بشود؛ چون مشکل کشور است. نظر اعضای مجمع مشورتی فقهی را هم در این باره بفرمایید.

آقای سوادکوهی - بحث شخصیت حقوقی یافتن [تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس می‌شوند]. در مواد (۵۸۴) و (۵۸۵) «قانون تجارت» آمده است.^۱

آقای شب‌زنده‌دار - مجلس مطالب ماده (۱۵) این مصوبه را از قانون تجارت منعکس نکرده است. در اینکه اعسار چه احکامی دارد، قرآن کریم می‌فرماید: «فَنَظَرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ».^۲

۱. ماده (۵۸۵) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ مجلس شورای ملی: «ماده ۵۸۵- شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق‌الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به علاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد و املاک است.»

۲. سوره بقره، آیه (۲۸۰): «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَ أُنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. و اگر (بدهکار)، قدرت پرداخت

آقای سوادکوهی - البته این مصوبه تعریفی از مؤسسه‌ی عام‌المنفعه ارائه نکرده است، اما از ماده (۵۸۴) قانون تجارت این طور به دست می‌آید که: «ماده ۵۸۴- تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد، شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.»

آقای ره‌پیک - بله دیگر.

آقای سوادکوهی - طبق این ماده‌ی قانون تجارت، این مؤسسات، شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. بعد هم گفته شده که شرایط مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده‌ی فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌گردد. این مؤسسات غیرتجاری هستند و شخصیت حقوقی دارند و تابع قوانین شخصیت حقوقی هستند، ولی اینها هم ورشکستگی دارند.

آقای علیزاده - بالاخره، به این مؤسسات، مؤسسات غیرتجاری می‌گویند؛ اما من دارم می‌گویم که بالاخره این مؤسسات هم در بعضی موارد ممکن است که ورشکسته بشوند. ممکن است که این مؤسسات هم در بعضی موارد معسر بشوند؛ اما ماده (۱۵) می‌گوید هیچ‌کدام از این دو تا [= مؤسسات غیردولتی و عام‌المنفعه] نمی‌توانند ورشکستگی داشته باشند. مؤسسات دولتی هم که وضعیتشان معلوم نیست.

آقای سوادکوهی - این مؤسسات هم ورشکستگی دارند. البته به نظر می‌رسد که این اشکال، یک اشکال غیر قانون اساسی است.

آقای ابراهیمیان - یعنی وقتی برای مدیون یک حالت توقف از ادای دیون اتفاق می‌افتد، مدیون یا باید تابع نظام اعسار باشد یا تابع نظام ورشکستگی و یا تابع نظام تصفیه باشد. اگر هیچ‌کدام از اینها نباشد، خب، اشکال پیش می‌آید.

آقای مدرسی یزدی - خب چرا این مؤسسات تابع نظام اعسار نباشند؟

آقای ابراهیمیان - اینکه عرض می‌کنم وضعیت اشخاص حقوقی هم تابع یک نظامی است بر مبنای همین است. آیا اگر وضعیت آنها بر اساس هیچ‌کدام از اینها نباشد، درست است؟ ما در مورد حقوق اشخاص دیان هم ابهام داریم؛ به نظرم اشکال شرعی هم در این زمینه وجود دارد. پس با این حال، وضعیت نظام پرداخت دیون طلبکاران چطور خواهد بود؟ ابهام

→

نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید؛ (و در صورتی که به راستی قدرت پرداخت را ندارد)، برای خدا و او بیخشد، بهتر است؛ اگر (منافع این کار را) بدانید.»

از این نظر است که اگر اشخاص حقوقی تابع نظام اعسار هم نباشند، [وضعیت آنها چگونه است؟]

آقای علیزاده - بهتر است که اصلاً مجلس بیاید و این مسئله را از مصوبه حذف کند؛ بگذارد همان مقررات خاصه را که قبلاً در قوانین مربوطه به آنها پرداخته شده است در مورد این مؤسسات اعمال شود.

آقای رهپیک - الآن در این تبصره، حکم روشنی نداریم آخر؛ همه‌ی موارد مذکور در این تبصره مقررات دارند.

آقای یزدی - مجلس می‌تواند برای این مؤسسات، در سال‌های آینده قوانینی تصویب کند.

آقای رهپیک - شما بگویید ماده (۱۵) مبهم است تا مجلس یا این ماده را حذف کند یا موارد مذکور در آن را از هم تفکیک کند یا آنها را توضیح بدهد؛ ولی اگر مجلس این ماده را حذف کند، بهتر است.

آقای علیزاده - ما باید به مجلس بگوییم که بالاخره تکلیف در این مورد چیست؟

آقای رهپیک - ما همان ایراد قبلی را به این ماده بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، مسئله فقط این است که مجلس باید تکلیف موارد مذکور در تبصره (۲) ماده (۱۵) را روشن کند. خب، ما هم باید الآن که فقهای بزرگوار عضو شورای نگهبان تشریف دارند، در مورد آنها بحث کنیم.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم که مجلس به تفکیک، تکلیف این موارد را معلوم کند؛ بعد مصوبه‌ی اصلاحی مجلس که به شورای نگهبان آمد، آن وقت اگر ایراد دیگری به ماده (۱۵) دارید، آن ایراد را بفرمایید.

آقای مدرسی یزدی - خب، ما باید در مورد ماده (۱۵)، یک راهنمایی هم به مجلس بکنیم.

آقای علیزاده - ما مجلس را راهنمایی می‌کنیم و در جلسه‌ی کمیسیون به آنها می‌گوییم که این تبصره را حذف کنید. ما می‌گوییم بالاخره باید تکلیف طلبکاران و بدهکاران در این تبصره معلوم باشد. حضرات آقایان، ما بنویسیم که بالاخره، تکلیف دائن و مدیون در این تبصره روشن نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بنویسید تبصره (۲) دارد.

آقای مدرسی یزدی - بحث دائن و مدیون در کجای این ماده آمده است؟

آقای علیزاده - بحث هیچ‌کدام نیامده است. در تبصره (۲) ابهام وجود دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - در کل این تبصره ابهام هست.

آقای شب‌زنده‌دار - پس به ابهام این تبصره رأی می‌دهید؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این تبصره ابهام دارد.

آقای رهپیک - بله، به ابهام که رأی می‌دهیم.

آقای علیزاده - رأی به ابهام تبصره (۲) ماده (۱۵) می‌دهیم. آقایان اعلام رأی بفرمایید. به مجلس بفرمایید که «در تبصره (۲) ماده (۱۵)، تکلیف دائن و مدیون و محکوم‌له و محکوم‌علیه مشخص نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»^۱

منشی جلسه - تذکر (۵): «۵- در ماده (۱۷)،^۲ ظاهراً مقصود این است که برای فرار از پرداخت، مرتکب تقصیر شده که موجب اعسار وی گردیده است. همچنین ظاهراً منظور از اعمال میزان مجازات و این محرومیت‌ها با توجه به میزان بدهی، نوع عمل، تعدد و تکرار عمل و ... می‌باشد.» مجلس برای اصلاح این ماده گفته است: «در سطر دوم ماده (۱۷)، عبارت «که با ارتکاب تقصیر موجب اعسار خود شده است» حذف و عبارت «که با هدف فرار از پرداخت دین مرتکب تقصیر شده است تا موجب اعسار وی گردد با توجه به میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن» جایگزین شد.»

آقای ابراهیمیان - ماده (۱۷)، باز هم مبهم است؛ چون اگر صرف قصد فرار از دین را تقصیر بدانیم، یعنی اگر خود این قصد فرار از دین را تقصیر بدانیم، دیگر تقصیر دیگری لازم نیست. من قصد فرار از دین دارم، بعد می‌روم یک کاری انجام می‌دهم که به آن کار نمی‌شود گفت که تقصیر است؛ مثلاً نمی‌شود گفت که انجام معامله، تقصیر است، اما قصد خود فرد که برای فرار از دین است، تقصیر است.

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان:

«۲- در تبصره (۲) ماده (۱۵)، نظر به اینکه تکلیف دائن و مدیون مشخص نیست، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۲. ماده (۱۷) لایحه نحوه اجرای محرومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷- دادگاه رسیدگی‌کننده به اعسار ضمن صدور حکم اعسار، شخصی را که با ارتکاب تقصیر، موجب اعسار خود شده است، به مدت شش ماه تا دو سال به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم می‌کند:

۱- ممنوعیت خروج از کشور

۲- ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری

۳- ممنوعیت عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های تجاری

۴- ممنوعیت تصدی مدیرعاملی در شرکت‌های تجاری

۵- ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات به هر عنوان از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی به جز وام‌های ضروری

۶- ممنوعیت دریافت دسته‌چک.»

مجلس در اصلاحیه‌ی ماده (۲۱) گفته است: «در انتهای ماده (۲۱)، عبارت «به عنوان جرمه اخذ و محکوم به از محل آن استیفاء خواهد شد» جایگزین عبارت «بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد» گردید.»

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - من باید ماده (۲۱) [مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰] را یک بار دیگر بخوانم تا ببینم که چیزی از موضوع یادم می‌آید. «ماده ۲۱ - انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقل‌آلیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد.» اگر آنچه انتقال‌گیرنده از مدیون گرفته است، جزء مستثنیات دین باشد، باز می‌شود آن را از او پس گرفت؟

آقای شب‌زنده‌دار - اگر آن کسی که از وضعیت مدیون مطلع بوده است، آن اموال را خریده است، بله. این مطلب، که قانون دیگری دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، انتقال‌گیرنده مطلع بوده است. من انتقال‌گیرنده خبر داشتم، ولی چون می‌بینم که مدیون دارد این خانه را از سر بیچارگی می‌فروشد و من هم که بی‌خانه و بیچاره هستم و زن و بچه‌ام در خیابان نشسته‌اند، این خانه را از او می‌خرم. فرض هم بر این است که بیع شرعاً صحیح است.

آقای شب‌زنده‌دار - و مدیون هم برای فرار از ادای دین خانه‌اش را فروخته است؟

آقای مدرسی یزدی - مدیون هم برای فرار از ادای دین این کار را می‌کند؛ ولی گفتیم که معامله صحیح است. حالا خانه به دست خریدار رسیده است.

آقای علیزاده - می‌توانید خریدار را جرمه کنید یا نمی‌توانید؟

آقای شب‌زنده‌دار - خریدار گناه کرده یا نکرده است؟

آقای مدرسی یزدی - حالا فرض کنید که گناه کرده باشد.

آقای علیزاده - شما یک وقتی می‌فرمایید که بیع باطل است ...

آقای مدرسی یزدی - نه، بالاتر از این؛ من می‌خواهم بگویم که این بیع، عیبی ندارد. این بیع، عیبی ندارد، ولی گناه دارد.

آقای علیزاده - بعد، اگر آن فرد مستأصل اموال مدیون را بخرد، تکلیفش چه می‌شود؟

آقای علیزاده - یعنی من باید درباره‌ی این ماده به مجلس چه چیزی بگویم؟ در ایرادی که آقایان قبلاً به این ماده گرفتند، آمده است: «در ماده (۱۷) ظاهراً مقصود این است که برای فرار از پرداخت، مرتکب تقصیر شده که موجب اعسار وی گردیده است ...». مثلاً من برای اینکه دینم را ندهم، مالم را آتش می‌زنم. آن‌زمان، حرف آقایان اعضای شورا این بود. آقایان در مجلس هم خیلی در این باره بحث کردند که اصلاً در ماده (۱۷) این مطلب را نیاورند و فقط بگویند که مدیون مرتکب تقصیر شده است یا به قصد فرار از دین موجب اعسار خود شده است. اما ما به نمایندگان مجلس در کمیسیون گفتیم که هر دو قید را باید در این ماده بیاورید. بنابراین، مجلس هر دو قید را آورده است تا اشکال مد نظر آقایان اعضای شورای نگهبان حل شود. آقایان [اعضای کمیسیون داخلی مجلس]، از اول هم می‌گفتند که منظور ما همین است، منتها ما گفتیم که این نکته را صراحتاً در متن بیاورید؛ یعنی مدیون، هم باید مرتکب تقصیر بشود، هم قصد فرار از دین داشته باشد؛ یعنی بگوید من این مال را آتش می‌زنم برای اینکه دین دائن را ندهم.

آقای شب‌زنده‌دار - حالا اگر این‌گونه نباشد، چه؟

آقای علیزاده - اگر مدیون تنها مرتکب تقصیر بشود، ولی این کار برای فرار از دین نباشد، [آقایان فقهای شورای نگهبان] فرمودند که اشکالی ندارد. بله، پس ماده (۱۷) هم درست شد.

آقای هاشمی شاهرودی - ذیل این ماده هم، تعداد محرومیت‌های مجرم را بیان کرده است.

آقای علیزاده - خیلی خب، یعنی قانون‌گذار همان‌جا مطلقاً بگوید مدیون در اینجا تقصیر دارد.

منشی جلسه - «۸- در ماده (۲۱) روشن نیست که منظور، بطلان معامله است یا این اقدام به عنوان جرمه می‌باشد؛ اگر به صورت ماده (۳) سابق،^۱ اصلاح شود ایراد مرتفع می‌گردد.»

۱. ماده (۴) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۰۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- هر کس با قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم‌الاجراء و کلیه محکومیت‌های مالی، مال خود را به دیگری انتقال دهد، به نحوی که باقی‌مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد، عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال‌گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال‌گیرنده باشد، عین آن و در غیر این صورت، قیمت یا مثل آن از اموال انتقال‌گیرنده بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد.»

جریمه‌ی نقدی را درست کردیم دیگر. آن وقت، آیا دستگاه قضایی واقعاً این حق را دارد که در آنجایی که خداوند متعال می‌گوید با مال شخصی فردی که بدهکار است [این طور رفتار کنید، ما طور دیگری رفتار کنیم].

آقای هاشمی شاهرودی - ابوحنیفه هم همین طوری قیاس می‌کرد!

آقای مدرسی یزدی - اگر او هم عقلش می‌رسید، این کار را می‌کرد؛ چون چنین کاری قیاس نیست؛ چون این مفهوم اولویت است. یعنی واقعاً در اینجا علم به عدم رضایت شارع هم مهم است.

آقای هاشمی شاهرودی - علم به احکام دین [ممکن] نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه، ما [ادعای علم به] احکام دین نمی‌کنیم؛ ما علم به عدم رضایت شارع داریم. اینکه کسی واقعاً معامله‌اش صحیح بوده است و خانه‌ای که خریده است، مال خودش است، چه اشکالی دارد که ما از اطلاعات مستثنیات دین خارج شویم.

آقای علیزاده - گرفتن مستثنیات دین از مدیون را که ممنوع کردیم.

آقای مدرسی یزدی - خب، اگر مدیون اموالش را فروخت، خلاف کرده است. در این صورت، مدیون خلاف کرده است. الآن کار مدیون، خلاف است.

آقای علیزاده - من به حرف شما اشکال وارد نمی‌کنم؛ می‌خواهم یاد بگیرم. این مصوبه می‌گوید دیگران را از خریدن اموال مدیون ممنوع کردیم.

آقای یزدی - منظور شما این است که اگر مدیون با پول مردم رفته است و خانه خریده است، صحیح است؟!

آقای مدرسی یزدی - نه، با پول مردم کاری نداریم.

آقای علیزاده - خریدار بعد از اینکه ما او را از خرید اموال مدیون ممنوع کرده‌ایم، رفته است و این کار [= خرید اموال مدیون] را انجام داده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، رفته است و چنین کاری انجام داده است؛ ولی ما می‌گوییم که بیع آن صحیح است.

آقای علیزاده - هر چند او را از انجام این کار ممنوع کرده باشیم؟

آقای مدرسی یزدی - ما می‌گوییم که بیع او صحیح است و خانه هم ملک خریدار شده است. روایات هم در این باره اطلاق دارد. حالا صحت بیع در آن اموالی که استثنا است، یعنی در

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ گناه کرده است، ولی بعد از اینکه گناه کرده است، حالا این فرد مدیون، موضوع «فَظْرَةُ الْيَمْسِرَةِ» و موضوع مستثنیات دین قرار می‌گیرد. آن فرد، فقط گناه کرده است. ممکن است که انسان گناه بکند، ولی با گناه او موضوع شرعی نیز درست شود.

آقای علیزاده - آیا می‌توان خریدار را در اینجا به عنوان مجرم، جریمه کرد؟

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، در این صورت، نمی‌شود خریدار را جریمه‌ی مالی کرد، ولی می‌توان او را شلاق زد.

آقای علیزاده - من نمی‌دانم.

آقای ابراهیمیان - نه، خریدار جریمه‌ی مالی هم می‌شود، ولی نمی‌شود اموال خریداری شده را از او گرفت. طلب دائن را باید از مدیون گرفت.

آقای مدرسی یزدی - مخصوصاً من خواستم مقدمه‌ای عرض کنم که آن را برای جای دیگری از این مصوبه که بعداً خواهد آمد، می‌گذارم. اصلاً وقتی مال فروخته شده، مال مردم شده است و خداوند متعال هم می‌فرماید اگر مدیون نمی‌تواند مال مردم را بدهد، «فَظْرَةُ الْيَمْسِرَةِ»، آیا حکومت اسلامی در اینجا اصلاً حق دارد خریدار را جریمه کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - این قیاس است.

آقای مدرسی یزدی - قیاس نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - این چه حرفی است!؟

آقای مدرسی یزدی - قیاس نیست، بلکه مفهوم اولویت است. مثل آیه‌ی «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفُّ»^۱ که می‌گوید به پدر و مادر خود حتی أُف هم نگویند است. خب، وقتی به آنها نمی‌توانی أُف بگویی، به طریق اولی نمی‌توانی آنها را کتک بزنی. آیا این هم قیاس است؟ خب، خودتان می‌فرمایید که اینجاها قیاس اولویت اشکالی ندارد. خیلی واضح است.

آقای هاشمی شاهرودی - این هم یک چیزی است که به عنوان جریمه گرفته می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - جریمه‌ی نقدی، یک چیزی نیست که در متن روایات آمده باشد. ما با یک سری عموومات و کلیاتی،

۱. سوره‌ی اِسْرَاءِ، آیه (۲۳): «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا اِمَّا يَنْتَلِعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَوْ كِلَاهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا اُفٌّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا» ترجمه: «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخورده‌گی رسیدند به آنها [حتی] «اُف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.»

مستثنیات دین، خیلی واضح تر است. روایات در مستثنیات دین اطلاق دارد؛ می‌گوید: «تُخْرِجُهُ مِنْ ظِلِّ رَأْسِهِ»^۱. آیا این الآن «ظِلِّ رَأْسِهِ» است یا نیست؟

آقای شب‌زنده‌دار - روایت فقط در آن مورد خاص گفته است: «لا یخرج ...».

آقای مدرسی یزدی - چرا در مورد خاص؟ نخیر، روایت اطلاق دارد: «لا یخرج الرجل الّا...». شما دلیلی می‌خواهید که از این اطلاق مخرج باشد. این روایت اطلاق دارد که «لا یخرج الرجل عن ظل رأسه». حتی این صورت را که محل بحث ما است شامل می‌شود، مگر اینکه دلیل داشته باشید. به چه مناسبتی شما دارید فرد را از خانه‌اش بیرون می‌کنید؟

آقای یزدی - به این مناسبت که ایشان همان «ظِلِّ رَأْسِهِ» که تهیه کرده است، تهیه کردنش ممنوع بوده است و نمی‌بایست آن را تهیه می‌کرد.

آقای مدرسی یزدی - ولی شما که گفتید خانه‌ای که خریداری شده است، الآن ملک خریدار شده است.

آقای علیزاده - این خریداری از اول ممنوع بوده است.

آقای مدرسی یزدی - این خانه ملک او است.

آقای یزدی - این ظل، قطعاً آن ظلی که در روایات است، نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه، این طور نمی‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، آخر شخص دیگری [= طلبکار] هم اینجا هست [و حقوقش نباید پایمال شود].

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، خریدار، الآن خانه‌ای ندارد و باید برود در کوچه بنشیند؛ چون شما دارید او را از خانه بیرون می‌کنید.

آقای یزدی - [می‌تواند خانه‌ی دیگری اجاره کند].

آقای مدرسی یزدی - نه، نمی‌تواند.

آقای یزدی - نه، می‌تواند.

آقای مدرسی یزدی - فرض می‌کنیم که نمی‌تواند.

آقای یزدی - نه، این طور فرض نمی‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - ما جایی را فرض می‌کنیم که شخص نمی‌تواند خانه‌ی اجاره‌ای هم داشته باشد. به ماده (۲۱) قید بزنید که حکم آن درست نیست.

آقای ابراهیمیان - الآن در بحث مربوط به مواد مخدر و امثال آن هم [همین بحث وجود دارد].

آقای علیزاده - این فرد، مثل کسی است که کلاهبرداری کرده است؛ خانه‌ی من را با کلاهبرداری به نام خودش کرده است. بعد هم آمده است و در آن می‌نشیند و زندگی می‌کند، ولی پول و اموالی هم ندارد که دین من را بپردازد.

آقای مدرسی یزدی - خب، خرید خانه با کلاهبرداری که باطل بوده است؛ غش بوده است.

آقای علیزاده - کلاهبرداری هم مثل اینجا، خلاف قانون است.

آقای مدرسی یزدی - آن کار، غش است. ما در آنجا می‌گوییم که این بیع، اصلاً باطل است. لا اقل بعضی از فقها می‌گویند که چنین بیعی باطل است.

آقای علیزاده - قانون‌گذار این معامله را هم از اول، مثل غش تلقی کرده است. قانون‌گذار می‌گوید اگر شما اموال مدیون را از او بخری، یعنی با او تبانی کرده‌ای و مال مدیون را خریده‌ای و من قانون‌گذار این عمل را جرم می‌دانم.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد را رأی بگیرید.

آقای ابراهیمیان - اگر یک کسی مرکب خودش را وسیله‌ی معاملات مواد مخدر قرار بدهد، با آن مرکب چه می‌کنند؟

آقای علیزاده - اگر شخص همین خانه را [برای فروش مواد مخدر] قرار بدهد، آن را به عنوان جریمه می‌گیرند.

آقای ابراهیمیان - آن را مصادره می‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - در این حالت واقعاً خانه را از او می‌گیرند.

آقای مدرسی یزدی - ما در اینجا، به اطلاق حکم ایراد داریم.

آقای علیزاده - فرض این است که کسی بیشتر از یک خانه ندارد، ولی آن را مرکز پخش مواد مخدر قرار می‌دهد. الآن طبق قانون می‌گوییم که هر کسی آن محل را مرکز پخش مواد مخدر کرده است، او را از آنجا بیرون می‌کنیم و خانه را از او می‌گیریم.^۲ این حکم اشکال دارد؟

۲. ماده (۱۳) قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱۳- هرگاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ ابْنِ زِيَادٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ لِي عَلَى رَجُلٍ دَيْنًا وَ قَدْ أَرَادَ أَنْ يَبِيعَ دَارَهُ فَيَقْضِيَنِي. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَعِيذُكَ بِاللَّهِ أَنْ تُخْرِجَهُ مِنْ ظِلِّ رَأْسِهِ.» ترجمه: «این زیاد می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتیم: مرا از شخصی طلبی است که می‌خواهد خانه‌اش را برای ادای دین خود به فروش برساند؟ امام (ع) فرمود: «خدا تو را حفظ کند! مبدا او را از سر پناهش بیرون کنی.» حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ج ۱، ۱۴۰۹ هـ، ج ۱۸، ص ۳۴۱.

موازين شرع هم محقق باشد، اشکال دارد.» ماده (۲۲) که در این اصلاحیه، توسط مجلس حذف شده است. البته ما درباره‌ی ماده (۲۴) یک تذکره هم داشتیم. بند (۶) تذکرات: «۶- در ماده (۲۴)، عبارت «پذیرفته شدن ادعای اعسار» به عبارت «ثبوت اعسار» اصلاح شود.» مجلس ماده (۲۴) را به این ترتیب اصلاح کرده است: «ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق شد:

ماده ۲۴- مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است.

تبصره- در خصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم‌علیه اجازه خروج از کشور را می‌دهد.»

آقای مدرس‌ی زدی - البته به نظر من در این ماده باید یک قیدی اضافه کنند که در صورت امکان، از محکوم‌علیه وثیقه هم بگیرند.

آقای علیزاده - الحاق این تبصره برای همان است دیگر.

آقای مدرس‌ی زدی - خب، تبصره که بحث وثیقه را نگفته است.

آقای علیزاده - چرا دیگر.

آقای سلیمی - وثیقه‌گذاری قاعده‌ی خودش را می‌طلبد.

آقای علیزاده - نه، تبصره‌ی این ماده که نگفته است که از محکوم‌علیه وثیقه بگیرند. اگر می‌خواهید در این باره به مجلس تذکر بدهید.

آقای مدرس‌ی زدی - بله، حداقل تذکر بدهید.

آقای علیزاده - نه، اگر هم می‌خواهید تذکر ندهیم و بگویم تبصره‌ی ماده (۲۴) ابهام دارد.

آقای مدرس‌ی زدی - بله، ابهام دارد. آیا در صورت امکان از محکوم‌علیه وثیقه هم می‌گیرند؟

آقای علیزاده - آیا از محکوم‌علیه وثیقه می‌گیرند یا نمی‌گیرند؟

۲. ماده (۲۴) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۴- مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا پذیرفته شدن ادعای اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تدمین مناسب به قوت خود باقی است.»

آقای مدرس‌ی زدی - بحث مواد مخدر اهم است، ولی بحث دین اهم نیست.

آقای علیزاده - آن هم همین است دیگر.

آقای مدرس‌ی زدی - نخیر، اینجا اهم نیست. در اینجا حق بایع، اهم است؛ تزامم است دیگر.

آقای علیزاده - آقایانی که با این اصلاح به عمل آمده در ماده (۲۱)، اشکال سابق را باقی می‌دانند، نظرشان را بفرمایند.

آقای مدرس‌ی زدی - واضح است که الآن اشکال سابق در این ماده نیست.

آقای علیزاده - اگر ماده (۲۱) با این اصلاح به عمل آمده، ایجاد اشکال جدید می‌کند، بفرمایید.

آقای مدرس‌ی زدی - من به هر حال نظرم را برای طرح بحث مطرح کردم.

آقای علیزاده - حاج آقای مدرس‌ی می‌فرمایند که این ماده ایراد دارد.

آقای مدرس‌ی زدی - نه، من نظرم را برای بحث مطرح کردم.

آقای علیزاده - بله، خیلی خب.

منشی جلسه - [بندهای (۹) و (۱۰) اشکالات شورای نگهبان:]

«۹- اطلاق ماده (۲۲)، هم در خصوص دین و هم در مورد تعهدات اشکال دارد.

۱۰- اطلاق ماده (۲۴) در خصوص سفر واجب که از قبل وجوب آن ثابت شده باشد و نیز سفر استعلاجی ضروری، خلاف موازين شرع شناخته شد. در خصوص تأمین نیز چنانچه کفالت، مطابق

→

یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر معداً سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هرگاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود، موافقت اصولی و پروانه بهره‌برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می‌گردد.»

۱. ماده (۲۲) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲- در هر مورد که شخصی متعهد به ایفای دینی است در صورت درخواست محکوم‌له باید متفرعات طلب را نیز مطابق قانون ایفاء کند. متفرعات طلب شامل خسارت تأخیر در انجام تعهد و خسارت دادرسی است. در تعهدات پولی خسارت ناشی از کاهش ارزش پول نیز در ردیف متفرعات طلب بر اساس تغییر شاخص سالانه اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از زمان مطالبه دین اصلی تا هنگام تأدیه آن تعیین می‌شود و در صورت مطالبه دین اصلی و امتناع مدیون از پرداخت، قابل مطالبه است، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.»

قانون بشود. چه بهتر که اصلاح شود.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر این طور باشد، اگر محکومی مریض باشد، دادگاه برای اینکه وثیقه ندارد، نمی‌گذارد به خارج از کشور برود و نهایتاً باید بمیرد!

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، دادگاه نباید این کار را بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، همین اشکال است.

آقای مدرسی یزدی - در صورت امکان باید از محکوم علیه وثیقه بگیرند.

آقای رهپیک - دادگاه کار خودش را طبق قاعده انجام می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - به نظر من گرفتن وثیقه از محکوم علیه لازم است. تبصره ماده (۲۴) باید تصریح کند که در صورت امکان و معقول بودن وثیقه‌گذاری، محکوم علیه باید وثیقه بگذارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - خب، این تبصره، راه را برای حقه‌بازی‌ها باز می‌گذارد و باعث می‌شود بعضی از محکومین، میلیاردها پول مردم را برمی‌دارند و می‌دزدند. آخر الآن کی در کشور ما چنین مرضی هست که فقط در خارج از کشور درمان می‌شود. الآن دیگر الحمدلله همه نوع بیماری در ایران درمان می‌شود.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم. ماده (۲۴) اصلاً در مقام بیان گرفتن یا نگرفتن وثیقه و غیره نیست. این ماده، اضافه بر آنچه دادگاه بر اساس ضوابط خودش انجام می‌دهد، به دادگاه اجازه می‌دهد که برخی از محکومین را از ممنوع‌الخروجی خارج کند. یعنی محکومی که تمام ضوابط دادگاه در جای خودش برایش انجام شده است، اگر یک حکم ممنوع‌الخروجی هم برای او پیش آمد، این ماده به دادگاه می‌گوید در مقام ضرورت، می‌توانید حکم ممنوع‌الخروجی را بردارید. معنای این حکم این نیست که ضوابط دادگاه هم تابع حکم این تبصره است. ضوابط دادگاه در جای خودش باقی است و هیچ نیازی به ذکر آنها در اینجا هم نیست.

آقای علیزاده - بالاخره ما می‌گوییم که اخذ تأمین، در آن مقام لازم است؛ منتها به نظر ما، این تبصره، در مقام بیان اینکه از محکوم وثیقه گرفته نشود، نیست.

آقای رهپیک - خود دادگاه وثیقه را می‌گیرد.

آقای سلیمی - بله، خود دادگاه می‌گیرد.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم که این تبصره در مقام نگرفتن وثیقه نیست، بلکه می‌گوید دادگاه وثیقه‌اش را بگیرد و به محکوم علیه

آقای رهپیک - این دیگر تشخیص دادگاه است. خود دادگاه در این باره تصمیم می‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - تبصره‌ی ماده (۲۴) ابهام دارد. آیا در صورت امکان دریافت وثیقه یا اخذ تضمینی دیگر، [محکوم علیه می‌تواند از کشور خارج شود؟]

آقای علیزاده - نه، دادگاه باید به او اجازه بدهد. دادگاه ممکن است بدون وثیقه هم به محکوم علیه اجازه‌ی خروج از کشور را بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره‌ی ماده (۲۴) بایستی بگوید در صورت امکان وثیقه‌گذاری، وثیقه بگیرد.

آقای مدرسی یزدی - بله، درست است.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - چون [اگر سفر خارج از کشور برای محکوم علیه] واجب و ضروری باشد، ماده (۲۴) با همین اطلاقش خوب است.

آقای مدرسی یزدی - نه، بگذارید آن را مقید کنیم.

آقای رهپیک - دادگاه موارد مربوط به اخذ تأمین مناسب برای خروج محکوم علیه از کشور را رعایت می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - ممکن است که بعضی از محکومین مالی، از این تبصره به اسم حج یا اثبات یک چیزی سوء استفاده کنند و میلیاردها پول مردم را بردارند و از کشور فرار کنند و بروند.

آقای رهپیک - اصلاً دادگاه چنین کاری نمی‌کند. هیچ دادگاهی این کار را نمی‌کند [که بدون اخذ تأمین مناسب، به چنین محکوم علیهی اجازه‌ی خروج از کشور بدهد].

آقای مدرسی یزدی - حالا حداقل نسبت به این ماده، یک ابهامی بگیرد.

آقای رهپیک - خروج از کشور، قواعد خودش را دارد. یک کسی که مدیون و متهم است [به راحتی و بدون سپردن تأمین مناسب که نمی‌تواند از کشور خارج شود].

آقای مدرسی یزدی - آقایان حقوقدانان، الآن شما به این تبصره نگاه کنید. آیا به نظر شما خوب است که درباره‌ی این تبصره از مجلس بپرسیم که منظور شما از این تبصره، با گرفتن وثیقه از محکوم علیه است یا نگرفتن آن؟ اگر مرادتان بر گرفتن وثیقه است، این تبصره را تصحیح کنید.

آقای هاشمی شاهرودی - کار دادگاه‌ها برعکس است.

آقای رهپیک - دادگاه هیچ محکومی را رها نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ ولی این مصوبه می‌خواهد

حالت استثنایی را گفته است.]

آقای مدرس یزدی - این تبصره اشکال دارد؛ یعنی نباید این طوری باشد. در فرض ثبوت اعسار، [نباید محکوم علیه ممنوع الخروج شود.]

آقای علیزاده - نظر من بر این است که این تبصره، ممکن است اشکال داشته باشد.]

آقای هاشمی شاهرودی - شما دارید اشکال می گیرید!

آقای مدرس یزدی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا آقای علیزاده، اشکال شما را به این تبصره پس گرفت دیگر.

آقای مدرس یزدی - چرا پس بگیرند؟ نباید پس بگیرند.

آقای علیزاده - نه، من می گویم ممکن است که مفاد این تبصره اشکال شرعی داشته باشد.

آقای مدرس یزدی - بله، همین طور است.

آقای هاشمی شاهرودی - شما گفتید که [محکوم علیه را در شرایط سفر واجب و ضروری] نباید ممنوع کرد!

آقای مدرس یزدی - نه، عرض کردم که اجازه خروج از کشور، همین طوری که نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - شما گفتید ممکن است محکوم علیه بخواهد به خارج از کشور برود و تحصیل پول کند، پس چرا در دفعه قبلی به این ماده، ایراد گرفتید؟!]

آقای علیزاده - شما می فرمایید محکوم علیه می خواهد به خارج از کشور برود و کاسبی کند.

آقای هاشمی شاهرودی - پس اشکال وارد نیست.

آقای علیزاده - بله، من هم دارم همین را می گویم.

آقای مدرس یزدی - ایراد این ماده این است که می گوید محکوم علیه بعد از ثبوت اعسار ممنوع الخروج می شود.

منشی جلسه - ماده (۲۵) این مصوبه^۱ حذف شده است. ایراد آن، مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی بود که الآن در این اصلاحیه، حذف شده است. بحث ایجاد سامانه های الکترونیکی بوده است.^۲

۱. ماده (۲۵) لایحه نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۵- قوه قضائیه مکلف است هویت کلیه محکومان مالی که به موجب حکم قطعی محکوم به دادن هر نوع مالی به دیگری می شوند را به همراه میزان محکومیت، در سامانه الکترونیکی که به این منظور ایجاد می کند، بلافاصله درج نماید. این اطلاعات به تشخیص و دستور دادستان در اختیار متقاضیان قرار می گیرد.»

۲. بند (۱۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ شورای نگهبان:

اجازه خروج از کشور را هم بدهد. نکته ی بعدی هم این است که تبصره استثنایی بر ماده است. اصل بر این است که دادگاه، وثیقه را می گیرد و اجازه خروج از کشور را می دهد، ولی در جاهایی که سفری ضرورت دارد، از محکوم علیه وثیقه نمی گیرد. خب، البته که در این حالت نباید وثیقه بگیرد. این تبصره دارد همین مطلب را می گوید، وگرنه اگر غیر از آن بود، اصلاً این تبصره لازم نبود. دادگاه از محکوم علیه قرار تأمین می گیرد. این تبصره می خواهد بگوید در جایی که دادن قرار تأمین ممکن نیست ولی محکوم علیه باید به خارج از کشور برود، امکان خروج وجود داشته باشد. این تبصره، استثنایی بر حکم ماده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، فقط به سفرهای واجب و سفرهای درمانی این اجازه را داده است. اگر به این تبصره قید بزنیم، خراب می شود.

آقای علیزاده - بله، خراب می شود.

آقای مدرس یزدی - اصلاً این ماده (۲۴) که بحث وثیقه را مطرح نکرده است.

آقای علیزاده - ماده (۲۴) می گوید: «ماده ۲۴- مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم له قرار ممنوع الخروج بودن محکوم علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم علیه یا جلب رضایت محکوم له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است.

تبصره- در خصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم علیه اجازه خروج از کشور را می دهد.»

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره، استثنایی بر حکم ماده است؛ یعنی تبصره، موارد استثنایی را می گوید.

آقای علیزاده - به نظر من، اگر شما می خواهید به ماده (۲۴) ایراد بگیرید، باید بگویید در صورت ثبوت اعسار محکوم علیه هم او نباید ممنوع الخروج شود؛ چون ممکن است گفته شود بعد از ثبوت اعسار هم محکوم علیه ممنوع الخروج است. شما باید به آن قسمت ایراد بگیرید.

آقای مدرس یزدی - چرا؟ بدبخت می خواهد برود خارج یک کاسبی بکند، چرا نتواند برود؟ این تبصره اشکال دارد دیگر؛ حرف شما درست است.

آقای هاشمی شاهرودی - چون اجازه خروج محکوم علیه از کشور طبق حکم صدر ماده، اشکال داشت، [این تبصره آمده و

آقای هاشمی شاهرودی - خب مدیون می‌تواند آن عین مستأجره را در مقابل گرفتن پول خوبی به کس دیگر واگذار کند و با آن پول یک‌جای دیگر [که مناسب شئونش است] را اجاره کند.

آقای شب‌زنده‌دار - اما غالباً این فرض رخ نمی‌دهد. اجاره‌دهنده این‌گونه اجاره می‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - در صورت اجاره، منفعت اجاره‌دهنده می‌رود و من مستأجر مالک منفعت می‌شوم. حالا من مستأجر می‌توانم این خانه را به دیگری اجاره بدهم. منفعت این خانه، مثلاً (۵۰) تومان است، [که آن مقدار مازاد، خارج از مستثنیات دین است].

آقای مدرسی یزدی - فرض می‌کنیم که مستأجر اذن اجاره دادن عین را ندارد.

آقای شب‌زنده‌دار - بله خب، شاید موجر اجازه‌ی این کار را نداده باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - چه کسی اجازه نداده است؟ ماده (۲۶) اطلاق دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، در همین فرض دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - پس پولی که مدیون به موجر می‌دهد هم میزان و ملاک نیست. میزان، نتیجه است و همیشه، میزان پول نیست. من که حالا مالک منفعت خانه‌ای شده‌ام که اجاره‌ی آن در هر ماه (۵۰) تومان است، ولی من به بیش از بیست تومان آن نیاز ندارم، می‌توانم آن را به یکی دیگر به (۵۰) تومان اجاره بدهم.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، این‌طور هم می‌شود.

آقای ابراهیمیان - ماده (۲۶) نوشته است که عین مستأجره مازاد بر شأن او است.

آقای علیزاده - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - آن ماده، برای کسی است که کل ملاک را عین مستأجره قرار داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در بحث مستثنیات دین، اینکه عین مستأجره ملاک باشد خوب است.

آقای شب‌زنده‌دار - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - مبلغی که حین عقد اجاره پرداخت می‌شود، باید ملاک باشد.

آقای علیزاده - سابقه را بیاورید.

آقای ره‌پیک - عین عبارت را نوشته‌اید دیگر.

آقای ره‌پیک - بله، در اصلاحیه گفته‌اند: «ماده (۲۵) حذف شد». **منشی جلسه -** [بند (۱۲) اشکالات شورای نگهبان]: «۱۲- اطلاق بند (ز) ماده (۲۶)^۱ نسبت به عین مستأجره که مورد نیاز شخص با فرض اعسار وی نبوده و بالاتر از شأن شخص می‌باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.» مجلس برای اصلاح ایراد این ماده گفته است: «در بند (ز) ماده (۲۶)، عبارت «به عنوان قرض» حذف و متن زیر به انتهای آن اضافه شد: «و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد»؛ یعنی عبارت بند (ز) این‌طور می‌شود: «ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره‌بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون و بالاتر از شأن او نباشد.»

آقای ره‌پیک - مجلس بند (ز) را اصلاح کرده است دیگر.

منشی جلسه - بند (ز) هم جزء مستثنیات دین می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - آیا ماده (۲۶) ملاک را عین مستأجره قرار داده است که مازاد بر شأن مدیون است؟ اگر این باشد، که این ملاک نیست؛ ملاک آن، پولی است که مدیون به موجر می‌پردازد. ممکن است یک کسی یک منزل بسیار عالی که از شأنش خارج است را به قیمت خیلی نازلی اجاره کرده باشد؛ این صورت که اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - بنابراین مجلس عین مستأجره را ملاک قرار داده است، در حالی که این ملاک نیست؛ ملاک آن مال‌الاجاره‌ای است که در اینجا پرداخت می‌شود. اگر مال‌الاجاره‌ای که مدیون می‌پردازد، مازاد بر شأنش است اشکال دارد.

→

«۱۱- در ماده (۲۵)، اطلاعات مذکور باید با حکم دادگاه و با رعایت موازین شرعی و آن هم در اختیار ذی‌نفع قرار داده شود و الا اشکال دارد. همچنین ایجاد سامانه الکترونیکی با این منظور، از آنجا که لایحه دولت نبوده و مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی است و طریق جبران آن نیز معلوم نشده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. بند (ز) ماده (۲۶) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۶- مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

الف- ...

ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به عنوان قرض به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره‌بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد.»

آقای علیزاده - من عین عبارت را آورده‌ام؛ این را نمی‌خواهد بنویسد.

آقای ره‌پیک - اشکال بند (ز) رفع شده است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خوب، ولی این ماده، ملاک را مبلغ مال‌الاجاره قرار نداده است.

آقای شب‌زنده‌دار - این صورتی که عین مستأجره از شأن مدیون بالاتر باشد، [همیشه ملاک درستی نیست].

آقای مدرسی یزدی - در عین حال، در مبلغ هم [شأن فرد مطرح است].

آقای علیزاده - منظور این است که مدیون با آن مبلغ بتواند خانه‌ای در شأن خودش بگیرد.

آقای ابراهیمیان - حق با حاج‌آقا [ی شب‌زنده‌دار] است.

آقای یزدی - اصل این است که محل سکونت مدیون، بالاتر از شأنش نباشد. منظور این است که مدیون خانه‌ای در حد شأنش بگیرد.

آقای علیزاده - بله، یعنی مدیون بتواند با آن پول خانه‌ای در حد شأن خودش اجاره کند.

آقای هاشمی شاهرودی - مدیون باید بتواند با آن پول، [خانه‌ای در حد شأن خودش اجاره کند].

آقای علیزاده - بله، همین‌طور است؛ ممکن است که مدیون بتواند با کمتر از پول فعلی خود خانه‌ای اجاره کند. شما که این ماده را می‌خوانید، توجه کنید که آن باید یک نتیجه‌ی عملی هم در خارج داشته باشد. آن نتیجه چیست؟ اینکه اگر این اجاره را برای مدیون پس بگیریم، او بتواند با نصف یا ثلث یا دو سوم آن پولی که بابت اجاره‌ی خانه می‌داده، یک جایی در شأن خودش اجاره کند.

آقای شب‌زنده‌دار - حالا اگر من رفتم یک خانه‌ای [که در شأن خودم نیست با پولی که در شأن من است اجاره کردم، چطور؟]

آقای ابراهیمیان - بله، موضوع بند (ز) مبلغ است. پس هر قیدی در زمینه‌ی مستثنیات دین هم باید روی مبلغ می‌آمد. حق با شماست. به هر حال موضوع بند (ز) مبلغ است. حرف شما درست است.

آقای مدرسی یزدی - من یک عرض دیگری هم دارم. آقایان توجه بفرمایند؛ بند (ز) از یک طرف می‌گوید پرداخت اجاره‌بها بدون آن مبلغ موجب عسر و حرج می‌شود. از طرف دیگر در ذیل می‌گوید که عین مستأجره بالاتر از شأن مدیون نباشد. این دو موضوع شأن و عسر و حرج با هم تفاوت دارند. بعضی

وقت‌ها [هر دو با هم جمع نمی‌شوند].

آقای شب‌زنده‌دار - این دو را به گونه‌ای جمع کرده‌اند که ملاک اصلی، همان عسر و حرج مدیون می‌شود.

آقای علیزاده - معنای عسر و حرج این است که اگر مدیون را از خانه‌ای که در آن زندگی می‌کند بیرون کنیم، آلاخون و آلاخون می‌شود.

آقای ره‌پیک - یعنی بیرون کردن مدیون از آن خانه، موجب عسر و حرج می‌شود.

آقای علیزاده - بله، یعنی وضع او به گونه‌ای است که همین الآن نمی‌توانیم به او بگوییم از خانه‌ات برو بیرون.

آقای مدرسی یزدی - یعنی ممکن است با بیرون کردن مدیون از آن خانه، آلاخون و آلاخون هم نشود، ولی خانه‌ای که مطابق شأنش باشد هم گیرش نمی‌آید.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - خوب، بند (ز) کدام یک از اینها را می‌گوید؟

آقای علیزاده - هر دو را.

آقای هاشمی شاهرودی - بند (ز) هر دو قید را دارد.

آقای علیزاده - بله، هر دو قید را دارد.

آقای مدرسی یزدی - خوب، پس نباید عسر و حرج، ملاک باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - پس به قید ذیل بند (ز) هم نیازی نیست.

آقای مدرسی یزدی - پس اصلاً عسر و حرج ملاک نیست و ذکر کردن آن در اینجا لغو است. وقتی گفتیم که عین مستأجره بالاتر از شأن مدیون نباشد، یعنی به طریق اولی نباید باعث عسر و حرج مدیون بشود دیگر.

آقای یزدی - مقصود این است که مدیون می‌خواهد اضافه‌ی پولش را بابت بدهی‌اش بدهد.

آقای مدرسی یزدی - من در بند (ز) ابهامی می‌بینم؛ گرچه در متن تحریرالوسیله^۱ هم چنین ابهامی هست.

۱. «مسأله ۱۰- یجب علی المدیون عند حلول الدین و مطالبه الدائن، السعی فی أدائه بكل وسیله؛ و لو بیع سلعته و متاعه و عقاره، أو ... نعم، یستثنی من ذلك بیع دار سکناه، و ثیابه المحتاج إليها و لو للتجمل، و دابة رکوبه إذا کان من أهله و احتاج إلیه، بل و ضروریات بینه؛ من فراشه و غطائه و ظروفه و إنائه؛ لاکله و شربه و طبخه و لو لاضیافه؛ مراعیاً فی ذلك کله مقدار الحاجه بحسب حاله و شرفه، و أنه یحیث لو کلف بیعها لوقع فی عسر و شدّة و حزازة و منقصه و هذه کلهما من مستثنیات الدین لا ←

آقای شبزنده‌دار - نه، اگر من نتوانم آن خانه را اجاره بدهم که مالک سودی نشده‌ام. یک وقت هست که من بعد از اینکه خانه‌ای را اجاره کردم، می‌توانم بروم و آن خانه را (۵۰,۰۰۰) تومان اجاره بدهم، در این صورت، ماهیانه چهل و پنج هزار تومان گیرم می‌آید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - بند (ز) می‌گوید اگر مدیون با مبلغی که نزد صاحب‌خانه دارد، نمی‌تواند برود و خانه‌ای اجاره کند، در هر حال این مبلغ هم جزء مستثنیات دین است دیگر.

آقای ابراهیمیان - نه دیگر، چون آن خانه، خارج از شأن مدیون است، دادگاه می‌تواند آن مبلغ را بگیرد و توقیف کند. پس چون در اینجا ملاک را خارج از شأن بودن خانه‌ی مدیون قرار داده‌اند، اشکال دارد. اشکال ایشان [= آقای شبزنده‌دار] درست است.

آقای علیزاده - در مورد توقیف مبلغ که اشکالی ندارد. دادگاه می‌تواند مبلغ را توقیف کند؛ ولی نمی‌شود محکوم‌به را از آن استیفا کرد.

آقای ابراهیمیان - نه دیگر، همان‌طور است؛ دادگاه مبلغ را توقیف می‌کند.

آقای علیزاده - من هم همین را می‌گویم. به نظر من که همیشه می‌توان این مبلغ را توقیف کرد ولی آنچه که نمی‌شود انجام داد، استیفا محکوم‌به از آن پول است.

آقای شبزنده‌دار - توقیف هم مقرر شرعی می‌خواهد. دادگاه که همین‌طور نمی‌تواند مبلغ را توقیف کند.

آقای ابراهیمیان - بله دیگر.

آقای علیزاده - می‌شود مبلغ را توقیف کرد؛ چون ممکن است مدیون فردا این پول را بگیرد و ببرد یک جای دیگر هزینه کند. اگر او می‌خواهد این پول‌ها را بگیرد، باید با اجازه و مجوز دادگاه باشد.

آقای یزدی - اگر مفهوم عرفی جمله‌ی بند (ز) خود همین عبارت باشد، اشکال آقای شبزنده‌دار وارد است؛ ولی منظور این جمله این است که منزل استیجاری، بالاتر از شأن مدیون نباشد؛ یعنی شما که رفتی یک خانه‌ای با ماهیانه (۵۰۰) تومان اجاره کردی، در حالی که می‌توانی با یک خانه‌ی (۲۰۰) تومانی هم زندگی کنی، باید بروی و خانه‌ی (۲۰۰) تومانی را بگیری و مابه‌التفاوت آن (۵۰۰) تومان را به محکوم‌له بدهی.

آقای علیزاده - بله، معنای این جمله همین است. معنای این

آقای شبزنده‌دار - حالا برای اینکه این مصوبه یک قانون جامع، درست و کامل بشود، ما به مجلس می‌گوییم آن را تصحیح کند و عبارت درستی در این بند بیاورند. در اینجا که عین مستأجره، کل‌المالک نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - پس برای اصلاح بند (ز) بگوییم، امکان تبدیل منزل مسکونی با مقدار پول کمتر به اندازه‌ای که در حد شأن مدیون باشد وجود نداشته باشد. عبارت این بند یک چنین چیزی باید باشد؛ ولی این عبارت هم همین را می‌رساند.

آقای یزدی - معنای بالاتر از شأن نباشد این است که مدیون خانه‌ای مطابق شأنش بگیرد.

آقای شبزنده‌دار - حالا مثلاً فرض کنید که یک خانه‌ای هست که اجاره‌اش ماهیانه (۵۰,۰۰۰) تومان است، ولی من آن را با پنج هزار تومان اجاره کرده‌ام. در این فرض مالک حاضر شده است که خانه‌اش را به من با ماهیانه پنج هزار تومان اجاره بدهد، در حالی که من با این پنج هزار تومان فقط می‌توانستم یک خانه‌ی خیلی کوچک اجاره کنم. الآن بند (ز) می‌گوید این مثال جزء مستثنیات دین نیست؛ چون این خانه از شأن تو بالاتر است.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره شما در اینجا سود کرده‌اید و مالک یک سودی شده‌اید.

→

خصوص بعض المذکورات؛ بل لا یبعد أن یعدّ منها الکتب العلمیة لاهلها بمقدار حاجته بحسب حاله و مرتبه. «موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ج ۱، کتاب الدین و القرض، ج ۱، ص ۶۵۰»

ترجمه: «مسئله ۱۰- هنگام رسیدن وقت دین و مطالبه طلبکار، بر بدهکار واجب است به هر وسیله‌ای در ادای آن سعی نماید، ولو اینکه با فروختن کالا و ائثیه و املاک باشد ... البته خانه مسکونی و لباسش که ولو برای آراستن خود به آن احتیاج دارد و چهارپای سواریش در صورتی که اهل سوار شدن آن باشد و به آن محتاج باشد، بلکه ضروریات منزلش از قبیل فرش و پوشش و ظروفی که برای خوردن و آشامیدن و پختنش ولو برای میهمان‌هایش است، (همه اینها) استثنا می‌شود. و باید در همه اینها رعایت مقدار نیازش بر حسب شخصیت و حال خودش را بنماید و به طوری باشد که اگر مجبور به فروش اینها شود در سختی و شدت و ناراحتی و کمبود قرار گیرد و همه اینها از مستثنیات دین می‌باشد، نه خصوص بعضی از مذکورات، بلکه بعید نیست که کتاب‌های علمی برای اهل آن به مقداری که به حسب حال و مرتبه او، مورد نیازش باشد، جزء استثنایات دین شمرده شود.» موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ۱۴۲۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۳۳.

منها الكتب العلمية لاهلها بمقدار حاجته بحسب حاله و مرتبه.^۱ در این عبارت، یک جا گفته است که مدیون به عسر و حرج نیفتد، اما در جای دیگر [= در عبارت ابتدای این مسئله] گفته است [که شأن و شئون مدیون رعایت شود].

آقای علیزاده - اگر برای بند (ز) عبارت دیگری می‌خواهید بگویید ما دیگر از اول ایراد نگیریم.

آقای مدرسی یزدی - من می‌گویم که اساساً قید عسر و حرج لازم نیست. همین که قید «در شأن مدیون» باشد، کافی است.

آقای علیزاده - پس آقایان فقها می‌فرمایند همین عبارت این بند، خوب است. حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی و حضرت آیت‌الله یزدی که می‌فرمایند همین عبارت خوب است. **آقای شبزنده‌دار** - اما این را هم در نظر بگیرید که اگر مدیون برای منزل خود پولی پیش‌پرداخت نکند، باید اجاره و پول زیادی به مالک بدهد.

آقای مدرسی یزدی - آن فرض هم باید استثنا شود.

آقای شبزنده‌دار - ولی بند (ز) فقط همین پول پیش‌پرداخت را می‌گوید.

آقای علیزاده - سایر آقایان فقها می‌فرمایند که این بند، اشکالی ندارد. این اشکال، رأی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - ما هم حرفی نداریم.

آقای شبزنده‌دار - ولی آقایان قبول دارند که این را به عنوان تذکر به مجلس بگوییم تا این بند را اصلاح کنند و عبارت دقیق‌تر شود. دقیق‌تر شدن آن که اشکالی ندارد.

۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ج ۱، کتاب‌الدین و القرض، ج ۱، ص ۶۵۰؛ «مسئله ۱۰- هنگام رسیدن وقت دین و مطالبه طلبکار، بر بدهکار واجب است به هر وسیله‌ای در ادای آن سعی نماید، ولو اینکه با فروختن کالا و ائانه و املاک باشد ... البته خانه مسکونی و لباسش که ولو برای آراستن خود به آن احتیاج دارد و چهارپای سواریش در صورتی که اهل سوار شدن آن باشد و به آن محتاج باشد، بلکه ضروریات منزلش از قبیل فرش و پوشش و ظروفی که برای خوردن و آشامیدن و پختنش ولو برای میهمان‌هایش است، (همه اینها) استثنا می‌شود. و باید در همه اینها رعایت مقدار نیازش بر حسب شخصیت و حال خودش را بنماید و به طوری باشد که اگر مجبور به فروش اینها شود در سختی و شدت و ناراحتی و کمبود قرار گیرد و همه اینها از مستثنیات دین می‌باشد، نه خصوص بعضی از مذکورات، بلکه بعید نیست که کتاب‌های علمی برای اهل آن به مقداری که به حسب حال و مرتبه او، مورد نیازش باشد، جزء استثنائات دین شمرده شود.» موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲۱، ۱۴۲۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۳۳.

عبارت هم که فرمودید درست است. مدیون (۵۰۰) میلیون تومان را برده است و یک خانه رهن کرده است. این بند می‌گوید شما می‌توانید با دویست میلیون تومان هم یک خانه‌ی در شأن خود اجاره کنید. بنابراین شما با دویست میلیون از آن پول، خانه‌ای اجاره کن و بقیه را به طلبکارانت بده.

آقای ابراهیمیان - این حرف شما خوب است، ولی این جمله آن حرف را نمی‌گوید.

آقای ره‌پیک - انصراف این جمله به همین موارد متعارف است؛ یعنی بین مبلغ و شأن فرد نسبت به عین مستأجره، نسبت معکوس وجود دارد.

آقای شبزنده‌دار - اگر مجلس موارد بند (ز) را دقیق کند، بهتر است.

آقای ره‌پیک - منظور این بند، موارد استثنایی که یک کسی با پنج تومان یک خانه‌ی (۵۰۰) تومانی را اجاره می‌کند، نیست.

آقای شبزنده‌دار - ولی چنین مواردی هم پیش می‌آید.

آقای علیزاده - اگر آقایان شورای نگهبان می‌گویند ما درباره‌ی بند (ز) چیزی بنویسیم، بفرمایند تا بنویسیم؛ اگر می‌گویند همین عبارت کافی است، خوب کافی است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - حالا اگر بتوانید به آن قضیه‌ی عسر و حرج ایرادی بگیرید تا مجلس آن را هم یک اصلاحی بکند، خوب است.

آقای یزدی - کمتر بنویسند بهتر است. ظاهر این عبارت همین است که گفتیم.

آقای علیزاده - خوب، شما باید یک عبارتی بگویید بنویسیم که من وقتی به کمیسیون می‌روم، بتوانم از آن دفاع کنم. اگر در این باره می‌خواهید تذکری بدهید، بفرمایید.

آقای مدرسی یزدی - تذکر این است که از این بند لفظ عسر و حرج را بردارند.

آقای علیزاده - آقایان فقها، قبول دارید این را بنویسیم؟

آقای مدرسی یزدی - امام خمینی (ره) هم در نهایت، استقرار فتوایشان این‌طوری است. ایشان بار اول اسم عسر و حرج را می‌برند؛ می‌گویند: «یحجب علی المدیون عند حلول الدین و مطالبه الدائن، السعي في أدائه بكل وسيلة؛ و لو بیع سلعته و متاعه و عقاره، أو ... نعم، یستثنی من ذلك بیع دار سکنه، و ثیابه المحتاج إليها و لو للتجمل، و دابة رکوبه إذا كان من أهله و احتاج إليه، بل و ضروریات بینه؛ من فراشه و غطائه و ظروفه و إنائه؛ لاکله و شربه و طبخه و لو لاضیافه؛ مراعیاً في ذلك کله مقدار الحاجة بحسب حاله و شرفه، و أنه بحیث لو کلف بیعها لوقع في عسر و شدّة و حرازة و منقصة و هذه کلها من مستثنیات الدین لا خصوص بعض المذکورات؛ بل لا یبعد أن یعدّ

موردی که محکوم علیه شخصاً حاضر به فروش بوده است، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین چنانچه اجرای حکم بدون فروش هم به نحو الأھون فالأھون و یا مشارکت محکوم له با محکوم علیه ممکن باشد باید به این نحو عمل شود. در مورد ماده (۲۶) یک تذکر هم داشتیم: «۷- در تبصره (۲) ماده (۲۶)، عبارت «قابل توقیف نخواهد بود» اشکال عبارتی دارد».

آقای علیزاده - ماده‌ی اصلاحی را بخوانید تا ببینیم که چطور شده است.

منشی جلسه - مجلس در اصلاحیه‌ی این ماده گفته است: «تبصره (۱) ماده (۲۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد، به تقاضای محکوم له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم علیه خواهد شد، مگر اینکه استیفای محکوم به به طریق سهل تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان پذیر باشد که در این صورت محکوم به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.

در سطر سوم تبصره (۲) ماده (۲۶) عبارت «وصول محکوم به از آن امکان پذیر است» جایگزین عبارت «عوض گرفته شده قابل توقیف نخواهد بود» گردید و در انتها کلمه «ندارد» به کلمه «دارد» تغییر یافت. پس جمله‌ی پایانی تبصره (۲) این طور شده است: «... مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.»

آقای علیزاده - در این باره فرمایشی ندارید؟

→

الف - ...

تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد، به تقاضای محکوم له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم، با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل متناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم علیه خواهد شد.

تبصره ۲- چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرح‌های عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، عوض گرفته شده قابل توقیف نخواهد بود، مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را ندارد.»

آقای علیزاده - ما تا به حال، ایرادی به این مصوبه نگرفته‌ایم؛ این نکته را به صورت تذکر بگوییم.

منشی جلسه - چرا حاج آقا؛ ایراد داشتیم.

آقای ابراهیمیان - بله، ایراد گرفتیم و باید مجلس مصوبه را اصلاح کند.

آقای علیزاده - خیلی خوب، اگر بخواهیم تذکر بدهیم، بگوییم که بند (ز) را چه کار کنند؟ عبارت مد نظرتان را بفرمایید تا تذکر را همان طوری بنویسیم.

آقای شب‌زنده‌دار - اینکه بند (ز) فقط ملاک را عین مستأجره قرار داده است، درست نیست. این بند تنها ملاک را عین مستأجره قرار داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - ایشان می‌گویند جایی که عین مستأجره با ثمن و ودیعه‌ی کمی اجاره شده باشد و وقتی هم اجاره شد، دیگر نتوان آن را به ثمن بیشتری به کسی دیگر اجاره داد، این فرض هم جزء مستثنیات دین است. باید این بند را قید زد و گفت جایی که مدیون حق نداشته باشد و نتواند عین مستأجره را به دیگری با مبلغ بیشتری اجاره بدهد، [جزء مستثنیات دین است].

آقای علیزاده - پس منظورتان این است که بگوییم عبارت به این صورت درست شود که اگر مدیون با پرداخت مبلغی کمتر از قیمت واقعی، یک جایی مطابق شأنش اجاره کرد، اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - خود این بند که این فرض را آورده است.

آقای علیزاده - پس منظورتان چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - نه، آقای شب‌زنده‌دار می‌گویند که ما باید یک صورتی را استثنا کنیم که صورت خیلی نادری است.

آقای رهپیک - آن فرض، استثنایی است و مربوط به موارد بند (ز) نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - آن فرض را هم از همین عبارت می‌فهمند.

آقای علیزاده - پس نمی‌خواهد آن صورت را بگویید.

منشی جلسه - [بند (۱۳) اشکالات شورای نگهبان]: «۱۳- در تبصره یک ماده (۲۶)،^۱ اطلاق فروش توسط مرجع اجراءکننده در

۱. ماده (۲۶) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۶- مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

←

آقای مدرسی یزدی - حرف شما درست است و معلوم هم است، ولی به نظرم می‌آید که ...

آقای علیزاده - قید «مگر اینکه»، در این تبصره به «تقاضای محکوم‌له» برمی‌گردد دیگر. اگر طلبکار بگوید من سهم نمی‌خواهم به او می‌گویند منزل مسکونی را بفروش.

آقای شب‌زنده‌دار - تبصره (۲) این طور است.

آقای یزدی - اصل اشکال شورای نگهبان این بوده است: «در تبصره یک ماده (۲۶) اطلاق فروش توسط مرجع اجراءکننده در موردی که محکوم‌علیه شخصاً حاضر به فروش بوده است، خلاف موازین شرع شناخته شد ...».

آقای مدرسی یزدی - بحثی از تقاضا در این ماده نیامده است. کجای این ماده چنین چیزی را نوشته است؟

آقای علیزاده - چرا دیگر.

آقای مدرسی یزدی - کجا دارد؟

آقای یزدی - مصوبه‌ی اصلاحی می‌گوید طرفین می‌توانند قبل از وارد شدن دستگاه اجرایی به توافق برسند. اصل اشکال همین بوده است.

آقای علیزاده - تبصره (۱) می‌گوید «... به تقاضای محکوم‌له به وسیله‌ی مرجع اجراءکننده» [منزل مسکونی به فروش می‌رسد].

آقای مدرسی یزدی - محکوم‌له به مدیون می‌گوید پول من را بده.

آقای علیزاده - خب، این را می‌دانم؛ بقیه‌اش هم همین است.

آقای مدرسی یزدی - باز ذیل همین تبصره می‌گوید محکوم‌علیه می‌تواند سهم مشاع هم به محکوم‌له بدهد. ظاهر این است که منظور از گرفتن سهم مشاع، یعنی اگر محکوم‌له راضی است این کار را بکند. به هر حال اگر این تبصره ابهامی دارد، بفرمایید.

آقای رهپیک - بله دیگر، محکوم‌له باید راضی باشد؛ بدون رضایت که نمی‌شود.

آقای علیزاده - اگر راضی نباشد که هیچی.

آقای یزدی - اشکال تبصره (۱) حل شده است.

آقای شب‌زنده‌دار - این استثنایی که در آخر تبصره (۲) آمده است: «... مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد»، یعنی چه؟

آقای علیزاده - این موضوع نخستین، همان مستثنیات دین یا خانه است.

آقای شب‌زنده‌دار - من عرض می‌کنم که این یعنی چه؟ حرف این است که اگر در این موارد ما می‌گوییم برخی اموال مدیون

آقای مدرسی یزدی - مقصود قانون‌گذار از این که می‌گوید: «... یا طلبکار امکان‌پذیر باشد» معلوم است؛ یعنی طلبکار باید به رضایت خود تصریح کند.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا این موضوع که در تذکر شورا بوده است؛ شما تذکر دادید که آن را اصلاح کنند.

آقای مدرسی یزدی - نه، تبصره (۱) در آنجا که می‌گوید: «... یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد ...»؛ معلوم است که مرادش این است که طلبکار باید راضی باشد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - یعنی اگر تصریح به رضایت طلبکار بکنند خوب است.

آقای علیزاده - این مشخص است.

آقای مدرسی یزدی - یک‌وقت، مدیونی نباید به طلبکار بگوید خب، ما یک سهم مشاعی به شما می‌دهیم، ولی پول نمی‌دهیم.

آقای رهپیک - اگر طلبکار می‌خواهد وارد ملک مدیون بشود، او باید به این کار رضایت بدهد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، خود مدیون که به این کار راضی است؛ اینکه معلوم است.

آقای ابراهیمیان - این پول را به شخص ثالث می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - نه، ممکن است طرف ثالثی هم پیدا شود که مدیون به این فرد می‌گوید که من تو را شریک می‌کنم.

آقای رهپیک - طلبکار را می‌فرمایید.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای رهپیک - خب، باید سهم مشاع را به طلبکار بدهند تا او هم راضی باشد دیگر.

آقای یزدی - اشکال شورا نسبت به تبصره (۱) رفع شده است.

آقای مدرسی یزدی - این طور که در این مصوبه آمده است، مدیون می‌گوید نه، اگر طلبکار راضی هم نباشد من این را به او می‌دهم؛ چون از من طلب دارد.

آقای علیزاده - نه.

آقای ابراهیمیان - نه، سهم مشاع را به خود دائن نمی‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر، تبصره (۱) گفته است: انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد. دائن هم یعنی طلبکار دیگر.

آقای یزدی - چرا باید دستگاه دیگری وارد بحث فروش منزل مسکونی مدیون بشود؟ اشکال شما به این مصوبه، همین بود دیگر.

آقای ره‌پیک - خرید جدید از نوع مستثنیات دین را می‌گویید دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، از مستثنیات.

آقای علیزاده - مثلاً اگر مدیون می‌خواهد این خانه را بفروشد و برود یک خانه‌ی کوچک‌تر بخرد، آقایان می‌گویند می‌تواند خانه را بفروشد و به جای خرید خانه، برود یک ماشین بخرد.

آقای شب‌زنده‌دار - که آن هم جزء مستثنیات است.

آقای هاشمی شاهرودی - جمله‌ی پایانی تبصره (۲) که با آوردن کلمه‌ی «دارد» خراب شد. عکس این شد.

آقای شب‌زنده‌دار - نه.

آقای ره‌پیک - نه، بخش قبلی این تبصره را منفی کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - همه‌ی این جمله را می‌خوانیم: «محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد». اینجا کلمه‌ی «ندارد» باید در عبارت باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، کلمه‌ی «دارد» درست است.

آقای علیزاده - بله، کلمه‌ی «دارد» درست است.

آقای مدرسی یزدی - بقیه‌ی این تبصره را هم اصلاح کرده‌اند. اصلاً شاکله‌ی آن را عوض کرده‌اند.

آقای علیزاده - مدیون نمی‌تواند بگوید من ماشینم را می‌فروشم و با پول آن خانه می‌خرم. این تبصره، به او اجازه می‌دهد که همان ماشین را بخرد.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، فرض کنید که شهرداری آمده است و خانه‌ی مدیون را خراب کرده است و پول خانه را هم به او داده است. مدیون هم به کسی بدهکار است. خب، الان مدیون می‌گوید من با این پولی که شهرداری به من داده است، نمی‌خواهم خانه بخرم، ولی با آن پول، ماشین می‌خرم؛ چون به ماشین بیشتر احتیاج دارم.

آقای ابراهیمیان - یا می‌خواهم ماشینم را بفروشم و با پول آن، پول پیش خانه‌ام را بدهم.

آقای شب‌زنده‌دار - بله مثلاً؛ اما تبصره (۲) می‌گوید نه، مدیون فقط باید همان مورد اولی را بخرد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مدیون باید این پول را برای هر چیزی که مورد نیازش است خرج کند.

آقای شب‌زنده‌دار - البته ما هم اصل این مطلب را قبول داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - ما باید بگوییم «موضوع نخستین»، یعنی آن موضوع یکی از مستثنیات دین باشد.

آقای ابراهیمیان - «موضوع نخستین» را به عنوان بزنید.

استثنا می‌شود، یعنی لازم نیست دین از آن اموال پرداخت شود. اینکه مدیون بخواهد صرف موضوع نخستین بکند، شاید می‌خواهد آن را صرف یکی از مستثنیات دیگر که الان احوج به آن است بکند.

آقای ابراهیمیان - مثلاً مرکب بخرد.

آقای شب‌زنده‌دار - مثلاً، یا مستثنیات دینش، مرکب بوده است و الان می‌خواهد با پول آن خانه بخرد. بنابراین نمی‌خواهد صرف موضوع نخستین بکند. ما باید بگوییم می‌خواهد صرف یکی از مستثنیات دین بکند.

آقای علیزاده - خب، این را نمی‌توانیم بگوییم.

آقای شب‌زنده‌دار - چرا حتماً باید موضوع نخستین باشد؟ حالا اگر مثلاً شهرداری می‌خواهد خانه‌ی مدیون را خراب کند و پولش را بدهد، و مدیون با پولی که از شهرداری بابت خانه‌اش گرفته است، نمی‌خواهد خانه بخرد، [چرا نباید بتواند مصداق دیگری از مستثنیات دین را بخرد].

آقای علیزاده - ما اجازه می‌دهیم مدیون آن پول را به مستثنیات دیگر تبدیل کند؟

آقای مدرسی یزدی - خیلی مشکل است.

آقای علیزاده - این موضوع قبلاً [در مرحله‌ی نخست بررسی این مصوبه در شورای نگهبان] در خدمت شما بحث شد.

آقای ره‌پیک - بله، درباره‌ی این موضوع قبلاً بحث شد، شما هم گفتید نه نمی‌تواند.

آقای علیزاده - آقایان این موضوع را در آن زمان در خدمت شما بحث کردند. فرمودید که اگر قرار بر این باشد که خانه را بفروشد فقط می‌تواند با پول آن خانه بخرد و اگر ماشینش را بفروشد، ماشین کوچک‌تر بخرد.

آقای شب‌زنده‌دار - یا مستثنیات دینی که احوج به آنها است، بخرد.

آقای علیزاده - چنین اجازه‌ای معلوم نیست داشته باشد.

آقای ره‌پیک - قبلاً در این مورد بحث شد. بحث این بود که پس دادن دین کسی که دائن است بر اینکه مدیون یک چیز جدیدی بخرد، اولویت دارد.

آقای علیزاده - بله، آقایان همگی گفتند همان موضوع نخستین باید خریداری شود. این در بالا هم بحث شد.

آقای ابراهیمیان - نه، می‌تواند مستثنیات جدید هم تهیه کند.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، مدیون می‌تواند برود و با پول فروش مستثنیات دین یک خرج دیگر بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس تبصره (۲) را این طوری تغییر بدهد؛ بگوید مدیون قصد خرید یکی از مستثنیات دین را داشته باشد. یعنی در این تبصره بگوییم: «مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه یکی از مستثنیات دین را دارد».

آقای مدرسی یزدی - این تغییر چه دلیلی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - خب، اگر از مستثنیات دین باشد، مدیون باز هم می‌تواند آن را خریداری کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، ما به اصل این موضوع هم شبهه داریم. وقتی یکی از مستثنیات دین تبدیل به پول شد، موضوع فرق می‌کند. قدر متیقن همین است دیگر. واقع امر این است که من این را نمی‌فهمم.

آقای هاشمی شاهرودی - مدیون به این مستثنیات جدید نیاز دارد.

آقای مدرسی یزدی - قدر متیقن از خروج حکم، این است که مدیون مستثنیات دین را تبدیل به همان موضوعی کند که قبلاً بوده است. ما بیشتر از این را نمی‌خواهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، آقایان فقها در این موارد، در فتوا توسعه داده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - توسعه نداده‌اند. ایشان [= آقای شب زنده‌دار] می‌گوید که مدیون پول خانه را به خانه تبدیل نکرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا، فقها در این زمینه به توسعه [در مستثنیات دین] قائل شده‌اند.

آقای شب‌زنده‌دار - نتیجه چه شد؟

آقای ره‌پیک - نتیجه این شد که اگر به همان موضوع نخستین برگردد، اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - الآن نظر من هم این است که به همین قدر متیقن باید اکتفا کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - قید «موضوع نخستین» درست نیست؛ باید بگوییم «یکی از مستثنیات دین» در عبارت بیاید.

آقای ره‌پیک - خب، همین موضوع آن‌دفعه [= در مرحله‌ی نخست بررسی این مصوبه در شورا] بحث شد. آقایان فقها گفتند وقتی یکی از مستثنیات دین تبدیل به پول شد [باید به همان چیز تبدیل شود].

آقای هاشمی شاهرودی - اگر این طور است، پس تبصره (۲) بگوید حتی [نیازی نیست که به] موضوع نخستین تبدیل شود.

آقای مدرسی یزدی - اشکال همین است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب ملتزم باشند؛ ماشین هم مثل خانه است.

آقای علیزاده - من می‌گویم مثلاً من که مدیون هستم می‌توانم ماشین داشته باشم؟ شما می‌گویید بله، بیا یک ماشین در شأن خودت بخر. اما من می‌خواهم ماشینم را به دویست میلیون تومان بفروشم و پول آن را برای خانه‌ام هزینه کنم.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، مدیون در اینجا به حکم قانون، ملزم به رعایت موضوع نخستین است.

آقای علیزاده - آقایان می‌گویند شمای مدیون، ماشین فعلی‌ات را بفروش و با بیست میلیون تومان آن یک پیکان بخر که در شأن شما هم است و صد و هشتاد میلیون تومان باقی‌مانده از پول ماشین را به طلبکار بده؛ اما مدیون می‌گوید من می‌خواهم با همی این دویست میلیون تومان خانه بخرم. چنین چیزی می‌شود؟ مدیون آن زمانی که بدهکار بود خانه نداشت، اما حالا که می‌خواهد دینش را بدهد ما امکاناتی بالاتر به او بدهیم؟!

آقای یزدی - در این صورت، مدیون نمی‌تواند خانه‌ی ملکی تهیه کند، باید در خانه‌ی اجاره‌ای زندگی کند.

آقای هاشمی شاهرودی - مدیون در خانه‌ی اجاره‌ای باید مال‌الاجاره بدهد. به جای آن که اجاره بدهد، می‌خواهد پولش را در کار تجارت بگذارد.

آقای یزدی - مدیون باید در خانه‌ی اجاره‌ای زندگی کند.

آقای شب‌زنده‌دار - در تبصره (۲)، فرض بر این است که مدیون [مجبور به تبدیل مستثنیات دین شده است]. مفاد این تبصره فعلاً همین است که مدیون ملزم است مستثنیات دین را بفروشد و آنها را تبدیل کند.

آقای مدرسی یزدی - چنین فرضی ممکن است.

آقای ابراهیمیان - منتها بحث خارج کردن از سقف و امثال آن در اینجا موضوعیت و مصداق پیدا می‌کند.

آقای ره‌پیک - آن بحثی جدا است.

آقای ابراهیمیان - نه، من عرضم این است که وقتی مدیون [اجباراً] ماشینش را فروخت، [حالا به آن پول برای تهیه‌ی خانه نیاز دارد].

آقای علیزاده - من هم همین را دارم می‌گویم. الان اگر من یک ماشین گران‌قیمت دارم ولی خانه ندارم، نمی‌توانم ماشینم را بفروشم و با پول آن یک خانه بخرم؛ [چون الان می‌توانم آن ماشین را بفروشم و طلب طلبکارانم را بدهم].

آقای یزدی - نباید خانه بخرم؛ برای اینکه من می‌توانم در خانه‌ای اجاره‌ای هم زندگی کنم.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، این‌طور در حرج هستم. فرض بر این است که من مدیون دو نیاز مبرم دارم، ولی پول کافی برای تهیه‌ی هر دو آنها ندارم.

آقای علیزاده - خیلی خب، این اشکال رأی ندارد. ما باید عبارت را توجیه بکنیم. این فرمایش آقایان خوب است که می‌گویند ممکن است که مدیون در حرج قرار گیرد. اگر شما هم به این موضوع رأی بدهید، فرمایش خوبی است.

آقای ابراهیمیان - اینکه دیگر از ادله‌ی مستثنیات دین نیست؛ آن یک قانون دیگر است.

آقای علیزاده - این مصوبه در مورد تبدیل یکی از مستثنیات دین به یکی دیگر از مستثنیات دین ساکت است.

آقای یزدی - نمی‌شود این کار را کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - ذیل تبصره (۲) همین را می‌خواهد بگوید؛ می‌خواهد بگوید که اگر مدیون قصد تبدیل مستثنیات دین را دارد، وصول محکوم‌به از آن امکان‌پذیر می‌شود.

آقای علیزاده - این تبصره می‌خواهد تبدیل مستثنیات دین را ممنوع کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره می‌خواهد بگوید اگر مدیون قصد تبدیل دارد، پس از تبدیل وصول محکوم‌به از آن امکان‌پذیر می‌شود، ولی ما می‌گوییم این قصد هم درست است اما نه با قید «موضوع نخستین» بلکه با قید «مستثنیات دین».

آقای یزدی - آیا تبدیل قبل از طرح دعوی طلبکار و بدهکار هم مطرح است؟

آقای علیزاده - هر چه که باشد، این ایراد، رأی نیاورد.

آقای هاشمی شاهرودی - مدیون می‌تواند هر چه مورد نیازش باشد و نبودش برای او عسر و حرج داشته باشد، [از فروش مستثنیات دین برای خود بگیرد].

آقای ره‌پیک - در این صورت، اینها بعداً جزء مستثنیات دین می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، اینها از اول هم جزء مستثنیات دین بودند.

آقای مدرس‌ی یزدی - آن ماشین خصوصیتی ندارد؛ «لایخْرُج الرَّجُلُ عَنِ ظِلِّ رَأْسِهِ بِالذِّينِ».

آقای ابراهیمیان - نه، برای اینکه ما خانه‌ی مدیون را از او نمی‌گیریم. در این صورت که خانه‌اش را از او نگیریم.

آقای مدرس‌ی یزدی - چرا؛ گرفتیم.

آقای ابراهیمیان - نگذاشتیم مدیون خانه‌دار بشود؛ چون خانه‌اش را از او گرفتیم.

آقای مدرس‌ی یزدی - واقعاً ما همین اندازه را هم [قطعاً] نمی‌دانیم، چه برسد به اینکه [بخواهیم تبدیل آن به مستثنیات دین جدیدی را تجویز کنیم].

آقای شب‌زنده‌دار - حالا اگر کسی قبول کرد، بگوید.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند در تبصره (۲) ماده (۲۶)، قید تبدیل به «موضوع نخستین» اشکال دارد، بفرمایند.

آقای شب‌زنده‌دار - ما اشکال داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - قید «موضوع نخستین» لازم نیست. این تبصره باید بگوید: مگر آنکه قصد تبدیل به هر چیزی که از مستثنیات دین است، داشته باشد. مجلس باید این تبصره را اصلاح کند؛ یعنی باید بگوید: مگر اینکه مدیون قصد تهیه‌ی یکی از مستثنیات دین را داشته باشد.

آقای علیزاده - راجع به این اشکال، دو رأی داریم. حاج‌آقای مدرس‌ی، حاج‌آقای یزدی، شما هم به این اشکال رأی می‌دهید؟
آقای هاشمی شاهرودی - مجلس باید این تبصره را اصلاح کند.

آقای یزدی - من می‌گویم اشکال شورای نگهبان به تبصره (۲) رفع شده است. اشکالی که شورا داشته است فقط این بود که دستگاه‌های اجرایی در جایی که خود بدهکار و طلبکار می‌توانند با هم کنار بیایند، نباید دخالت کنند. الان آقایان نمایندگان آمده‌اند و برای این موضوع، صَوْری را ذکر کرده‌اند.

آقای علیزاده - الان فرمایش حضرات آقایان این است که می‌گویند اگر مدیون بگوید من بدهکار، یک خانه دارم که می‌خواهم آن را بفروشم و با پول آن یک ماشین در شأن خودم بخرم، اشکالی دارد یا ندارد؟

آقای یزدی - مدیون حق فروش داشته یا نداشته است؟

آقای علیزاده - نداشته است.

آقای یزدی - پس اگر حق فروش نداشته است، [حق تبدیل هم ندارد].

آقای هاشمی شاهرودی - اینکه در جریمه‌ی مدیون تخفیفی داده شده است، چه اشکالی دارد؟
آقای یزدی - نه، این دومی بعد از اینکه مدیون آن را قبضه کرده است، جزء مستثنیات دین نیست؛ مثل ماشینی که من نداشتم و در حال زندگی آن را خریده‌ام.
آقای علیزاده - الآن منظور ما ماده (۲۷) است. پس آقایان به این ماده اشکالی ندارند.

آقای مدرسی یزدی - نه، اجازه بدهید در مورد این ماده مقداری بحث کنیم.

آقای علیزاده - من یک بار ماده (۲۷) سابق را می‌خوانم: «ماده ۲۷- چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم‌علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد، خارج از شمول مستثنیات دین است.»

آقای یزدی - ماشینی که مدیون خریده است جزء مستثنیات دین نیست؛ خانه‌ای که خریده است هم جزء مستثنیات دین نیست، چرا؟ چون او قبل از طرح پرونده‌ی طلبکار و بدهکار در خانه‌ی اجاره‌ای نشسته بوده است، ماشین هم نداشته است و با ماشین عمومی رفت و آمد می‌کرده است، اما حالا آمده است و با پولی که قرض کرده است یا با پولی که باید آن را بابت بدهی‌اش بپردازد، خانه و ماشین مطابق شأنش خریده است. حالا با این اوصاف، آقای مدرسی می‌گویند این شخص را از زیر سایه‌بانش بیرون نکنید! مدیون اصلاً حق نداشته است که این سایه‌بان را بخرد؛ برای اینکه قبل از اینکه بدهی داشته باشد، در خانه‌ی اجاره‌ای سکونت داشته و با ماشین‌های عمومی رفت و آمد می‌کرده است. مدیون در واقع پول مردم را گرفته است و رفته است با آن پول، ماشین و خانه برای خودش خریده است. خوب، بیخود خریده است. چنین خانه‌ای، جزء مستثنیات دین نیست.

آقای مدرسی یزدی - خوب، اجازه بدهید من هم عرضی دارم. آقایان توجه بفرمایید؛ یک کسی می‌داند اگر پولی برای خرج زن و بچه‌اش و برای هزینه‌ی خانه‌اش قرض کند، نمی‌تواند الآن آن را پس بدهد ...

آقای یزدی - خانه را قبول ندارم.
آقای مدرسی یزدی - حالا اجازه بدهید؛ این شخص می‌آید و یک پولی قرض می‌کند و با آن خانه‌ای می‌خرد، از باب اینکه

آقای ره‌پیک - نیست؛ الآن که [با فروش یکی از مستثنیات دین] پول در دست مدیون است. حالا مدیون بعداً می‌خواهد با این پول‌ها، مستثنیات دین جدید درست کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، وضع او این‌طور است؛ حالا نیاز به مستثنیات جدید دارد.

آقای ابراهیمیان - ما چیزی از مدیون نگرفتیم. ما جلوی دارا شدن او را گرفتیم.

آقای علیزاده - خیلی خوب، بحث معلوم است؛ این اشکال رأی ندارد.
منشی جلسه - [بند (۱۴) اشکالات شورای نگهبان]: «۱۴- ماده (۲۷)،^۱ از جهت شمول نسبت به موردی که تبدیل به یکی از مستثنیات دین شده است، خلاف موازین شرع شناخته شد.»
 مجلس برای اصلاح این ماده گفته است: «در انتهای ماده (۲۷)، عبارت «خارج از شمول مستثنیات دین است» حذف و عبارت «به عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء و مابقی به وی مسترد خواهد شد» جایگزین گردید.»

آقای علیزاده - حاج آقای مدرسی همان حرف سابق خود را در اینجا هم دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، آن اشکال، در این ماده (۲۷) شدیدتر است.

آقای ره‌پیک - بله، در اینجا شدیدتر است.

آقای مدرسی یزدی - در اینجا شدیدتر است؛ واقعاً ما چطور چنین کسی را جریمه کنیم؟

آقای ره‌پیک - ماده (۲۷) در ادامه می‌گوید که محکوم‌علیه را جریمه کنید و باقی اموالش را به او برگردانید. این یعنی چه؟
آقای شب‌زنده‌دار - بله دیگر، می‌گوید فقط به اندازه‌ی محکوم‌به از اموال محکوم‌علیه برداشته می‌شود.

آقای علیزاده - مدیون به اندازه‌ی دینش جریمه می‌شود؛ بیشتر از آن که جریمه نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - این‌طور که نمی‌شود. این ماده می‌گوید محکوم‌علیه را جریمه کنید و از او استیفاءی دین کنید، بقیه‌ی اموال را هم به او برگردانید.

۱. ماده (۲۷) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۷- چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم‌علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد، خارج از شمول مستثنیات دین است.»

آقای یزدی - فعلاً فرض بر این است که الآن مدیون باید پول طلبکار را پس بدهد.

آقای مدرسی یزدی - نه، ممکن است که این ماده فقط این فرض را نگفته باشد.

آقای یزدی - الآن فرض بر این است که موقع ادای دین رسیده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این ماده چنین فرضی را نگفته است. اطلاق این ماده شامل دینی که سررسید آن یک ماه دیگر است هم می‌شود.

آقای یزدی - فرض این ماده، این نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه، این ماده اطلاق دارد و شامل این مورد هم می‌شود.

آقای یزدی - نه، شامل این مورد نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - اطلاق این ماده شامل دینی که سررسیدش یک ماه دیگر است هم می‌شود. مدیون برای اینکه مجبور نباشد پول دین را بدهد، می‌رود و با آن یک خانه‌ای می‌خرد که جزء مستثنیات دینش بشود. درباره‌ی اینکه این کار حرام باشد یا نباشد، ما نمی‌توانیم بگوییم که این کار حرام است. من ندیدم کسی [از فقها قائل به حرمت باشد].

آقای شب‌زنده‌دار - بعضی از [اصولیون]، در مورد مقدمات مُفَوَّتَه^۱ می‌گویند [که انجام دادن آن مقدمات، واجب است].

آقای مدرسی یزدی - نه، حالا بعضی این را می‌گویند، ولی دلیلی ندارد که این نظر حتماً درست باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - این کار، تعجیز نفس ندارد.

آقای مدرسی یزدی - معلوم نیست که این کار اشکال داشته باشد؛ چون آن حرف در تعجیز شرعی است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر هنوز زمان ادای دین نیامده است، این کار مدیون فرار از دین نیست.

آقای مدرسی یزدی - خب، ماده (۲۷) این مطلب را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - این کار، فرار عرفی است.

مصادق «فنظرة الي میسر» بشود، نه اینکه قصدش این باشد که اصلاً بدهی خود را پرداخت نکند. خب، انجام این کار حرام است، اما چرا مدیون این کار را می‌کند؟ به منظور فرار از تأدیه‌ی بالفعل بدهی این کار را می‌کند، نه از باب تأدیه‌ی ابدی؛ یعنی قصد شخص این است که هر وقت توانست بدهی خود را پرداخت کند.

آقای یزدی - یعنی مدیون الآن که رفته است و برای خودش خانه خریده است، می‌تواند بدهی‌اش را بدهد.

آقای مدرسی یزدی - فرض بر این است. حالا من این را هم عرض می‌کنم.

آقای هاشمی شاهرودی - این کار، فرار از ادای دین نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - آنچه مجلس آن را جرم‌انگاری کرده است، فرار از ادای دین و قصد عدم پرداخت آن از اول است که شرعاً هم حرام است؛ اما این فرضی که شما می‌گویید، اصلاً حرام نیست و نباید آن را جرم فرض کرد.

آقای یزدی - اگر مدیون پول دارد باید بیاید و بدهی مردم را بدهد. مدیون بیخود رفته است و برای خودش خانه خریده است.

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۲۷) در موردی بحث می‌کند که جرمی واقع شده است؛ یعنی جرم واقع شده است و مدیون خلاف کرده است. بنابراین می‌خواهند او را به خاطر این کارش جریمه کنند.

آقای ره‌پیک - این اشکالی ندارد، ولی ذیل ماده (۲۷) [که می‌گوید اخذ جریمه و سپس استرداد باقی مال خریداری شده به محکوم‌علیه]، واقعاً از نظر حقوقی اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - عیبی ندارد؛ محکوم‌علیه را جریمه می‌کند. حالا این ماده دارد جریمه را کم می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - من عرض می‌کنم اطلاق ماده (۲۷) ایراد دارد. من فعلاً درباره‌ی این قسمت از ماده که می‌گوید: از بدو

امر قصد عدم تأدیه‌ی دین را داشته باشد، حرفی ندارم؛ در مورد آن هیچ حرفی ندارم، [اما عبارت بعدی این ماده، اطلاق

دارد و شامل دینی که سررسید نشده است هم می‌شود]. مدیون بعد از اینکه پول دارد، می‌بیند اگر این پول را ننگه بدارد، دادگاه

[در زمان سررسید دینش]، به او می‌گوید پول مردم را بده؛ [در نتیجه، با آن پول، خانه‌ای می‌خرد که دادگاه فعلاً پول را از او

نگیرد].

۱. «مقدمه مفوتّه، مقدمه‌ای است که اگر پیش از فرا رسیدن وقت ذی‌المقدمه انجام نگیرد، سبب تفویت ذی‌المقدمه در وقت خودش می‌گردد؛ مانند اینکه وظیفه‌ی مکلف پیش از موسم حج، تهیه‌ی گذرنامه و پیمودن مسافت است تا بتواند در زمان حج، آن مناسک را به‌جا آورد.» مرکز اطلاعات مدارک اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، به کوشش جمعی از محققین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۸۹، ص ۷۸۲، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/xe98H

را عوض کنیم. اگر کسی موضوع را به نحو شرعی عوض کند، عیبی ندارد. مگر مدیون چه کار کرده است که جریمه شود؟ اولاً ما نمی‌دانیم این کار او حرام است یا نه؛ ثانیاً این معامله از لحاظ وضعی هم صحیح است؛ پس برای چه مدیون را جریمه کنیم؟ امام خمینی (ره) در کجا گفته‌اند که این کار حرام است که ما بر اساس آن مدیون را جریمه کنیم؟

آقای یزدی - چون مدیون می‌دانسته است که یک ماه دیگر باید پول طلبکار را بدهد.

آقای مدرسی یزدی - نه، به این صورتی که من گفتم، این‌طور نیست.

آقای سوادکوهی - نه، در این ماده، شرط ذکر شده است. به نظر شما با این شرط باز هم این ماده اشکال دارد؟

آقای مدرسی یزدی - کدام شرط؟

آقای سوادکوهی - این ماده، شرط آورده است؛ گفته است باید ثابت شود که مدیون از بدو امر قصد عدم تأدیه‌ی دین را داشته است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این یک قسم از آن است.

آقای سوادکوهی - نه خب، همین قصد خیلی مهم است.

آقای مدرسی یزدی - این ماده گفته است که یا قصد تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین داشته باشد.

آقای ره‌پیک - خب، همین عبارت هم قید دارد.

آقای مدرسی یزدی - عبارت، کلمه‌ی «یا» دارد. در اینکه مدیون به منظور فرار از پرداخت دین این کار را کرده است، حرفی نیست. اگر به منظور فرار هم این کار را کرده باشد، قبول است؛ منتهای مراتب، این فراری است که به خاطر گرفتار بودن زن و بچه‌اش انجام داده است. این حالت اضطرار است.

آقای هاشمی شاهرودی - شما مگر اهل لغت نیستید؟! به جایی که هنوز وقت ادای دین فرا نرسیده است، فرار گفته نمی‌شود. این فرار از آینده است.

آقای مدرسی یزدی - چرا فرار از آینده است؟ عرفاً به این کار، «فرار» می‌گویند.

آقای یزدی - وقتی مدیون پول مردم را ندهد، [می‌گویند که او فرار از پرداخت دین کرده است].

آقای مدرسی یزدی - نه، فرض کنید که مدیون در تهیه‌ی مستثنیات دین اضطرار داشته باشد. اگر در این صورت هم بگوییم باید او را جریمه کنیم، ایراد دیگری هم دارد. چون این جریمه اولاً و بالذات مال دولت است؛ یعنی شما می‌خواهید

آقای یزدی - مدیونی که می‌داند یک ماه دیگر زمان ادای دینش فرا می‌رسد و باید پول مردم را بدهد، اگر می‌داند که بعداً [در زمان سررسید دین] پولی ندارد که بدهد، الآن باید برود و پول مردم را پس بدهد.

آقای مدرسی یزدی - آن چیزی که شما از ماده (۲۷) می‌فهمید با آنچه الآن از این ماده فهمیده می‌شود فرق می‌کند. فرض این است که مدیون واقعاً با این قصد نیامده است خانه‌ای را بخرد. دین او هنوز حال نشده است. مدیون از باب اینکه «فَنظَرَةُ الي مَيْسَرَةٌ» است، می‌رود و خانه‌ای می‌خرد که زن و بچه‌اش در آن زندگی کنند.

آقای یزدی - فرض ما این است که الآن زن و بچه‌ی مدیون هم دارند زندگی می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، ما فرض می‌کنیم آنها کنار خیابان هستند.

آقای یزدی - فرض این است که زن و بچه‌ی او در کنار خیابان نیستند.

آقای مدرسی یزدی - حالا این را هم فرض می‌کنیم. عرض من در مورد اطلاق ماده (۲۷) است. الآن واقعاً برخی افراد خانه ندارند و دربه‌در هستند؛ دارند زیر چادر زندگی می‌کنند. مدیون به خاطر اینکه مجبور نباشد پولش را به طلبکار بدهد، می‌آید و پول را به یک منزلی تبدیل می‌کند. من فکر نمی‌کنم که مشهور فقها قائل به حرمت این کار شده باشند. حرمت این کار، فتوای مشهور فقها که نیست. من فکر نمی‌کنم که امام خمینی (ره) هم در جایی حرمت این کار را بیان کرده باشد. علی‌القاعده هم این کار حرمت ندارد.

آقای ره‌پیک - آخر شما می‌فرمایید که دین مدیون هنوز حال نشده است. اگر دین مدیون محرز شده باشد، چه می‌گویید؟
آقای مدرسی یزدی - بعد از اینکه دین مدیون حال شده باشد، [نمی‌تواند خانه‌ای بخرد، ولی] قبل از اینکه دین مدیون حال شده [باشد، ایرادی ندارد].

آقای شب‌زنده‌دار - یعنی می‌فرمایید مستطیع می‌تواند کاری کند که نتواند حج انجام بدهد؟!

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ من اصلاً کاری می‌کنم که مستطیع نشوم؛ چه عیبی دارد؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، مستطیع نشدن یک حرف دیگری است.

آقای مدرسی یزدی - نه، خب مستثنیات دین هم همین‌طور است. ما موضوع را عوض کنیم؛ چون عیبی ندارد که موضوع

صورتی که سررسید بدهی‌اش] ولو در آینده باشد، مثلاً یک ماه دیگر باشد، هم درست است؟ این را به هر دادگاهی، بدهید قبول نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، اطلاق ندارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر این ماده بگوید به شرطی که بدهی سررسید شده باشد، بهتر است. حداقل شما به این ماده ابهام بگیرید. ابهام بگیرید؛ چون واقعاً ابهام دارد. برای اینکه ممکن است دین مدیون سه روز دیگر یا یک ماه دیگر حال می‌شود.

آقای علیزاده - آیا مجلس نمی‌تواند بیاید و بگوید کسی که از اول قصدش این باشد که مال مردم را بگیرد و به آنها برنگرداند، متخلف است؟

آقای مدرسی یزدی - نه، مجلس در همه‌جا نمی‌تواند چنین چیزی را بگوید.

آقای یزدی - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - نخیر.

آقای علیزاده - اگر مجلس بگوید چنین شخصی متخلف است [چه اشکالی دارد؟] اگر مجلس بیاید و بگوید که من می‌گویم که این کار تخلف است و برای این تخلف جریمه تعیین می‌کنم، این کار، چه اشکالی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - اصلاً اگر مدیون مال مردم را برنگرداند و قصدش هم همین باشد، ولی پولش را خرج امور ضروری‌اش بکند، موضوع «فَنْظَرَةُ الْيَمِيسِرَةِ» می‌شود.

آقای علیزاده - نه، شما این ماده را بخوانید: «۲۷- چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم‌علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین...»

آقای یزدی - شرط حکم این ماده، همین [= قصد عدم تأدیه‌ی دین] است.

آقای مدرسی یزدی - ادامه‌ی عبارت را بخوانید که گفته است «... یا...».

آقای علیزاده - «... یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد خارج از شمول مستثنیات دین است.» این یعنی از اول، کار مدیون به منظور فرار از تأدیه‌ی دین بوده است؛ مدیون از اول قصد عدم پرداخت داشته است.

آقای مدرسی یزدی - بله، اینکه عیبی ندارد. اگر جریمه‌ی

بیایید و این چیزی که مال دولت است را از خزانه بردارید و به این آقای طلبکار بدهید.

آقای علیزاده - ما این را پذیرفتیم که اموال را به طلبکار بدهند. این، اشکالی ندارد. شما قبلاً این موضوع را پذیرفته‌اید.

آقای مدرسی یزدی - خب، مصلحت این کار چیست؟ چه مصلحت ملزومه‌ای وجود دارد که پول را از این مدیون بدیخت بگیرید و آن را به خزانه بریزید، بعد هم آن را به این آقای طلبکار بدهید که چه بسا یک آدم میلیاردری هم باشد. من واقعاً اطلاق ماده (۲۷) را نسبت به این صورت قبول ندارم.

آقای علیزاده - قرار است مدیون بدهی‌اش را جبران کند.

آقای مدرسی یزدی - آخر ادای دین به این اندازه و این‌طوری مصلحت نیست. شما اطلاق این ماده را نسبت به این صورتی که عرض کردم، [ایراد بگیرید.] من حداقل این اطلاق را خلاف شرع می‌دانم.

آقای شب‌زنده‌دار - ما هم در این باره در مجمع مشورتی فقهی قم بحث کردیم. ممکن است انجام این کار از راه مقدمات مفوّته و تعجیز نفس حرام باشد. شما الآن این موضوع را به طور قطع رد نمی‌کنید. خب، از همین جهت اعضای مجمع مشورتی فقهی هم گفتند در صورت انجام این کار، مدیون گناه کرده است و ما می‌توانیم او را جریمه کنیم.^۱ بالاخره ما در این باره یک فتوای مسلمی پیدا نکردیم که الآن طبق آن نظر بدهیم؛ نه فتوای مقام معظم رهبری و نه فتوای امام خمینی (ره) و نه فتوای فقهای مشهور معاصر؛ فلذا ما در این باره ممتنع هستیم. البته این حرف من به این معنا نیست که ما می‌گوییم این مورد حتماً خلاف شرع نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای ره‌پیک - نه، آقای مدرسی می‌گوید این کار مدیون، فرار از دین است.

آقای مدرسی یزدی - فرار از تأدیه‌ی دین است.

آقای ره‌پیک - خیلی خب.

آقای مدرسی یزدی - یعنی [اخذ جریمه از محکوم‌علیه در

۱. «اطلاق اخذ جریمه از جهت شمول نسبت به جایی که دین مؤجل باشد و قبل از رسیدن وقت اداء دین، آن را تبدیل به یکی از مستثنیات دین نموده باشد، مشکل است و اخذ جریمه از او وجهی ندارد، مگر اینکه بر اساس مبنای حرمت تفویت مقدمات مفوّته نتواند اقدام به تبدیل نماید.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/oEIQe

مورد ماده (۲۸) داشتیم.^۲ مجلس در این اصلاحیه، کلاً این ماده را حذف کرده است.^۳ [بند (۱۶) اشکالات شورای نگهبان: «۱۶- در ماده (۲۹) چون بعضی از مواردی که در این مواد آمده نسبت به اشخاص حقوقی به نحوی که برای اشخاص حقیقی قابل اعمال است نمی‌شود اعمال نمود، باید این ماده به شکل صحیح تدوین گردد و الاً اشکال دارد.» ماده (۲۹) به این ترتیب اصلاح شده است: «ماده ۲۹- احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم‌علیه، اعسار و مستثنیات دین، حسب مورد در مواردی که محکوم‌علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است.»

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۲۹) خوب است؛ یعنی مجازات‌های مالی شامل اشخاص حقوقی هم می‌شود.

منشی جلسه - بله، این ماده، اصلاح شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهراً اصلاح شده است.

منشی جلسه - [بند (۱۷) اشکالات شورای نگهبان: «۱۷- در ماده (۳۲) با توجه به نسخ قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷، با ابقای ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده^۶ که به ماده (۲) قانون مذکور ارجاع داده، صحیح نمی‌باشد. بنابراین باید به این نکته توجه شود.» مجلس برای اصلاح ماده (۳۲) گفته است: «از انتهای ماده (۳۲) عبارت «و ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به قوت خود باقی است» حذف شد.»

آقای شبزنده‌دار - ما در مورد ماده‌ی قبلی، یعنی ماده (۲۹)

۲. بند (۸) تذکرات مندرج در نظر شماره ۳۰۹۳/۵۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ شورای نگهبان: «۸- در سطر دوم ماده (۲۸)، عبارت «وی و افراد تحت تکفلش» به عبارت «وی یا افراد تحت تکفلش» اصلاح شود.»

۳. اصلاحیه‌ی ماده (۲۸) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده (۲۸)، حذف شد.»

۴. ماده (۲۹) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «مقررات مواد (۱) و (۲) و (۱۹) تا (۲۵) این قانون در مورد اشخاص حقوقی نیز مجری است.»

۵. ماده (۳۲) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۲- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ و قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ و ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسخ می‌شود و ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به قوت خود باقی است.»

۶. ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲- هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سگه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.»

محکوم‌علیه از این طریق باشد، عیبی ندارد.

آقای علیزاده - مجلس می‌آید و به مدیون این‌طور می‌گوید: چون شما از اول نمی‌خواستی بدهی‌ات را بدهی یا از اول قصد فرار از تأدیه‌ی دینت را داشتی، من این عمل تو را تخلف می‌دانم.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، اگر کسی از اول و قبل از حلول اجل دین، قصد عدم تأدیه را داشته باشد و پولش را هم تبدیل به مستثنیات دین بکند، باز هم ما نمی‌گوییم این کار او حرام است.

آقای علیزاده - ماده (۲۷) این را نمی‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ این ماده اطلاق دارد.

آقای علیزاده - این ماده از اول گفته است من نمی‌گذارم مدیون از تأدیه‌ی دین فرار کند. بنابراین مفاد این ماده فرض مد نظر شما را شامل نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - به نظر من این ماده اطلاق دارد و خلاف شرع است.

آقای علیزاده - با توجه به هم‌هی این توضیحاتی که داده شد، اگر نظر حضرات آقایان بر این است که اشکال مربوط به ماده (۲۷) همچنان به قوت خودش باقی است یا اشکال جدیدی در این ماده ایجاد شده است، رأی بدهند.

آقای شبزنده‌دار - رأی من ممتنع است.

آقای مدرسی یزدی - من این ماده را خلاف شرع می‌دانم؛ همان اطلاق قسمت مربوط به قسمت «یا» به بعد ماده را خلاف شرع می‌دانم.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، اطلاق ندارد.

منشی جلسه - [بند (۱۵) اشکالات شورای نگهبان: «۱۵- ماده (۲۸) خلاف موازین شرع شناخته شد.» ما یک تذکر هم در

۱. ماده (۲۸) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۸- چنانچه محکوم‌له در نتیجه عدم امکان وصول مطالبات خود از محکوم‌علیه دچار عسر و حرج شود، به نحوی که معاش عادی زندگی وی و افراد تحت تکفلش مختل گردد، می‌تواند دادخواست خود را برای وصول محکوم‌به به از منزل مسکونی محکوم‌علیه به انضمام دلایل آن به دادگاه صادرکننده اجرائیه ارائه کند. چنانچه به تشخیص دادگاه عسر و حرج طلبکار صرفاً با فروش منزل مسکونی محکوم‌علیه قابل رفع باشد، مهلتی که از سه ماه کمتر نباشد برای جلب رضایت محکوم‌له به محکوم‌علیه داده می‌شود. پس از انقضای مهلت در صورت عدم پرداخت محکوم‌به، حکم به فروش منزل مسکونی با رعایت تشریفات مقرر قانونی داده می‌شود. تا سقف یک‌دوم ثمن حاصل از فروش، صرف تأدیه طلب محکوم‌له می‌شود و مابقی به محکوم‌علیه پرداخت می‌گردد.»

آقای ابراهیمیان - قانون‌گذار در ماده (۱۵) درخواست ورشکستگی را از مؤسسات عمومی عام‌المنفعه سلب کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - البته در اینجا می‌شود به این ماده یک اشکالی وارد کرد.

آقای ابراهیمیان - حق با شما [= آقای شب‌زنده‌دار] است؛ در اینجا اشکال پیش می‌آید. ماده (۱۵) می‌گوید درخواست ورشکستگی شامل آنها [= مؤسسات عام‌المنفعه] نمی‌شود؛ ماده (۲۹) هم می‌گوید اعسار شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود. ظاهراً اشکال پیش می‌آید.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - ولو نسبت به مدیر شرکت، [این حکم جاری است].

آقای شب‌زنده‌دار - فلذا ما [= مجمع مشورتی فقهی] در مورد ماده (۲۹) نوشته‌ایم که: «در خصوص اعسار، به ماده (۱۵) مراجعه شود.»^۱

آقای هاشمی شاهرودی - مثلاً فرض کنید مدیر شرکت با علم پولی را برمی‌دارد و این کار را می‌کند.

آقای رهپیک - این ماده که شامل مدیر شرکت نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خوب، بالاخره باید این مطلب را هم در ماده (۲۹) بگویند.

آقای علیزاده - بله، باید بگویند؛ باید تکلیف همان مدیر را هم در این ماده بگویند.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر دین منتسب به مدیر بود، او هم باید حبس بشود.

آقای علیزاده - باید بگویند حبس، در مورد اشخاص حقیقی [دارای سیمت در تصدی امور اشخاص حقوقی] قابل اعمال است.

آقای هاشمی شاهرودی - اینکه مجلس این‌طوری مطلقاً بگوید شخص حقوقی حبس و زندان نمی‌شود، درست نیست.

آقای رهپیک - خوب، خود شخص حقوقی را که نمی‌شود حبس کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی وقت‌ها پیش می‌آید که شخص حقیقی که متولی آن شخص حقوقی است، [مسبب دین است] و می‌شود او را حبس کرد.

نسبت به بحث اعسار شخصیت حقوقی ابهام گرفتیم.

آقای ابراهیمیان - شخص حقوقی؟

آقای هاشمی شاهرودی - ما به سازمان‌های خصوصی اشکال نگرفتیم؛ به سازمان‌های عام‌المنفعه و اینها اشکال گرفتیم.

آقای علیزاده - ما نسبت به سازمان‌های عام‌المنفعه اشکال گرفتیم.

آقای شب‌زنده‌دار - بالاخره آنجا ابهام داشت.

آقای علیزاده - کجا گفتیم که ابهام دارد؟

آقای شب‌زنده‌دار - ماده (۱۵).

آقای علیزاده - بله، گفتیم که ماده (۱۵) ابهام دارد؛ قرار شد که ابهام آن را برطرف کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - خوب، آن ابهام، نسبت به ماده (۲۹) هم هست دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، اینجا در مورد کل شخصیت‌های حقوقی است.

آقای شب‌زنده‌دار - خیلی خوب، ماده (۲۹) شامل سازمان‌های عام‌المنفعه هم می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - شخصیت حقوقی، شرکت‌های خصوصی و امثال آن را هم شامل می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - بالاخره آنها [= سازمان‌های عام‌المنفعه] بخشی از این شخصیت حقوقی هستند؛ مندرج تحت اینها است دیگر.

آقای رهپیک - نه، ماده (۲۹) گفته است که احکام حبس و اعسار و مستثنیات دین راجع به اشخاص حقوقی مطرح نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - ما به ماده (۱۵) اشکال کرده بودیم که چرا نیست؛ گفتیم که چرا ادعای درخواست اعسار راجع به اشخاص حقوقی مطرح نیست.

آقای رهپیک - نه، ما آنجا گفتیم که معلوم کنید کجا اعسار است و کجا ورشکستگی است؛ گفتیم که این ماده ابهام دارد، شما تکلیف دائن را روشن کنید که طبق چه قاعده‌ای باید ادعای اعسار کند.

آقای شب‌زنده‌دار - پس حالا سازمان‌های عام‌المنفعه چه کار کنند؟

آقای رهپیک - وضعیت آنها را هم روشن می‌کنند دیگر.

آقای علیزاده - «ماده ۲۹ - احکام مندرج در این قانون، جز احکام راجع به حبس محکوم‌علیه، اعسار و مستثنیات دین، حسب مورد در مواردی که محکوم‌علیه شخص حقوقی باشد

نیز مجری است.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/oEIQe

آقای هاشمی شاهرودی - پس این احکام را اینجا هم اضافه کنند.

آقای علیزاده - باید در این ماده بگویند این احکام مانع مسئولیت مدیران حقوقی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - مدیران و مالکان و متولیان شخصیت‌های حقوقی.

آقای علیزاده - ما در مورد ماده (۲۹) بنویسم که این ماده از این جهت ابهام دارد.

آقای رهپیک - این طور نیست؛ مدیر شرکت، در قبال افعالش، مسئولیت دارد. به آن مدیر که شخص حقوقی نمی‌گویند.

آقای هاشمی شاهرودی - مدیر یا مالک یک بانک، وقتی بانکی را تأسیس می‌کند، نباید اجازه بدهد که در آن خلاف رخ بدهد.

بانک، یک شخص حقوقی است، اما اگر من بانکی درست کردم، نباید اجازه بدهم در آن کارهایی بکنند که ممنوع است.

بنابراین اگر در بانک این کارهای خلاف را کردند، من هم معاقب هستم. اگر من مدیر حبس بشوم، چه اشکالی دارد؟

آقای ابراهیمیان - اگر آن شخص جزء شرکای آن شرکت است و خود شرکا هم در انجام امور آن شرکت مدیریت داشته باشند، مسئولیت هم دارند. در مورد مدیران هم قانون احکامی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - آنهایی که مدیر هستند، هیئت مؤسس شرکت هستند.

آقای ابراهیمیان - در مورد مدیران هم در قانون تجارت احکامی پیش‌بینی شده است.

آقای علیزاده - اینجا یک قانون خاص است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اینجا قانون خاص است و بایستی مسئولیت مدیران اشخاص حقوقی در اینجا هم بیاید.

آنچه در این ماده آمده است با مجازات‌هایی که مدیران دارند و جایگاهی که یک شخص حقوقی به عنوان مدیر آن شخص

حقوقی یا به هر عنوان دیگر پیدا می‌کند، منافات دارد. این ماده، نباید مانع از مسئولیت آن اشخاص حقوقی بشود. مجلس

باید این مطلب را هم به این ماده اضافه کند. اطلاق این ماده، همه‌ی آن احکام را حذف می‌کند.

آقای علیزاده - ما درباره‌ی ماده (۲۹) بگوییم: «این ماده از این جهت که مشخص نیست در مواردی که مدیران و مسئولین

مربوطه‌ی اشخاص حقوقی، با توجه به مقررات، مسئولیت دارند، آیا مجازات‌های مذکور درباره‌ی آنها قابل اعمال می‌باشد

یا خیر، ابهام دارد.»

آقای رهپیک - آنجا دیگر مربوط به مدیر می‌شود [که شخص حقیقی است و حکم این ماده، شامل او نمی‌شود].

آقای ابراهیمیان - مجلس باید یک فرمولی پیدا کند که وضع حقوقی اشخاص حقوقی، چه عمومی و چه عام‌المنفعه‌ی خصوصی یا غیر آن را دقیقاً در مورد عدم پرداخت بدهی معلوم کند.

آقای هاشمی شاهرودی - مثلاً اگر مالک یک شرکت حقوقی، یک شخص حقیقی است نباید هیچ کاری با او بکنند، با اینکه او اقدام کرده است و این کارها را انجام داده است و این خلاف‌ها را مرتکب شده است؟! باید مثل شخص حقوقی با او معامله شود؟!

آقای ابراهیمیان - اگر بحث ورشکستگی باشد، احکام آن را در قانون تجارت داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - در ماده (۲۹) بحث جرم‌انگاری مطرح است. در واقع، این ماده دارد از این چیزهایی که گفته

است که خلاف است و نباید بشود و گفته است که مرتکبش را جریمه می‌کنند و فلان می‌کنند، اشخاص حقوقی را استثنا

می‌کند. این ماده، دارد حبس را استثنا می‌کند، اما نمی‌خواهد بحث حقوقی را که استثنا کند.

آقای رهپیک - جرائم مدیران جدا است.

آقای ابراهیمیان - این ماده در خصوص خود شخص حقوقی است؛ چون موضوعاً حبس در مورد شخص حقوقی قابل

تصور نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، اما اگر این شرکت، مال شخص خاصی بود، مالک این شرکت حقوقی [چرا حبس نشود؟]

آقای ابراهیمیان - نه.

آقای علیزاده - نه، حضرت آیت‌الله شاهرودی این را می‌فرمایند؛ می‌گویند ممکن است که مفاد ماده (۲۹) این ابهام

را ایجاد کند که یک مدیری مثلاً برای فرار از دین کارهای خلافی را انجام دهد که با وجود حکم این ماده، نتوان او را

حبس کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - در اینجا مدیر شرکت، خلاف کرده است.

آقای ابراهیمیان - قانون مجازات اسلامی و قانون تجارت در موردی که مدیران یا صاحبان سهام شخص حقوقی، مرتکب

خلاف شوند، احکامی دارند. قانون‌گذار این احکام را در آن قوانین پیش‌بینی کرده است.

شرکت‌ها اعمال نمی‌کنیم. ما باید بگوییم حبس در مورد مدیران هم قابل اعمال است.

آقای ره‌پیک - ما به این ماده ایراد نگیریم؛ فقط تذکر بدهیم تا آن را درست کنند و این موضوع [= مسئولیت متصدیان حقیقی اشخاص حقوقی] را هم به ماده (۲۹) اضافه کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، تذکر بدهیم.

آقای یزدی - در مواردی که مدیون، شخصیت حقوقی است، ولو مدیر اجرایی هم دارد، ولی آن مدیر اجرایی که مالک اموال شرکت نیست.

آقای علیزاده - نه، ما نمی‌گوییم جریمه را از اموال شخصی مدیر بردارند.

آقای یزدی - مدیر اجرایی در حدود وظایف خود اختیاراتی دارد که تخلف از این اختیارات قانونی، جرم و قابل تعقیب است.

آقای علیزاده - مجلس باید همین را در اینجا ذکر کند.

آقای یزدی - حالا آیا این مدیر، از اختیارات قانونی‌اش تخلف کرده است؟

آقای علیزاده - بله، آقای مدیر آمده است و برای فرار از دین شرکت این اعمال را انجام داده است.

آقای ابراهیمیان - این ماده، خلاف قانون اساسی نیست؛ خلاف شرع هم نیست.

آقای علیزاده - ما نمی‌گوییم که بدهی را از شخص مدیر بگیرند. مال، مال شرکت است و خود شرکت باید آن را پس بدهد؛ اما باید آن مدیر را هم مجازات کنند یا نه؟

آقای ابراهیمیان - موضوع این ماده، این مسئله نیست.

آقای سوادکوهی - جرم مدیر، جرم جدایی است.

آقای شب‌زنده‌دار - ولی این ماده متعرض جرم شخص مدیر نیست. متعرض مدیری که از قوانین تخلف کرده است، نیست.

آقای یزدی - شاید بدهی این شرکت مربوط به تخلفی است که از قانون کرده است.

آقای شب‌زنده‌دار - موضوع ماده (۲۹) این است که خود شرکت معسر یا ورشکسته شده است.

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - ما در حد تذکر این را به مجلس بنویسیم که در ماده (۲۹) اگر این مجازات با جمیع شرایط در حق مدیر هم قابل اعمال باشد، [باید به این موضوع تصریح شود].

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۲۹) می‌گوید: «جز احکام

آقای هاشمی شاهرودی - خوب است.

آقای علیزاده - اگر این ایراد را قبول دارید، همین را بنویسیم.

آقای هاشمی شاهرودی - قطعاً قبول داریم.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر این بند هم به ماده (۲۹) اضافه بشود، اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - باید اضافه بشود؛ چون اگر اضافه نشود، این ماده همه‌ی آن مجازات‌ها را نفی می‌کند.

آقای علیزاده - قانون مربوط به نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی، یک امر حقوقی است و یک امر جدیدی است. ما بگوییم وقتی مدیر آمده است و با این کارها پول شرکت را از بین می‌برد، دارد در شرکت این کارها را انجام می‌دهد، مدیر مجرم هم باید مجازات بشود. باید درباره‌ی او مجازات کیفری و حقوقی اجرا بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ابراهیمیان - مجلس به ما جواب می‌دهد که موضوع این ماده اشخاص حقیقی یا مدیران نیستند.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند درباره‌ی این ماده، در این حد تذکر بدهیم و بنویسیم که این ماده ابهام دارد و آن احکام را در این ماده بیآورند، بفرمایند. الان حکم این ماده به این معنا است که احکام مربوط به حبس و اعسار در مورد مدیر شرکت و اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست؛ یعنی اگر اشخاص حقوقی آمدند و اموال دیگران را گرفتند و فروختند و با همان شرایط پس ندادند، این می‌گوید مجازات نشوند؛ در حالی که باید حداقل بگوییم آن مدیر اگر این کار را کرده است، به این مقدار مجازات شود.

آقای ره‌پیک - این ماده می‌گوید آن احکام در مورد خود شرکت نیست؛ یعنی خود شرکت حبس نمی‌شود.

آقای سوادکوهی - بله، حکم این ماده ناظر به شخص حقوقی است.

آقای ابراهیمیان - بله، فقط به شرکت مربوط می‌شود.

آقای علیزاده - این ماده، ناظر به شخص حقوقی است و دارد شرکت‌ها را به کلی مستثنا می‌کند. خوب، اگر این نکته را هم در اینجا ذکر کنند، اشکالی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - وقتی این ماده دارد می‌گوید احکام مندرج، جز احکام راجع به حبس و اعسار مجری است؛ یعنی ...

آقای علیزاده - ما با این ماده، داریم حبس را در مورد مدیران

راجع به حبس محکوم علیه»، این ماده کلمه‌ی «جز» را هم دارد و حبس را استثنا کرده است.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، حبس برای آن شرکت استثنا شده است. **آقای سوادکوهی** - منظور، شرکت است.

آقای علیزاده - همه‌ی عقلا می‌دانند که حبس شرکت قابل اعمال نیست. مگر می‌شود شرکت را حبس کرد؟! **آقای شب‌زنده‌دار** - آن فرض شما هم معنا ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اینکه استثنا شده است. **آقای علیزاده** - همه این را می‌دانیم که حبس راجع به شرکت قابل اعمال نیست. ما هم از همین جهت می‌گوییم که مفاد ماده (۲۹)، ایجاد ابهام می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این ماده می‌خواهد [اشخاص حقوقی را از برخی مجازات‌ها] استثنا کند. **آقای علیزاده** - این ماده دارد می‌گوید ما شرکت حقوقی را حبس نمی‌کنیم. همه‌ی ما باید بدانیم که حبس برای شرکت‌ها قابل اعمال نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - معنای این حرف این است که مدیر شرکت حبس نمی‌شود. **آقای علیزاده** - شرکت را که حبس نمی‌کنیم. این موضوع که نیاز به گفتن ندارد.

آقای سوادکوهی - چرا. **آقای شب‌زنده‌دار** - گفته است: احکام حبس و احکام اعسار ... **آقای یزدی** - درباره‌ی آنچه در شرکت‌ها رخ می‌دهد، بیشتر مدیر مسئول شرکت است که مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - در ماده (۲۹) باید بنویسند که فقط خود شرکت حبس نمی‌شود. باید به این امر تصریح کرد. **آقای علیزاده** - اگر مدیر با جمیع شرایط مقصّر بوده است، نمی‌شود او را مجازات کرد؟

آقای هاشمی شاهرودی - حداقل این ماده دارای ابهام است. **آقای ابراهیمیان** - اصلاً این ضرورت را از کجا درمی‌آوردید؟ چون اشکالی ندارد که [این مسئله در این ماده ذکر نشود]؛ یک مدیری از مقررات حکومتی تخلف کرده است، حالا قانون‌گذار یک وقت دلش می‌خواهد، می‌آید و می‌گوید این کار جرم است و یک وقت هم دلش نمی‌خواهد، می‌گوید این کار جرم نیست. این موضوع ضمانت اجرایی دیگری که ندارد. این ماده می‌گوید مثلاً این اقدامات اعتباری ندارد؛ یعنی بی‌اعتباری اقدامات را ذکر می‌کند. ما که نمی‌توانیم مجلس را مجبور کنیم

که یک چیزی را جرم‌انگاری کند.

آقای علیزاده - ما باید به مجلس بگوییم که در ماده (۲۹) این موضوع را روشن نکرده‌اید.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این چیزی که در این ماده آمده است، واقعاً تبعیض است و درست هم نیست. اگر مدیر این کار را کرده است، مثل این است که فردی حقیقی آن را انجام داده است.

آقای ابراهیمیان - برای همین عرض می‌کنم.

آقای مدرسی یزدی - پس این ماده مجازات مدیر را نفی نمی‌کند.

آقای علیزاده - آقایان اعضای محترم، می‌گویند که می‌توانیم به [حبس شرکت ابهام بگیریم].

آقای هاشمی شاهرودی - شخص حقوقی که حبس ندارد.

آقای علیزاده - بله، حبس ندارد.

آقای مدرسی یزدی - خب، ماده (۲۹) همین را استثنا کرده است دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، حبس را استثنا کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده دارد حرفی غیرمعقول می‌زند و امری بدیهی را می‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - مثل این است که بگوید یک به علاوه‌ی یک، دو می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، بالاخره این ماده ابهام دارد؛ معنای این ماده این است که فردا قاضی می‌گوید نمی‌شود فلان فرد حقیقی مسئول شرکت را حبس کرد.

آقای اسماعیلی - چرا؟

آقای هاشمی شاهرودی - چون این فرد، مدیرعامل یک شرکت حقوقی است.

آقای مدرسی یزدی - درباره‌ی ارتکاب جرم، در قانون مجازات اسلامی هم آمده است که مدیران اشخاص حقوقی هم جریمه می‌شوند.

آقای علیزاده - این قانون خاص است و دارد صراحتاً مدیران را از شمول برخی مجازات‌ها استثنا می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۲۹) گفته است «به جز حبس».

آقای ره‌پیک - قرار شد نسبت به این ماده، تذکری به مجلس بدهیم که آن را اصلاح کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - حتماً تذکر بدهیم یا نسبت به آن ابهام بگیریم.

طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال

منشی جلسه - «طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون

→

مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که با اصلاحاتی در جلسه مورخ یکم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- نظر به اینکه در ماده (۳)، اصلاحی به عمل نیامده است، بنابراین اشکال قبلی این شورا کماکان به قوت خود باقی است.
۲- در تبصره (۲) ماده (۱۵)، نظر به اینکه تکلیف دائن و مدیون مشخص نیست، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.
تذکر:

- در ماده (۲۹) نسبت به مواردی که مجازات‌های مذکور با جمع شرایط قانونی در خصوص مدیران و مسئولین متخلف قابل اعمال باشد، تعیین تکلیف نگردیده است.»

۲. مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- ترکیب شورای عالی اشتغال به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- ریاست سازمان برنامه و بودجه، به عنوان ناظر، بدون حق رأی
- ۲- وزیر کار و امور اجتماعی
- ۳- وزیر کشور
- ۴- وزیر جهاد سازندگی
- ۵- وزیر کشاورزی
- ۶- وزیر آموزش و پرورش
- ۷- وزیر صنایع
- ۸- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۹- وزیر نیرو
- ۱۰- وزیر تعاون
- ۱۱- وزیر معادن و فلزات
- ۱۲- وزیر بازرگانی
- ۱۳- وزیر فرهنگ و آموزش عالی
- ۱۴- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۱۵- رئیس کل بانک مرکزی، بدون حق رأی به عنوان ناظر
- ۱۶- مشاور رئیس جمهور در امور زنان، بدون حق رأی به عنوان ناظر
- ۱۷- دو نفر از نمایندگان کارفرمایان به معرفی کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایان که در صورت عدم تشکیل کانون، توسط وزیر کار و امور اجتماعی، بدون حق رأی انتخاب خواهد شد.
- ۱۸- دو نفر از نمایندگان کارگران به معرفی کانون عالی شوراهای اسلامی کار، در صورت عدم تشکیل، توسط وزیر کار و امور اجتماعی، بدون حق رأی معرفی خواهد شد.
- ۱۹- رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی، بدون حق رأی به عنوان ناظر

دبیرخانه شورا می‌تواند با امکانات موجود به منظور هماهنگی برحسب مورد

←

آقای رهپیک - البته اگر تذکری هم ندهند، این موضوع [=] جرایم مدیران]، قانون دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون ندارد؛ این قانون خاص است که مواردی را استثنا کرده است.

آقای رهپیک - ما هم در قانون تجارت در مورد جرایم مدیران موادی داریم ...

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، برخی مجازات‌ها را برای مدیران استثنا کرده است.

آقای رهپیک - حالا همان تذکر را بنویسید دیگر.

آقای سوادکوهی - رأی بگیرید.

آقای علیزاده - ایراد بعدی را بیاورید. مجلس ماده (۲۲) قانون حمایت از خانواده را هم که از متن ماده (۳۲) حذف کرده است؛ خیال ما را راحت کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - ماده (۲۹) تذکر دارد.

آقای علیزاده - این ماده، ابهام ندارد [بلکه ایراد دارد]؛ چون مسلم است که شرکت قابل حبس نیست.

آقای رهپیک - شما دفع دخل مقدر کنید.

آقای مدرسی یزدی - اشکال مربوط به اعسار و مانند اینها که در حق شخصیت حقوقی نیست را چه کار کردید؟

آقای شبزنده‌دار - مجمع مشورتی فقهی هم این تذکر را دارد.

آقای مدرسی یزدی - قانون آنجا [= در ماده (۱۵)]، در اینجا هم هست. این مشکل را باید حل کنیم.

آقای علیزاده - بگوییم که ماده (۲۹) را با توجه به ماده (۱۵) درست کنند.

آقای رهپیک - بله، با توجه به آن ماده، محتوای این ماده را هم درست کنند.

آقای علیزاده - اگر اجازه بدهید، پس بگوییم این ماده علاوه بر این، در مورد مدیران هم ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، ما هیچ ابهامی در مورد مدیران نداریم.

آقای علیزاده - نه، همان ابهام بالا را داریم. بنویسید با توجه به ابهامی که در ماده (۱۵) گرفتیم، وضعیت این ماده هم باید روشن بشود. در مورد ایراد ماده (۲۹) بگویید با توجه به ابهامی که در ماده (۱۵) بود، این ماده را هم اصلاح کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - ابهام آن ماده برای بعضی از شخصیت‌های حقوقی بود.^۱

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۹۵/۳۰۶۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۵ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۷

←

تشکیل شورای عالی اشتغال»^۱

آقای علیزاده - اینکه اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - چرا؛ ایراد دارد.

→

از سایر وزرا برای شرکت در جلسات تصمیم‌گیری، دعوت به عمل آورد.
ماده ۴- به منظور اجرای مصوبات شورای عالی اشتغال، کمیته هماهنگی اشتغال استان‌ها به شرح ذیل تشکیل می‌گردد:

۱- استاندار- رئیس شورا

۲- رئیس سازمان برنامه و بودجه- دبیر شورا

۳- مدیر کل کار و امور اجتماعی

۴- مدیر کل آموزش و پرورش

۵- مدیر کل صنایع

۶- رئیس سازمان جهاد سازندگی

۷- مدیر کل تعاون

۸- مدیر کل امور اقتصادی و دارایی

۹- رئیس سازمان کشاورزی

۱۰- مدیر کل معادن و فلزات

۱۱- مدیر کل بازرگانی

۱۲- دو نفر از نمایندگان کارفرمایان، به معرفی کانون هماهنگی انجمن‌های صنفی کارفرمایان

۱۳- دو نفر از نمایندگان کارگران، به معرفی کانون شوراهای اسلامی استان

۱۴- یک نفر از کمیسیون امور بانوان استان

۱۵- یک نفر از نمایندگان استان با انتخاب مجلس شورای اسلامی، به عنوان ناظر.

تبصره- شورای عالی اشتغال و کمیته هماهنگی استان می‌توانند موضوعات تخصصی خود را به کمیته‌ها و کمیسیون‌های فنی ارجاع کنند و در خصوص نظریات کارشناسی ارائه‌شده از سوی کمیته‌ها و کمیسیون‌های مربوط، با اکثریت اعضا، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند.»

۱. طرح یک‌فوریتی الحاق یک بند به ماده (۲) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، پس از تصویب یک فوریت بررسی آن در مجلس، در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱ با تغییراتی در متن و عنوان، سرانجام با عنوان طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۳۲/۳۰۷۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۶۰) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ به مجلس اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۶/۴ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

آقای علیزاده - خُب، سرپرست کمیته‌ی امداد، به دو تا از بندهای آن قانون الحاق شده است.^۲

آقای یزدی - دو نفر [به اعضای شورای عالی اشتغال] اضافه شده‌اند.

آقای علیزاده - بله، سرپرست کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران به اعضای شورای عالی اشتغال اضافه شده‌اند و مدیر کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) هم به اعضای کمیته‌ی هماهنگی اشتغال استان‌ها اضافه شده است.

آقای مدرسی یزدی - خُب، باید اصل مصوبه را بخوانیم تا ببینیم تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی چه کسی است؛ آیا شورای عالی اشتغال تصمیم‌گیرنده است یا وزیر؟

آقای رهپیک - تصمیم‌گیرنده، اکثریت اعضا هستند. اجازه بدهید تا من توضیحی عرض بکنم.

آقای علیزاده - مگر قبلاً به این قانون [تشکیل شورای عالی اشتغال] ایراد نگرفته بودیم؟

آقای رهپیک - چرا؛ شورای نگهبان یک ایرادی به این قانون گرفته بود.^۳

آقای علیزاده - خُب، آن ایراد ما به مجلس رفت و درست شد دیگر.

آقای رهپیک - نه، شورای نگهبان قبلاً در سال (۱۳۷۷) به این قانون اشکال گرفته بود. اینها افرادی غیر از وزرا و مسئولین

۲. ماده واحده طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، مصوب ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- بندهای زیر به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ الحاق می‌گردد:

الف- دو بند الحاقی به ماده (۲):

- سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)

- رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران

ب- بند الحاقی به ماده (۴):

- مدیر کل کمیته امداد امام خمینی (ره).»

۳. بند (۱) نظر شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۰ شورای نگهبان در خصوص طرح تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «۱- بخشی از هدف و وظایف مذکور در مواد (۱) و (۳) و (۴) طرح تشکیل شورای عالی اشتغال، از مقوله تقنین است که مربوط به مجلس شورای اسلامی است، بخشی دیگر از آنها نیز یا از وظایف و اختیارات هیئت وزیران و یا از جمله وظایف و اختیارات وزیر و وزارت کار و امور اجتماعی است. از این رو تقویض تعیین اهداف و اجرای وظایفی که بر عهده قوه مقننه و هیئت وزیران و یا وزیر کار و امور اجتماعی است، به شورایی مرکب از تعدادی از وزیران و مسئولان غیروزیر، مغایر اصول (۵۸)، (۶۰) و (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی است.»

آقای علیزاده - ایرادی ندارد که رئیس بنیاد شهید هم عضو شورای عالی اشتغال باشد؛ چون معاون رئیس جمهور است. اما بحث بر سر سرپرست کمیته‌ی امداد باقی می‌ماند.

آقای مدرسی یزدی - خُب، عیبی ندارد.

آقای ره‌پیک - نه، سرپرست کمیته‌ی امداد که دولتی نیست.

آقای مدرسی یزدی - خُب، اگر دولتی نباشد، اشکال دارد.

آقای ابراهیمیان - اشکال دارد؟

آقای مدرسی یزدی - بله، چون تصمیم‌گیری‌های این شورا از غیر طریق افراد اجرایی و دولتی اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - مگر اینکه بگویند اینها به عنوان ناظر در شورای عالی اشتغال، عضو هستند.

آقای ره‌پیک - بله، اگر به عنوان ناظر باشند، اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - یا اینکه باید تصویب نهایی تصمیمات این شورا تحت نظر وزیر باشد.

آقای ره‌پیک - بله دیگر، اینها باید بنویسند که به عنوان ناظر بدون حق رأی در جلسات شرکت کنند.

آقای مدرسی یزدی - یا این‌طور بنویسند که در نهایت، مصوبه به تأیید وزیر برسد.

آقای یزدی - یعنی دولت بگوید [که در نهایت چه تصمیمی لازم‌الاجرا می‌شود].

آقای ره‌پیک - نه، در [= تبصره بند (۱۵) ماده (۴) قانون تشکیل شورای عالی] گفته که اکثریت اعضای این شورا تصمیم‌گیری می‌کنند.

آقای یزدی - اگر دولت بگوید [این تصمیمات مورد تأیید من است، اشکالی ندارد].

آقای مدرسی یزدی - دو جور اصلاح می‌شود؛ یا باید به تأیید وزیر برسد [یا اعضای غیردولتی و غیراجرایی به عنوان ناظر حضور داشته باشند].

آقای ره‌پیک - ما کاری به نحوه‌ی تصمیم‌گیری این شورا نداریم؛ چون در این مصوبه، آن موضوع را که تغییر نداده‌اند. یعنی الآن طبق این قانون، تصمیم‌گیری بر مبنای رأی اکثریت اعضای شورا، سر جای خودش باقی است.

آقای ابراهیمیان - اگر اینها قاعده‌سازی نکنند، حضور اشخاص خصوصی در آن اشکال دارد؟

آقای علیزاده - وظیفه‌اش کارهای اجرایی است. البته قبلاً هم به این مصوبه ایراد گرفته‌ایم.

آقای ره‌پیک - بله، قبلاً ایراد گرفتیم.

اجرایی را به عنوان اعضای شورای عالی اشتغال تعیین کرده بودند. آن موقع شورای نگهبان ایراد گرفت که با توجه به وظایف شورای عالی اشتغال - که از سنخ کار اجرایی است - کسانی که در این شورا عضویت دارند و سِمَت اجرایی ندارند، اینها یا باید حذف بشوند یا باید بنویسند که عضویت آنها بدون حق رأی است. مجلس هم آن را اصلاح کرد؛ یعنی بعضی از افراد را حذف کرد و برخی هم به عنوان ناظر بدون حق رأی، در این شورا باقی ماندند. این، سابقه‌ی این قانون است. الآن در این مصوبه‌ی فعلی آمده و سرپرست کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران را [به عنوان عضو شورای عالی اشتغال] اضافه کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی دو نفری که شغلشان دولتی است را اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - بنیاد شهید و امور ایثارگران که دولتی است، اشکالی ندارد؛ چون رئیس آن معاون رئیس جمهور است.

آقای ره‌پیک - رئیس کمیته‌ی امداد چطور؟

آقای مدرسی یزدی - خُب، اگر دولتی باشد، عیبی ندارد، ولی اگر دولتی نباشد، اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - نه دیگر، کمیته‌ی امداد که دولتی نیست.

آقای مدرسی یزدی - خُب پس اشکال دارد.

آقای علیزاده - کمیته‌ی امداد هم یک سازمان حکومتی است.

آقای یزدی - بنیاد شهید هم دولتی به حساب نمی‌آید.^۱

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، صدر تا ذیل امور بنیاد شهید، باید از طریق رئیس جمهور و وزرا اداره شود.

آقای یزدی - حالا در این مصوبه گفته‌اند که این دو مقام هم عضو شورای عالی اشتغال باشند.

آقای ره‌پیک - قسمت (ب) مصوبه ایراد ندارد، اما قسمت (الف) اشکال دارد.

۱. ماده (۱) قانون اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۸۷/۱/۱۸) بنیاد شهید و امور ایثارگران - که از این پس در این اساسنامه به اختصار، بنیاد نامیده می‌شود- نهادی است انقلابی که در اجرای فرمان رهبر کبیر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رضوان ... تعالی علیه، در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۲ و در پی موافقت مقام معظم رهبری، مبنی بر ادغام سه نهاد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، سازمان جانبازان انقلاب اسلامی و ستاد رسیدگی به امور آزادگان تأسیس شده و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن، طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی غیردولتی و در چهارچوب این اساسنامه و آیین‌نامه‌های مربوطه زیر نظر رئیس جمهور و نظارت عالی مقام معظم رهبری اداره می‌شود.»

خاص (معلولین، زنان و جوانان) با رعایت مقررات مربوطه
۴- ایجاد فضا و مقررات حمایتی از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران
به منظور ایجاد اشتغال مولد با رعایت مقررات مربوطه
۵- اتخاذ تدابیر لازم برای برقراری نظم بیشتر در بازار کار.»
آقای رهپیک - ماده (۶) را هم بخوانید.

آقای علیزاده - «ماده ۶- شورای عالی اشتغال حداقل هر شش ماه
یکبار تشکیل جلسه خواهد داد و جلسات آن با حضور دو سوم
اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات شورا با اکثریت آرای اعضای
حاضر معتبر خواهد بود.»

آقای مدرسی یزدی - خُب، این طور که نمی‌شود. اگر کمیته‌ی
امداد، جزئی از دولت است، [عضویت سرپرست کمیته‌ی امداد
در شمار اعضای شورای عالی اشتغال] مانعی ندارد، اما اگر
نهادی مستقل از دولت است، اشکال دارد.

آقای رهپیک - خیر، جزء دولت نیست.

آقای یزدی - به نظر بنده، این حق رأی، بلااشکال است.

آقای رهپیک - شورای نگهبان در نظر قبلی خود [= نظر شماره
۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۰] در مورد همین شورای عالی
اشتغال - که چند نفر غیر دولتی را به عنوان اعضای آن تعیین
کرده بودند- این طور گفته بود که تفویض امور اجرایی به
عهده‌ی این شورای مرکب از تعدادی از وزیران و مسئولان
غیروزی، مغایر اصول متعدد قانون اساسی است.

آقای علیزاده - مثلاً قبلاً گفته بودند که رئیس کل بانک مرکزی
عضو این شورا است، که بعداً که ما ایراد گرفتیم، مجلس
عضویت او را بدون حق رأی قرار داد. اشخاص دیگری هم
مثل «مشاور رئیس جمهور در امور زنان»، «دو نفر از نمایندگان
کارفرمایان به معرفی کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایان»،
«دو نفر از نمایندگان کارگران» و «رئیس کمیسیون کار و امور
اجتماعی مجلس» را هم بدون حق رأی و به عنوان ناظر در این
شورا عضویت دادند.

آقای یزدی - حالا این دو نفری که اضافه شدند هم مثل
همین‌ها هستند دیگر.

آقای علیزاده - به نظر من، عضویت رئیس بنیاد شهید و امور
ایتارگران اشکالی ندارد؛ چون معاون رئیس جمهور است.

آقای مدرسی یزدی - اینکه نظر نمی‌خواهد، واقعاً معاون رئیس
جمهور است؛ واضح است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌گویند عضویت
سرپرست کمیته‌ی امداد با فرض داشتن حق رأی، اشکال دارد،
رأی بدهند.

آقای یزدی - اگر در شورایی که من می‌خواهم تصمیم بگیرم،
یک روحانی هم بیاید اینجا بنشیند و ببیند ما چکار می‌کنیم یا
اینکه ما این طوری تصویب بکنیم که یک روحانی هم بیاید
اینجا بنشیند و ببیند این کارهایی که ما می‌کنیم خلاف شرع
است یا نیست، آیا شما می‌گویید این کار اشکال دارد؟
آقای رهپیک - شما نظر شورا را بخوانید.

آقای هاشمی شاهرودی - عضویت غیر دولتی‌ها اگر به عنوان
ناظر باشد، اشکالی ندارد.

آقای یزدی - نه، اگر ناظر هم باشد، هم تذکر می‌دهد، هم
می‌گوید مثلاً این خلاف است یا آن خلاف است.

آقای شبزنده‌دار - آن عضو ناظر، رأی هم دارد یا نه؟

آقای یزدی - خیر، رأی ندارد، در امور اجرایی هم دخالت
نمی‌کند، ولی می‌تواند نظر بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - در این قانون گفته شده که این شورا،
با اکثریت اعضا تصمیم می‌گیرد.

آقای ابراهیمیان - وظایفشان چیست؟

آقای علیزاده - [ماده (۱) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال،
مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ مجلس شورای اسلامی]: «ماده ۱- به منظور
بررسی عرضه و تقاضای بازار کار و چگونگی ایجاد تعادل بین
عرضه و تقاضا و همچنین ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌هایی که
تصمیمات آنها مؤثر بر عرضه و تقاضای بازار کار و اشتغال و
بیکاری می‌باشد و نظارت و پیگیری بر چگونگی تحقق اهداف
کمی و کیفی اشتغال در برنامه‌های مصوب، «شورای عالی
اشتغال» به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌شود.» در ماده (۲)
هم ترکیب اعضای شورا را گفته است. در ماده (۳) می‌گوید:
«ماده ۳- شورای عالی اشتغال انجام وظایف زیر را عهده‌دار
خواهد بود:

۱- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف در زمینه
عرضه و تقاضای بازار کار و نظارت بر عملکرد این دستگاه‌ها در
زمینه اشتغال.

۲- ...»

آقای مدرسی یزدی - اینها کارهای اجرایی است.

آقای رهپیک - ما قبلاً راجع به این مصوبه نظر داده‌ایم دیگر.

آقای علیزاده - «۲- تعیین سهمیه فرصت‌های شغلی در بخش‌های
مختلف اقتصادی با رعایت مقررات مربوطه.»

آقای یزدی - این باز از امور اجرایی است.

آقای علیزاده - «۳- برنامه‌ریزی و تعیین راهکارهای عملی برای رشد
و توسعه اشتغال در روستاها، شهرهای کوچک و برای گروه‌های

آقای یزدی - بله.

آقای رهپیک - با داشتن حق رأی اشکال دارد.

آقای علیزاده - حاج آقای مدرسی، شما رأی می‌دهید؟

آقای مدرسی یزدی - بله، کمیته‌ی امداد هیچ ربطی به امور اجرایی ندارد و اساساً دولتی نیست.

آقای رهپیک - نه، دولتی که نیست.

آقای مدرسی یزدی - اگر عضویت هم داشته باشد، حق رأی ندارد.

آقای رهپیک - بله دیگر.

آقای علیزاده - پس بفرمایید که اضافه‌شدن سرپرست کمیته‌ی امداد با حق رأی، همان‌طور که در نظر قبلی این شورا آمده است، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکال دارد.

آقای رهپیک - شماره‌ی نظریه‌ی قبلی شورای نگهبان را هم قید کنیم. متنها بند (ب) این مصوبه اشکالی ندارد. در بند (ب)، مدیر کل کمیته‌ی امداد را به جمع اعضای کمیته‌ی هماهنگی اشتغال استان‌ها] اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - او [= مدیر کل کمیته‌ی امداد] به جلسات آن کمیته‌ی هماهنگی اشتغال می‌رود و آنجا می‌نشیند؛ حق پیگیری که ندارد.

آقای یزدی - خُب، آن بند (ب) هم مثل همین بند (الف) است.

آقای علیزاده - نه، فقط بند (الف) اشکال دارد.

منشی جلسه - پس بند (الف)، مغایر اصل (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - نه اصل (۱۳۸) که اینجا مطرح نیست؛ فقط مغایر اصل (۶۰) است.

آقای رهپیک - مثل نظریه‌ی قبلی شورا بنویسید.

آقای علیزاده - خُب، آقایان اگر فرمایش دیگری دارید، بفرمایید.

آقای سوادکوهی - مجمع مشورتی فقهی هم یک ایراد گرفته است.

آقای علیزاده - چه اشکالی گرفته‌اند؟ آنها هم همین ایراد را دارند؟

آقای سوادکوهی - نه، مجمع فقهی یک چیز دیگری گفته‌اند.

آقای علیزاده - یعنی گفته‌اند این مصوبه، اشکال شرعی دارد؟

آقای سوادکوهی - نه، اشکال شرعی ندارد. اینها گفته‌اند که اسامی قبلی برخی وزارتخانه‌ها در قانون سابق وجود دارد که با

توجه به ادغام وزارتخانه‌ها باید عناوین آنها اصلاح شود.^۱

آقای علیزاده - این عناوین وزارتخانه‌ها را که الآن اصلاح نکرده‌اند.

آقای سوادکوهی - بله.

آقای علیزاده - خُب، آقایان اگر فرمایش دیگری دارید، بفرمایید.^۲

اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت^۳

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۴/۸ به پیشنهاد شماره ۱/۱۱۸۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-۴- تصویب کرد:

۱. «تذکر این مطلب مناسب است که در واقع، طرح مذکور نوعی اصلاح قانون تشکیل شورای عالی اشتغال می‌باشد و لذا مناسب بود که بعضی اعضاء شورای عالی اشتغال که وزارتخانه‌های آنها ادغام شده‌اند - مانند وزیر جهاد سازندگی و کشاورزی و وزیر صنایع و معادن و فلزات - نیز ادغام شده و اصلاح گردد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، قابل مشاهده در نشانی

زیر: yon.ir/HfHqO

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۳۲/۳۰۷۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۵، طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، مصوب جلسه مورخ یکم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- عضویت سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) با حق رأی در بند (الف) الحاقی به ماده (۲)، همان‌طور که در نظریه شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۰ این شورا آمده است، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»

۳. اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۶۴۰/۴۶۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۴. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه

عبارت‌های «اعضای هیئت مدیره» به عبارت‌های «اعضای موظف هیئت مدیره» اصلاح می‌شود.»

آقای علیزاده - اگر مستندشان اشکالی ندارد، این مصوبه هم اشکالی ندارد. مستندشان چیست؟

آقای ره‌پیک - مستندشان، ماده واحده قانون استفساریه است.

آقای علیزاده - مستندشان درست است؟

آقای ره‌پیک - من الآن این استفساریه را همراهم ندارم.

آقای علیزاده - ببینید اگر مستندشان اشکالی ندارد، مصوبشان بدون اشکال است. به آقایان می‌گوییم این مصوبه را به مرکز [= پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] بدهند تا اگر اشکالی در مستند وجود دارد، دفعه‌ی بعد مجدداً آن را در جلسه مطرح کنیم.

آقای مدرسی یزدی - ظاهراً مستند آنها که اشکالی ندارد، ولی اشکال دیگری دارد یا خیر، نمی‌دانم. باید بقیه‌ی اساسنامه‌ها را نگاه کنیم؛ چون در این اساسنامه، منظورشان از اعضای غیرموظف، این است که افراد آزاد در این هیئت مدیره‌ها عضو بشوند.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - آن وقت، راجع به این اعضا، شرط وثاقت و شروط دیگری که برای عضویت وجود دارد را لحاظ نکرده‌اند؛ در حالی که این شرکت، دولتی است و اموال آن هم دولتی است.

آقای علیزاده - از همان اول اختیار داشتند که همه‌ی اعضا را غیرموظف بگذارند.

→ ارتباطات و فناوری اطلاعات منصوب می‌شوند. ضمناً رئیس هیئت مدیره، در حکم معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خواهد بود.»

۲. ماده (۲۲) اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۱۸ هیئت وزیران: «ماده ۲۲- مدیرعامل به عنوان رئیس شرکت، بالاترین مقام اجرایی شرکت می‌باشد که برای مدت دو سال از بین اعضای هیئت مدیره یا خارج از آن توسط هیئت مدیره انتخاب و با حکم وزیر ارتباطات و فناوری منصوب می‌شود. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره شرکت باشد، مگر با تصویب سه چهارم آرای مجمع عمومی.»

۳. ماده (۲۵) اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۱۸ هیئت وزیران: «ماده ۲۵- کلیه چک‌ها، اسناد، اوراق مالی، قراردادها و اسناد تعهدآور شرکت، باید به امضای مدیرعامل یا نماینده وی و یکی از اعضای هیئت مدیره یا نماینده منتخب هیئت مدیره برسد. مکاتبات اداری به امضای مدیرعامل یا نماینده وی خواهد رسید. ضمناً کلیه چک‌ها علاوه بر امضای افراد یادشده، به امضای ذی‌حساب و یا نماینده مجاز وی خواهد رسید.»

اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۶۹۲۹۹/ت ۳۷۷۵-ه مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- متن زیر جایگزین ماده (۱۶) می‌شود:

ماده ۱۶- هیئت مدیره شرکت مرکب از پنج عضو اصلی می‌باشد که حداکثر دو عضو آن غیرموظف خواهد بود. اعضای موظف به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب مجمع عمومی عادی و اعضای غیرموظف توسط رئیس مجمع عمومی از بین افراد با تحصیلات عالی و دارای سابقه مدیریت و صاحب‌نظر در تخصص‌های مرتبط با فعالیت‌های شرکت با اولویت کارکنان شرکت برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند. اعضای هیئت مدیره پس از انقضای مدت تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سمت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعد بلامانع است.

۲- در تبصره (۱) ماده (۱۶)، ماده (۲۲) و ماده (۲۵)،

→

سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است.»

۱. ماده (۱۶) اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۱۸

هیئت وزیران: «ماده ۱۶- هیئت مدیره شرکت، مرکب از پنج عضو اصلی خواهد بود که به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب مجمع عمومی عادی از بین افراد با تحصیلات عالی و دارای سابقه مدیریت و صاحب‌نظر در تخصص‌های مرتبط با فعالیت‌های شرکت با اولویت به کارکنان شرکت برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و پس از انقضای مدت، تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سمت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعد مجاز است.

تبصره ۱- اعضای هیئت مدیره باید به‌طور تمام‌وقت، به خدمت در شرکت اشتغال داشته باشند و قبول و تصدی هرگونه شغل موظف یا غیرموظف در خارج از شرکت برای آنها ممنوع می‌باشد، ولی اشتغال در اموری که صرفاً جنبه تدریس داشته باشد، به نحوی که در اداره شرکت اختلالی پیش نیاید، با موافقت رئیس مجمع عمومی شرکت مجاز می‌باشد. هر یک از اعضای هیئت مدیره به ترتیبی که هیئت مدیره مشخص می‌نماید، راهبری حوزه‌ای از فعالیت‌های شرکت را عهده‌دار خواهند بود.

تبصره ۲- اعضای هیئت مدیره از بین خود یک نفر را به عنوان رئیس هیئت مدیره و یک نفر را به عنوان نایب رئیس انتخاب می‌نمایند که با حکم وزیر

←

اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران

منشی جلسه - دستور بعدی، «اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران»^۲ است. «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۴/۸ به پیشنهاد شماره ۱/۱۱۸۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^۳ تصویب کرد:

اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران، موضوع تصویب‌نامه‌های شماره ۲۴۶/۲۳۰ ت/۴۰۶۷۵ هـ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۰ و شماره ۱۲۱۶۸۴ ت/۴۷۸۳۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۹ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

۱- متن زیر جایگزین ماده (۱۵) می‌شود:

ماده ۱۵- هیئت عامل سازمان، مرکب از پنج عضو می‌باشد که حداکثر دو عضو آن غیرموظف خواهد بود. اعضای موظف به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب مجمع عمومی عادی و اعضای غیرموظف توسط رئیس مجمع عمومی از بین افراد با تحصیلات عالی و دارای سابقه مدیریت و صاحب‌نظر در تخصص‌های مرتبط با فعالیت‌های سازمان با اولویت کارکنان سازمان برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند. اعضای هیئت عامل پس از انقضای مدت تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سِمَت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای

۲. اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۶۴۰/۴۶۱۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۳. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است.»

آقای مدرس‌ی یزدی - خُب.

آقای علیزاده - حالا گفته‌اند که اگر افرادی موظف بودند، این‌طور عمل کنند و اگر هم موظف نبودند، این‌طور؛ اینکه اشکالی ندارد.

آقای مدرس‌ی یزدی - چرا، اشکال دارد. جواب این است که آنهایی که موظف هستند و استخدام می‌شوند، از لحاظ گزینش، شرایط آنها هم احراز می‌شود، اما آنجایی که توسط دولت گزینش نشده‌اند [و به صورت غیرموظف به کار گرفته می‌شوند]، خود شرکت آنها را گزینش می‌کند که بالاخره بایستی سایر شرایط را هم داشته باشند. این، یک اشکال است.

آقای علیزاده - متن این مصوبه را [روی صفحه‌ی نمایشگر] بیاورید.

آقای مدرس‌ی یزدی - اشکال دیگری که ابتدائاً به ذهن می‌رسد این است که اگر این شرکت، صد درصد (۱۰۰٪) دولتی باشد، ولو آنکه شخصیتی مستقل دارد، آیا طبق قانون اساسی می‌تواند [اشخاص غیردولتی را در هیئت مدیره‌ی آنها عضو کنند] که باید گفت ظاهراً می‌شود و اشکالی ندارد؛ منتها فقط این اشکال وجود دارد که لزوم شرط وثاقت در این افراد، در اینجا ذکر نشده است.

آقای علیزاده - الان شما چه می‌فرمایید؟ به کجای این مصوبه ایراد دارید؟

آقای یزدی - ایشان ایرادی ندارند، می‌گویند علی‌القاعده باید آن دو نفر اعضای غیرموظفی را که اضافه می‌کنند، افراد موثقی باشند. این اشکال همیشگی حاج‌آقای مؤمن است [که در دیگر مصوبات هم بر روی آن تأکید می‌کردند].

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی مثلاً می‌توانند یک غیرمسلمان متخصص را هم در این هیئت‌ها عضو کنند [به شرط اینکه موثق باشد].

آقای مدرس‌ی یزدی - در این موارد، وجود شرط وثاقت لازم است؛ یعنی نمی‌توانند یک آدم خائنی را هم در هیئت مدیره بگذارند؛ شرط وثاقت باید لحاظ شود.

آقای یزدی - علی‌القاعده این شرایط در قانون، مفروض است.^۱

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۶۴۰/۴۶۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹، اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت مصوب جلسه مورخ هشتم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

دوره‌های بعد، بلامانع است.
 ۲- در تبصره (۲) ماده (۱۵) و ماده (۲۲)، عبارت‌های «اعضای هیئت عامل»، به عبارت‌های «اعضای موظف هیئت عامل» اصلاح می‌شود. این اساسنامه هم باز به همان ترتیب [اصلاح اساسنامه‌ی شرکت ارتباطات زیرساخت که در دستور قبلی بررسی شد] اصلاح شده است.
آقای علیزاده - بله، این هم عین همان دستور قبلی است دیگر. اگر در مستندشان اشکالی وجود ندارد، ایرادی به آن وارد نیست.
آقای ره‌پیک - ما قبلاً مشابه این موضوع اعضای موظف و غیرموظف را در اساسنامه‌ها داشتیم [که آنها را تأیید کرده‌ایم].^۳

۱. ماده (۱۵) اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۴ هیئت وزیران: «ماده ۱۵- هیئت مدیره شرکت، مرکب از پنج عضو اصلی خواهد بود که به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب مجمع عمومی عادی از بین افراد با تحصیلات عالی و دارای سابقه مدیریت و صاحب‌نظر در تخصص‌های مرتبط با فعالیت‌های شرکت با اولویت کارکنان شرکت برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و پس از انقضای مدت تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سیمت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعد، مجاز است.

تبصره ۱- اعضای هیئت مدیره باید به‌طور تمام‌وقت به خدمت در شرکت اشتغال داشته باشند و قبول و تصدی هرگونه شغل موظف یا غیرموظف در خارج از شرکت، برای آنها ممنوع می‌باشد، ولی اشتغال در اموری که صرفاً جنبه تدریس داشته باشد، به نحوی که در اداره شرکت اختلالی پیش نیاید، با موافقت رئیس مجمع عمومی شرکت مجاز می‌باشد. هر یک از اعضای هیئت مدیره به ترتیبی که هیئت مدیره مشخص می‌نماید، راهبری حوزه‌ای از فعالیت‌های شرکت را عهده‌دار خواهند بود.

تبصره ۲- اعضای هیئت مدیره از بین خود، یک نفر را به عنوان رئیس هیئت مدیره و یک نفر را به عنوان نایب رئیس انتخاب می‌نمایند که با حکم وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات منصوب می‌شوند. ضمناً رئیس هیئت مدیره در حکم معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خواهد بود.»

۲. ماده (۲۲) اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۴ هیئت وزیران: «ماده ۲۲- مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

تبصره- مدیرعامل می‌تواند بخشی از وظایف و اختیارات خود را به هر یک از کارکنان شرکت تفویض نماید.»
 ۳. به عنوان نمونه، در تبصره‌ی ماده (۱۵) اساسنامه‌ی صندوق توسعه‌ی صنایع دریایی مصوب ۱۳۸۸/۱۱/۱۸، در خصوص عضویت دو نفر از اعضای هیئت مدیره به عنوان عضو غیرموظف مقرر می‌گردد: «ماده ۱۵- هیئت مدیره صندوق مرکب از پنج نفر است که به پیشنهاد رئیس مجمع و تصویب مجمع عمومی به مدت دو سال انتخاب و با حکم رئیس مجمع

منصوب می‌گردند. انتخاب مجدد اعضای هیئت مدیره بلامانع است و پس از انقضای مدت عضویت آنان مادام که مدیر یا مدیران جدید انتخاب یا معرفی نگردیده‌اند، همچنان عهده‌دار مسئولیت خواهند بود.
 تبصره- حداقل دو نفر از اعضای هیئت مدیره از بخش غیر دولتی خواهد بود که توسط انجمن‌های فعال در صنایع از بین افراد متخصص و با تجربه به رئیس مجمع معرفی می‌گردند. افراد مذکور به عنوان عضو غیرموظف با داشتن حق رأی در هیئت مدیره حضور خواهند داشت.» با این وجود، شورای نگهبان پس از بررسی این اساسنامه، در نظر شماره ۸۹/۳۰/۳۸۲۰۲ مورخ ۱۳۸۹/۲/۱۱۵ مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص نداد.

۴. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۶۴۰/۴۶۱۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران، مصوب جلسه مورخ هشتم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

←